

مکاشفه

مقدمه

کتاب مکاشفه توسط شیخی شناخته شده و متنفاً به اسم یوحنا نوشته شده است. بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که این شخص همان یوحنا شاگرد محبوب عیسی است (یوحنا ۱۳: ۲۳)، که نویسنده انجیل یوحنا و سه رساله دیگر در عهد جدید نیز هست. کتاب مکاشفه در اواخر قرن اول میلادی نوشته شده است. کل این کتاب توصیف و تشریح دقیق مکاشفه یا رؤیایی است که یوحنا آن را از خدا دریافت کرد. این مکاشفه عمدتاً در مورد روزهای آخر^۱ پیش از پایان جهان و نیز در مورد نبرد نهایی بین مسیح و شیطان است.

به یک معنا «روزهای آخر» در ایام زندگی یوحنا آغاز شد. در آن زمان جفای وحشتناکی توسط حکمرانان امپراطوری روم علیه مسیحیان آغاز شد. بنابراین، این مکاشفه به یوحنا داده شد تا او به ایمانداران عصر خود قوت قلب بدهد تا بتوانند در برابر این ظلم و ستم ایستادگی کنند. اما این مکاشفه به ایمانداران همه قرون و اعصار نیز داده شده است تا آنها نیز بتوانند از پیام آن قوت قلب یافته، در برابر زحمات و سختیها استوار بایستند. ما نیز در دوران معاصر، با مطالعه این مکاشفه‌ای که به یوحنا داده شد، می‌توانیم دلگرم شده، قوت قلب بیابیم.

با وجود این اگرچه بخشی از مکاشفه یوحنا به وقایع زمان خودش اشاره دارد، اما بطور خاص به وقایعی اشاره می‌کند که در پایان جهان اتفاق خواهند افتاد. همانطور که در زمان زندگی یوحنا، کلیسا با جفایی شدید روبرو بود، به همین شکل نیز در طی نبرد نهایی که در پایان جهان رخ خواهد داد، کلیسا با جفای شدیدتری روبرو خواهد شد. در مورد کتاب مکاشفه تفسیرهای مختلفی وجود دارد. این تفسیر تلاش می‌کند تا فقط آنچه را که در متن اصلی مکاشفه نوشته شده بیان کند و سعی می‌کند از وارد شدن به مباحث مربوط به نظریه‌های مختلف در مورد مکاشفه و نیز پیشگویی در مورد آینده خودداری کند.

۱- عبارت «روزهای آخر» می‌تواند واجد دو معنا باشد. یک معنای آن می‌تواند ظهور مجدد مسیح به هنگام پایان جهان باشد و یا می‌تواند به معنای کل دوره زمانی باشد که بین ظهور نخست او و ظهور ثانوی اش وجود دارد. مکاشفه یوحنا را می‌توان براساس هر دو معنای فوق‌الذکر تفسیر نمود.

رئوس مطالب

الف) رؤیای پسر انسان (۱:۱ تا ۲۲:۳)

- ۱- مقدمه (۱:۱-۸)
 - ۲- پسر انسان در میان چراغدانها (۱:۹-۲۰)
 - ۳- نامه‌هایی به هفت کلیسا (۱:۲ - ۲۲:۳)
- ب) رؤیای طومار، کرناها، علامت‌ها و پیاله‌ها (۱:۴ تا ۱۰:۱۹)
- ۱- هفت طومار مهر شده (۱:۴ - ۱۷:۷)
 - ۲- هفت کرنا (۱:۸ - ۱۹:۱۱)
 - ۳- هفت علامت (۱:۱۲ - ۲۰:۱۴)
 - ۴- هفت پیاله (۱:۱۵ - ۱۰:۱۹)
- ج) رؤیای بازگشت مسیح (۱۱:۱۹ تا ۱۵:۲۰)
- ۱- اسب سوار و وحش (۱۱:۱۹-۲۱)
 - ۲- بسته شدن شیطان و هزار سال (۱:۲۰-۶)
 - ۳- آزاد شدن شیطان و سرنوشت نهایی او (۷:۲۰-۱۰)
 - ۴- قیامت مردگان و داوری نهایی (۱۱:۲۰-۱۵)
- د) رؤیایی مربوط به آسمان جدید و زمین جدید (۱:۲۱ تا ۲۱:۲۲)
- ۱- اورشلیم جدید (۱:۲۱-۲۷)
 - ۲- نهر آب حیات (۱:۲۲-۶)
 - ۳- نتیجه‌گیری (۷:۲۲-۲۱)

داشته باشند که تمام اتفاقات در نهایت امر تحت کنترل خدا هستند و خدا حاکم بر همه شرایط و موقعیت‌هاست.

فیض و سلامتی همچنین از هفت روح نیز می‌آید. این که این هفت روح چه معنی دارند، دقیقاً مشخص نیست اما بسیاری بر این باورند که آنها نمایانگر هفت بُعد یا ویژگی روح القدس هستند.

فیض و سلامتی همچنین از عیسی مسیح نیز می‌آید (آیه ۵) که شاهد امین است. یکی از اعمال عیسی این است که شاهد خدا باشد (یوحنا ۳: ۳۱-۳۴، ۱۸: ۳۷ مشاهده شود).

عیسی همچنین در این آیه نخست‌زاده از مردگان خوانده می‌شود (مزمور ۲۷: ۸۹، اول قرن‌تین ۱۵: ۲۰، کولسیان ۱: ۱۸ و تفسیر آنها مشاهده شود). بدن تمام ایمانداران در آسمان رستاخیز خواهد کرد، اما رستاخیز عیسی پیش از رستاخیز همه اتفاق افتاد؛ بنابراین، او «نخست‌زاده» است (اول قرن‌تین ۱۵: ۲۳).

عیسی همچنین رئیس پادشاهان جهان نیز هست. او پادشاه پادشاهان است (مکاشفه ۱۷: ۱۴). او خداوند و صاحب جهان و کائنات است (فیلیپیان ۲: ۹-۱۱). شیطان به عیسی همه ممالک جهان و جلال آنها را پیشنهاد کرد (متی ۴: ۸-۱۰). اما اکنون عیسی توسط اطاعت و مرگ خود نه تنها همه این ممالک را صاحب شده، بلکه بر شیطان نیز غلبه یافته است. مسیح نجات‌دهنده ماست. او ما را از گناهان ما به خون خود شست (عبرانیان ۹: ۱۴، ۱۰: ۱۰ و تفسیر آنها مشاهده شود). او ما را پادشاهان و کهنه ساخت (آیه ۶). قوم یهود مملکت کهنه نامیده شدند (خروج ۱۹: ۶). در اینجا نیز کلیسای مسیح مملکت کهنه نامیده شده‌اند (اول پطرس ۲: ۹ و ۵ و تفسیر آن مشاهده شود).

۷ مسیح با ابرها خواهد آمد (دانیال ۷: ۱۳، مرقس ۱۳: ۲۶، ۱۴: ۶۲). همه انسانها، چه ایماندار باشند و چه بی‌ایمان، او را خواهند دید

باب ۱

مقدمه (۱: ۱-۸)

۱-۳ مکاشفه‌ای که این کتاب به توصیف و تشریح آن می‌پردازد، مکاشفه عیسی مسیح است. عیسی این مکاشفه را به یوحنا داد تا به مسیحیان اموری را که می‌باید زود واقع شود (آیه ۱) نشان دهد. تا این لحظه که شما مشغول خواندن این کتاب هستید، بسیاری از وقایعی که در این کتاب تشریح شده‌اند، هنوز به وقوع نپیوسته‌اند. با وجود این وقت نزدیک است (آیه ۳) و اکنون که تقریباً دو هزار سال از زمان نوشته شدن این مطالب به دست یوحنا می‌گذرد، زمان به وقوع پیوستن این رویدادها نزدیکتر هم شده است (دوم پطرس ۳: ۸-۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

یوحنا این مکاشفه را نبوت می‌خواند (آیه ۳) و می‌گوید خوشبختانه حال کسانی که آن را می‌خوانند یا می‌شنوند و سپس آن را نگاه می‌دارند. همین مطلب را می‌توان در مورد تمامی قسمت‌های کلام خدا یعنی کتاب مقدس گفت.

۴-۶ یوحنا کتاب مکاشفه را برای هفت کلیسای مشخص نوشت که در ایالت رومی آسیا قرار داشتند که امروزه این منطقه جزو خاک ترکیه است (آیه ۱۱ مشاهده شود). این کلیساها در شهرهای بزرگ این ایالت قرار داشتند. بنابراین، کتاب یوحنا می‌توانست به آسانی به دست دیگر کلیساهای این ایالت نیز برسد. اما ما باید این موضوع را به یاد داشته باشیم که این کتاب نه تنها برای کلیساهای آسیا، بلکه برای هر کلیسایی در هر دوران نوشته شده است، که البته شامل کلیسای دوران ما نیز می‌شود.

فیض و سلامتی بر شما باد از او (خدا) که هست و بود و می‌آید (آیه ۴). هستی خدا آغاز و پایان ندارد و در واقع او مجدداً می‌آید. بنابراین، هنگامی که مصیبت نهایی در پایان جهان نازل شد، همه مسیحیان باید این موضوع را به یاد

و خواهند دانست که او پسر خداست. حتی آن سربازان رومی که وقتی او بر صلیب بود **اورا فیزه زدند**، او را خواهند دید (زکریا ۱۲:۱۰، یوحنا ۱۹:۳۷). نه تنها اینها، بلکه همه کسانی نیز که امروزه ایمانشان را ترک کرده‌اند یعنی کسانی که به عیسی خیانت کرده‌اند و عملاً او را دوباره به صلیب کشیده‌اند، هنگامی که برای داوری شدن به حضور عیسی بیایند، او را خواهند دید (عبرانیان ۶:۴-۶). در آن روز **جمیع طوایف** (بی‌ایمانان) **زمین سینه‌زنی** خواهند کرد زیرا مسیح بر آنها داوری خواهد کرد (متی ۲۴:۳۰). مشاهده شود.

۸ من هشتم الف و یا. «الف» نخستین حرف الفبا و «یا» آخرین حرف آن است. خدا در اینجا می‌گوید که او هم آغاز و هم پایان است و از آغاز تا پایان وجود خواهد داشت. خدا آغاز و پایان هر چیز است. اما خود خدا نه آغازی دارد و نه پایانی و همیشه وجود داشته و وجود خواهد داشت (آیه ۴).

رؤیای پسر انسان (۹:۱-۲۰)

۹ یوحنا **شوریک در مصیبتی** است که بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی مسیحی **در عیسی** است. او همچنین یکی از وارثان **ملکوت عیسی** است (رومیان ۸:۱۷). همه کسانی که متعلق به ملکوت عیسی هستند، در این جهان با رنج و مصیبت روبرو خواهند شد (یوحنا ۱۶:۳۳، اعمال ۱۴:۲۲). چون یوحنا شاهد امین مسیح بود در **جزیره‌ای مسمی به پطمس**^۲ زندانی شد.

۱۰-۱۱ یوحنا این مکاشفه را در **روز خداوند** یعنی در روز یکشنبه دریافت کرد.^۳ هنگامی که یوحنا مکاشفه را دریافت کرد در **روح** بود (آیه ۱۰) یعنی او از هشیاری روحانی عمیقی برخوردار بود که در این وضعیت امکان دریافت چنین مکاشفاتی برای او وجود داشت (اعمال ۱۰:۱۰، ۱۷:۲۲، دوم قرنتیان ۱۲:۱-۴)

مشاهده شود).

۱۲-۱۵ هفت چراغدان طلا (آیه ۱۲) نمایانگر هفت کلیسایی است که کتاب مکاشفه برای آنها فرستاده شد (آیه ۲۰ مشاهده شود). **شبیبه پسر انسان** (آیه ۱۳) خود عیسی مسیح است (دانیال ۷:۱۳). دانیال که از انبیای عهدعتیق بود، رؤیای مشابهی در مورد مسیح جلال یافته مشاهده کرد (دانیال ۹:۷، ۱۰:۵-۶). **۱۶** در این رؤیا مسیح **هفت ستاره** در دست راست خود داشت. این ستاره‌ها نمایانگر روح هفت کلیساها هستند (آیه ۲۰). از دهان او **شمشیری دودمه تیز** بیرون می‌آمد که بیانگر کلام او (افسسیان ۶:۱۷) و خصوصاً بیانگر کلام داوری‌کننده اوست (عبرانیان ۴:۱۲، مکاشفه ۲:۱۶، ۱۹:۱۵ و ۲۱ مشاهده شود).

چهره مسیح **چون آفتاب** بود. یوحنا قبلاً مسیح جلال یافته را دیده بود. در آن زمان نیز چهره مسیح **چون خورشید درخشنده** بود (متی ۱۷:۲).

۱۷-۱۸ هنگامی که یوحنا مسیح را در رؤیا دید، پیش پایهایش افتاد. سپس مسیح به او گفت: **«ترسان مباش»** (دانیال ۱۰:۱-۱۲، متی ۱۷:۶-۷ مشاهده شود).

مسیح سپس گفت که او **اول و آخر** است

۲- پطمس جزیره‌ای کوچکی بود در دریای مدیترانه، در جنوب منطقه‌ای که امروز کشور ترکیه نامیده می‌شود. در زمان حکمروایی امپراطوری روم، رومیها جنایتکاران و زندانیان دیگر را به این جزیره می‌فرستادند. این جزیره حکم زندانی را داشت که کسی نمی‌توانست از آن فرار کند.

۳- هنگامی که یوحنا کتاب مکاشفه را می‌نوشت، مسیحیان به‌جای این که همانند سنت یهود روز شنبه را به‌عنوان روز سبت نگاه بدارند، به‌تدریج روز یکشنبه را به‌عنوان روز سبت نگاه می‌داشتند. آنها روز یکشنبه را روز خداوند می‌خواندند زیرا در این روز بود که عیسی از مردگان قیام کرد.

نامه‌ها را که به این کلیساها نوشته شده‌اند می‌خوانیم، باید این موضوع را درک کنیم که این نامه‌ها نه تنها از سوی مسیح به این هفت کلیسا نوشته شدند، بلکه خطاب به هر کلیسایی در هر دورانی هستند. هفت کلیسایی که در باب‌های ۲ تا ۳ ذکر شده‌اند، تنها نمونه‌هایی برای ما هستند و سخنانی که خطاب به آنها نوشته شده در مورد همه کلیساها در همه مکانها صادق است. این هفت نامه به همه ایمانداران، هم قوت قلب می‌دهند و هم هشدار برای آنها هستند. مسیح هر یک از این نامه‌ها را به **فرشته کلیسا** می‌نویسد (مکاشفه ۱: ۲۰ مشاهده شود). در این نامه به کلیسای افسس، مسیح خود را به‌عنوان **او که هفت ستاره را به دست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلا می‌خرامد** معرفی می‌کند (مکاشفه ۱: ۱۲-۱۳، ۱۶ مشاهده شود). اگر چه خود مسیح در آسمان است، اما توسط روح القدس در کلیساهایش «می‌خرامد» و آنها را در دستانش حفظ می‌کند.

۲-۳ در ابتدا، مسیح کلیسای افسس را تحسین می‌کند. معلمان دروغین تلاش کرده بودند وارد کلیسا شوند اما مسیحیان افسس تعلیم آنها را آزموده و به دروغ بودن آنها پی برده بودند (اول یوحنا ۴: ۱). پولس پیشتر به رهبران کلیسای افسس در مورد چنین معلمانی هشدار داده بود (اعمال ۲۰: ۲۸-۳۱). مسیح **مشقت** و **صبر** ایمانداران افسس را تحسین می‌کند (آیه ۲).

۴- عالم اموات مکانی است که روح انسانها که از بدنشان جدا شده (روحهایی که فاقد بدن هستند) در آنجا در انتظار داوری نهایی مسیح بسر می‌برند.

۵- افسس مهم‌ترین شهر در ایالت آسیا بود (افسیان: مقدمه مشاهده شود). نخستین مسیحیانی که در افسس می‌زیستند پرسکلا و آکیلا بودند (اعمال ۱۸: ۱۸-۲۰). پولس خود نیز دو سال در افسس زندگی کرد و کلیسای آنجا را استوار و مستحکم ساخت (اعمال ۱۹: ۱-۱۰).

(الف و یا)، یعنی نامی که خدا در آیه هشتم به خودش می‌دهد (اشعیا ۴۴: ۶). مسیح گفت که **کلیدهای موت و عالم اموات**^۴ نزد اوست، یعنی او اقتدار کامل بر مرگ دارد.

۱۹-۲۰ مسیح به یوحنا حکم می‌کند که هر آنچه که دیده بود و قرار بود ببیند، بنویسد. هنگامی که ما کتاب مکاشفه را مطالعه می‌کنیم، نباید این موضوع را فراموش کنیم که آنچه که می‌خوانیم ثبت دقیق مکاشفه‌ای است که خود مسیح به یوحنا داد. ممکن است درک بعضی از قسمت‌های این مکاشفه مشکل باشد، اما بدون توجه به این امر این موضوع را به یاد داشته باشیم که این مکاشفه از سوی خود مسیح داده شده و برای خیریت ما به نگارش درآمده است.

هفت ستاره فرشتگان هفت کلیسا هستند (آیه ۲۰). در این آیه واژه **فرشتگان** می‌تواند به معنای فرشته هر کلیسا باشد یا می‌تواند به معنای سخنگوی روحانی خاص هر کلیسا در نظر گرفته شود. مسیح توسط چنین فرشته یا سخنگویی، با هر یک از کلیساهایش سخن می‌گوید.

هفت کلیساها هفت چراغدان خوانده می‌شوند. آنها به این دلیل چراغدان خوانده می‌شوند زیرا وظیفه اصلی هر کلیسا این است که نور مسیح را به تمامی جهان بیفشاند. مسیح نور جهان است (یوحنا ۸: ۱۲) و ما چراغدانی هستیم که نور او از ما می‌تابد (متی ۵: ۱۴-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

باب ۲

به کلیسای در افسس (۲: ۱-۷)

۱ در اینجا ما با نخستین نامه از هفت نامه‌ای روبرو می‌شویم که به هفت کلیسا نوشته شده است یعنی نامه به کلیسای **افسس**^۵. در آغاز هر یک از این نامه‌ها مسیح خودش را به شکل متفاوتی معرفی می‌کند و در پایان هر نامه نیز وی به کسانی که تا به انتها در ایمانشان استوار مانده‌اند، وعده‌ای می‌دهد. هنگامی که این

آنها در صبر و ثابت قدمی شان **خسته** نشده بودند (آیه ۳). اگر مسیح فقط همین کلمات را به کلیسای افسس گفته بود، آنها می توانستند در مورد خود بسیار احساس غرور کنند!

۴ با وجود این، مسیحیان افسس دلیلی برای مغرور بودن نداشتند. آنها **محبت نخستین** خود را ترک کرده بودند. انجام دادن اعمال نیکو آنقدر آنها را مشغول کرده بود که به تدریج داشتند مسیح را فراموش می کردند! خوشی و محبت عظیمی که آنها در آغاز زندگی مسیحی خود داشتند، به تدریج داشت رنگ می باخت.

بیاید همیشه این موضوع را به یاد داشته باشیم که اولین و بزرگترین حکم این است: **خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما**

(مرقس ۱۲: ۳۰). اگر محبت ما نسبت به خدا و نسبت به همسایه مان (مرقس ۱۲: ۳۱) سرد شود تمامی اعمالمان عبث و بی ارزشند (اول قرنثیان ۱۳: ۱-۳ و تفسیر آن مشاهده شود). بیاید هرگز محبتی را که در ابتدای ایمانمان نسبت به مسیح داشتیم فراموش نکنیم. در این صورت ما مملو از خوشی، محبت، غیرت و روحیه قدردانی خواهیم بود. ما در حالی که زندانیان شیطان بودیم، آزاد شدیم. ما کل زندگی خود را تقدیم مسیح کردیم. ای برادران و خواهران، بیاید این سؤال را از خود بکنیم: آیا آن مشارکت شادمانه ای که در ابتدا از بودن با مسیح داشتیم، سرد شده است؟ آیا ما نیز مانند مسیحیان افسس **محبت نخستین** خود را ترک کرده ایم؟

۵ اگر محبت ما نسبت به مسیح سرد شده، پس عیسی خطاب به ما این کلمات را می گوید: «پس به خاطر آر که از کجا افتاده ای! آن روزهایی را به یاد بیاور که مشارکت ما بسیار غنی و صمیمانه بود، روزهایی که مرا با تمامی دلت محبت می کردی و پراز روح القدس بودی. توبه کن و اعمال نخست را بعمل آور- یعنی اعمال

محبت آمیز را.»

کافی نیست که صرفاً تصدیق کنیم که محبت نخستین خود را فراموش کرده ایم، بلکه باید دوباره شروع به انجام اعمال محبت آمیز کنیم. محبت باید در اعمال محبت آمیز دیده شود و بدون اعمال محبت آمیز، محبتی وجود ندارد (اول یوحنا ۳: ۱۶-۱۸ و تفسیر آن مشاهده شود). اگر ما مجدداً شروع به انجام اعمالی نکنیم که محبت نخستین ما را نشان می دهد، مسیح خواهد آمد و **چراغدان** (ما را) **از مکانش نقل** خواهد کرد. یعنی او به خدمت ما پایان خواهد داد و اعضای کلیسایمان را پراکنده خواهد ساخت. کلیسایی که محبت نخستینش را ترک کرده باشد، هیچ فایده ای برای مسیح ندارد.

۶ **نقولوویان** گروهی بودند که وانمود می کردند مسیحیان حقیقی هستند اما مرتکب اعمال غیراخلاقی می شدند (آیه ۱۵).

۷ به این موضوع توجه داشته باشید که روح مسیح نه با یک کلیسا، بلکه با **کلیساهای** سخن می گوید. او نه تنها با کلیسای افسس، بلکه با کلیسای ما نیز در عصر حاضر سخن می گوید. اگر ما بر شیطان و وسوسه های او غالب شویم این اجازه را خواهیم داشت که **از درخت حیاتی که در وسط فردوس** (اورشلیم آسمانی) **خداست** بخوریم و با خوردن از این درخت صاحب حیات جاودانی شویم (پیدایش ۲: ۹، مکاشفه ۲: ۱۰، ۲: ۲۲).

به کلیسای اسمیرنا (۲: ۸-۱۱)

۱ از هفت شهری که در باب های دوم و سوم کتاب مکاشفه به آنها اشاره شده، تنها شهر

۶- توبه نخستین قدم در دستیابی مجدد به محبتی است که نسبت به مسیح داشتیم. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد در فهرست لغات: «توبه» و در مقاله عمومی: «بیداری روحانی» مشاهده شود.

۱۱ **موت ثانی** که در این آیه ذکر شده به مرگ ابدی اشاره دارد که مجازات ابدی برای تمامی شریران و بدکاران است. این مرگ در مکاشفه ۱۴:۲۰ **دریاچه آتش** و در مکاشفه ۸:۲۱ **دریاچه آفر وخته شده به آتش و کبریت** نامیده شده است.

به کلیسای در پرغامس (۱۲:۲-۱۷)

۱۲ **پرغامس** مرکز ایالت رومی آسیا بود. بنابراین، مقر اصلی حکمران رومی این ایالت در آنجا قرار داشت. حکمران این قدرت را داشت تا انسانها را به مرگ محکوم کند یعنی او «صاحب قدرت شمشیر» بود. اما در این آیه مسیح به کلیسای پرغامس یادآوری می‌کند که او دارای شمشیر نیرومندتری است: مسیح صاحب **شمشیر دودمه تیز** است (مکاشفه ۱۶:۱ مشاهده شود). او هم بر حیات و هم بر مرگ اقتدار دارد. مسیح نه تنها قدرت دارد که اشخاص را به مرگ ابدی محکوم سازد، بلکه همچنین قدرت دارد که به آنها حیات جاودانی ببخشد.

۱۳ پرغامس که مرکز ایالت آسیا بود، مرکز اقتدار امپراطور روم بود. بنابراین، مسیح می‌گوید که پرغامس مکانی است که **تخت شیطان در آنجاست** یعنی مکانی که امپراطور (و حکمرانانش) بر تخت قدرت تکیه زده‌اند. در ایام حیات یوحنا، مسیحیان، امپراطوری روم و حکمرانان او را نمایندگان شیطان می‌دانستند. نام **انطیپاس** در هیچ جای دیگر کتاب مقدس ذکر نشده است. او از اهالی پرغامس بود که به خاطر ایمانش به مسیح به مرگ محکوم شده بود. مسیح در این آیه به انطیپاس همان نامی را

اسمیرنا تا به امروز باقی مانده است. نام فعلی این شهر از میر است و در قسمت غربی کشور ترکیه و در فاصله ۶۰ کیلومتری شهر قدیمی افسس قرار دارد. شش شهر دیگر نابود شده‌اند و تنها ویرانه‌های آنها باقی مانده است. در این آیه مسیح خود را **اول و آخر که مرده شد و زنده گشت** می‌خواند (مکاشفه ۱۷:۱-۱۸ مشاهده شود).

۹ در ایام حیات یوحنا، کلیسای اسمیرنا با **تنگی** بسیار روبرو بود. اکثر ساکنان شهر، امپراطور روم را به‌عنوان خدا می‌پرستیدند و در شهر معبدی بزرگ به نام او ساخته شده بود. از آنجایی که مسیحیان این شهر از پرستش امپراطور سرباز می‌زدند، حکمرانان شهر و سربازان رومی بر آنها ظلم و ستم روا می‌داشتند. برای مسیحیان شهر، تأمین معاش روزانه مشکل بزرگی بود. مغازه‌ها و منازل آنها تاراج می‌شد (عبرانیان ۳۴:۱۰) و در نتیجه آنها دچار فقر و **مفلسی** بودند. باوجود این آنها از نظر روحانی **دولتمند** بودند (متی ۱۹:۶-۲۰، یعقوب ۵:۲ مشاهده شود).

یهودیان اسمیرنا نیز با مسیحیان مخالفت می‌کردند و به آنها افترا می‌زدند. اما آنها یهودیان دروغین و از **کنیسه شیطان** بودند و شیطان را خدمت می‌کردند، که کار او افترا زدن است.^۷

۱۰ مهم‌تر از همه این که کلیسای اسمیرنا برای تحمل این ظلم و ستم، نیاز به دلگرمی و قوت داشت. اگر مسیحیان اسمیرنا تا به آخر یعنی **تا به مرگ** ایستادگی می‌کردند، آنگاه **تاج حیات** یعنی حیات جاودانی را می‌یافتند (مرقس ۱۳:۱۳، اول قرنتیان ۲۵:۹، اول پطرس ۴:۵ و تفسیر آنها مشاهده شود). **ده روز جفا** و زحمتی که در این آیه ذکر شده، اشاره به جفایی ندارد که در پایان جهان بر تمامی انسانها نازل خواهد شد (مکاشفه ۱۰:۳)، بلکه اشاره به یک دوره جفای شدید کوتاه مدت دارد که باید بزودی بر کلیسای اسمیرنا واقع می‌شد.^۸

۷- در زبان یونانی، کلمه‌ای که برای شیطان به کار

رفته، به معنای «افترا زنده» است.

۸- جفایی که در پایان جهان رخ خواهد داد، بر کسانی خواهد آمد که در آن زمان زنده‌اند. برای کسانی که پیش از آن مرده باشند. دنیا در عمل در لحظه‌ای که آنها مرده‌اند، پایان یافته است.

می‌دهد که در مکاشفه ۵:۱ در مورد خودش به کار می‌برد یعنی او را **شهید امین** می‌نامد.

۱۴ مسیح پس از تحسین کلیسای پرغامس به قصورات آنها نیز می‌پردازد. آنها تعلیم دروغین بلعام را تحمل کرده و اجازه داده بودند که این تعلیم وارد کلیسایشان شود. بلعام از انبیای عهدعتیق بود که به پادشاه موآب، بالاق کمک کرده بود تا در برابر **بنی اسرائیل** ایستادگی کند. روش بلعام برای تضعیف قوم یهود این بود که در برابر آنها **سنگی مصادم** بیندازد. وی به بالاق توصیه کرد که زنان مملکتش مردان یهودی را وسوسه کنند که گوشت قربانی شده برای بتها را بخورند و مرتکب زنا و اعمال ناشایست جنسی شوند (اعداد ۱:۲۵-۳، ۳۱:۱۵-۱۶). بنابراین، ما می‌توانیم این موضوع را درک کنیم که **تعلیم بلعام** شامل هر نوع تعلیمی می‌شود که انسانها را به سوی ناطاعتی از خدا سوق می‌دهد و باعث می‌شود تا آنها به دنبال خدایان دروغین و امیال غیراخلاقی دنیوی باشند.

۱۵ **تعلیم نقولویان** نیز شبیه تعلیم بلعام بود (آیه ۷ مشاهده شود).

۱۶ عیسی می‌گوید که با **شمشیر زبان** خود با هر نوع تعلیم غلط مبارزه خواهد کرد (مکاشفه ۱۶:۱ و تفسیر آن مشاهده شود). معلمان دروغین نه تنها در روز نهایی داوری، بلکه در این زندگی نیز مجازات خواهند شد.

اگر چه تنها چند نفر از اعضای کلیسای پرغامس از چنین تعلیم دروغینی پیروی می‌کردند، اما کلیسای پرغامس مقصر بود زیرا معلمان دروغین را از میان خود نرانده و با آنها مدارا کرده بود. بنابراین، آنها اجازه داده بودند که ناپاکی در کلیسایشان ریشه بدواند. در واقع گناه آنان نقطه مقابل گناه کلیسای افسس بود. مسیحیان افسس از یک سو با تعلیم دروغین مدارا نکرده بودند و از نظر تعلیمی پاک و سخت‌گیر بودند، اما آنها محبت خود را از دست

داده بودند. از سوی دیگر مسیحیان پرغامس محبت خود را از دست نداده بودند اما پاکی خود را از دست داده بودند. با مطالعه این هفت **نمونه**

متوجه می‌شویم که هر کلیسایی نقاط ضعف و قوت خاص خودش را دارد. بیایید در مورد کلیسای خودمان فکر کنیم: نقاط ضعف و قوت خاص آن چیست؟ اگر مسیح می‌خواست به کلیسای ما نامه‌ای بنویسد، چه می‌نوشت؟

۱۷ مسیح به کسی که **غالب آید از من مخفی**^۹ خواهد داد یعنی به او از «نان» روحانی خواهد داد (یوحنا ۶:۴۸-۵۱ و تفسیر آن مشاهده شود). اگر ما خوراک بتها را در این دنیا ترک کنیم، در آسمان از خوراک مسیح خواهیم خورد.

سنگ سفید که در این آیه ذکر شده است اشاره به سنتی در عهدعتیق دارد که مطابق آن به کسانی که به یک جشن یا میهمانی دعوت می‌شدند، سنگی سفید داده می‌شد و این سنگ به منزله علامتی بود که ثابت می‌کرد دارنده آن جزو دعوت‌شدگان است. بنابراین، منظور مسیح در اینجا این است که کسانی که سنگ سفید دریافت کرده‌اند و نامشان بر آن نوشته شده دعوت شده‌اند تا در آسمان از **من مخفی** بخورند.

به کلیسای در طیاتیرا (۲:۱۸-۲۹)

۱۸-۱۹ **طیاتیرا** شهری ثروتمند و مرکز تجارت و داد و ستد بود. شرایط شهر طیاتیرا به شرح ذیل بود: هر حرفه‌ای خدای خاص خودش را داشت و برای اینکه شخصی در حرفه‌ای خاص موفقیت کسب کند، باید خدای خاص آن حرفه را می‌پرستید. بنابراین، مسیحیان طیاتیرا

۹- واژه «من» که در این آیه ذکر شده اشاره به نانی دارد که خدا برای یهودیان هنگامی که در بیابان بودند فرستاد.

یک توان آزمایی قرار می‌دهد: **به آنچه دارید تا هنگام آمدن من تمسک جویند** (اول تیموتاؤس ۱۳:۱-۱۴:۶، ۲۰، دوم تیموتاؤس ۱۳:۱-۱۴:۶ مشاهده شود). مسیح بر دوش مسیحیان طیاتیرا **باری دیگر** نمی‌گذارد و حکمی دیگر به آنها نمی‌دهد، بلکه از آنها می‌خواهد تا از فساد و بت‌پرستی ایزابل دوری جویند (اعمال ۲۸:۱۵-۲۹ مشاهده شود).

۲۶-۲۷ منظور از کسی که **غالب آید آن** است که **اعمال** مسیح را **تا به انجام نگاه دارد**. مسیح به چنین شخصی **بر امتها قدرت** خواهد داد (مزمو ۲:۸-۹، متی ۲۸:۱۹ مشاهده شود). **۲۸-۲۹** معنای **ستاره صبح** در آیه مبهم است. مطابق مکاشفه ۱۶:۲۲ ستاره صبح خود مسیح است. اگر چنین باشد پس معنای این آیه چنین خواهد بود: «کسانی که "ستاره صبح" را دریافت دارند مسیح را دریافت می‌کنند» یعنی آنها به شکل کامل، از مشارکت با او، محبت او و روح او برخوردار خواهند بود.

باب ۳

به کلیسای در ساردس (۱:۳-۶)

۱ مسیح در این آیه خود را کسی می‌خواند که **هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد** (مکاشفه ۱:۴، ۱۶، ۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود). در میان این هفت کلیسا، اتهامی که مسیح علیه کلیسای ساردس مطرح می‌کند، در مقایسه با اتهامات کلیساهای دیگر سنگینتر است. مسیح می‌گوید: **... مرده هستی**.

برای مسیحیان ساردس چه اتفاقی افتاده بود؟ آنها تحت جفا و آزمایشهای سخت نبودند. آنها از تعلیم دروغین پیروی نمی‌کردند. آنها

که مشاغل مختلفی داشتند تحت فشار زیاد و وسوسه‌های جدی قرار داشتند تا این خدایان را بپرستند. بنابراین، اگر آنها از پرستش این خدایان سرباز می‌زدند دیگر اهالی شهر به آنها آزار می‌رسانیدند در نتیجه آنها در حرفه خود دچار ضرر و زیان جدی می‌شدند.

عیسی در این آیات نیز همان توصیفی را از خود ذکر می‌کند که در مکاشفه ۱۴:۱-۱۵ ذکر کرده است. در مورد این کلیسا نیز همچون نامه‌های دیگر او ابتدا به تحسین ایمانداران طیاتیرا می‌پردازد.

۲۰ اما در این آیه عیسی به ضعف آنها می‌پردازد: آنها با **آن زن ایزابل** مدارا می‌کردند. احتمالاً ایزابل یکی از زنان برجسته کلیسایشان بوده است.^۱ در آن زمان معابد رومی پر از فاحشه بودند. بنابراین، هنگامی که مردان شهر طیاتیرا برای پرستش به معبدی می‌رفتند با فاحشه‌های آنجا زنا می‌کردند و در جشنی که به افتخار بت آن معبد برپا شده بود، شرکت می‌کردند. شاید این زن که نام او **ایزابل** بود چنین تعلیم می‌داد که چون بتها چیزی نیستند، بنابراین، انجام پرستش در معبد آنها اشکالی ندارد یا به عبارت دیگر با پرستیدن «هیچ چیز» اشخاص مرتکب گناه نمی‌شوند (اول قرن‌تیان ۱۲:۱۳-۱۵ و ۷:۴:۸).

۲۱-۲۳ چون ایزابل از توبه کردن سرباز می‌زند، پس **بو بستری** افتاده و به **مصیبتی سخت** مبتلا خواهد شد (آیه ۲۲). اما پیروان او هنوز فرصت توبه دارند. کسانی که توبه نکنند، با بیماری و مرگ روبرو خواهند شد. خدا اغلب برای مجازات گناه، بیماریهای مختلف و مرگ را بر انسانها نازل می‌کند (مزمو ۱۲:۶۲، ارمیا ۱۷:۱۰، متی ۲۷:۱۶، رومیان ۲:۶ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۲۴-۲۵ مسیح به کسانی که از ایزابل و **عمقهای شیطان را چنانکه می‌گویند** (آیه ۲۴) پیروی نکرده‌اند قوت قلب داده و آنها را در برابر

۱۰- برخی دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که

نام ایزابل به یک شخص خاص اشاره ندارد، بلکه این نام معرف و نماد شرارت است (اول پادشاهان ۱۶:۳۱، دوم پادشاهان ۲۲:۹).

ظاهراً از نظر روحانی زنده بودند، اما واقعیت امر آن بود که از نظر روحانی مرده بودند.

آنچه برای کلیسا اتفاق افتاده بود، این بود: این کلیسا آنقدر شبیه جامعه اطرافش شده بود که دیگر نمی‌شد بین مسیحیان این کلیسا و غیرمسیحیان اطراف تمایز قائل شد. شهادت مسیحیان در مورد مسیح به شهادتی ضعیف تبدیل شده بود و آنها تلاش نمی‌کردند از اطرافیان غیرمسیحی‌شان متفاوت باشند. آنها نمی‌خواستند با عادات و سنت‌های انسانی‌های اطرافشان مخالفت کنند. بنابراین، کلیسای آنها با جامعه اطرافش در صلح و صفا زندگی می‌کرد. هیچ جفایی وجود نداشت و در نتیجه این کلیسا از حیات برخوردار نبود! آنها در این دنیا احساس رضایت خاطر می‌کردند و آنچه را که می‌خواستند، داشتند. اما روح آنها ضعیف شده و حتی به یک معنی مرده بود (مزمور ۱۵:۱۰۶).

۲-۳ زندگی آنها خالی بود و اعمالشان کامل نبود. مسیح از چنین مسیحیانی راضی نبود. با وجود این هنوز در وجود آنها اندکی زندگی روحانی باقی مانده بود. بنابراین، عیسی به آنها می‌گوید: بیدار شو! (افسیان ۵:۱۴ مشاهده شود). اگر آنها بیدار نشده و هشیار نمی‌ماندند، شیطان به شکل کامل آنها را می‌بلعد (اول پطرس ۵:۸). پس آنها باید **باقی** را که **نزدیک به فنا** است، استوار کنند؛ یعنی باید آنچه را که از زندگی روحانی‌شان باقی مانده، استوار نمایند. در غیر این صورت عیسی **مانند دزد** برای داوری آنها می‌آید. در اینجا عیسی نه تنها به داوری نهایی در پایان جهان (متی ۲۴:۴۲-۴۴، اول تسالونیکیان ۵:۲)، بلکه همچنین به مجازاتی که او در این جهان بر انسانها اجرا می‌کند، اشاره می‌نماید (مکاشفه ۱۶:۲ مشاهده شود).

۴ در هر کلیسا، هم مسیحیان حقیقی وجود دارند و هم مسیحیان دروغین (متی

۱۳:۲۴-۳۰ و دوم تیموتاؤس ۲:۲۰-۲۱ مشاهده شود). در کلیسای ساردس تعداد مسیحیان حقیقی اندک بود، یعنی تعداد کسانی که خود را از آلودگی دنیا دور نگاه داشته بودند، کم بود. کسانی که از عادات و امیال دنیا پیروی کرده بودند گویی **لباس جسم آلود** بر تن کرده بودند (یهودا ۲۳) اما به آن ایمانداران حقیقی که خود را از ناپاکی جهان دور نگاه داشته بودند، لباسهای سفیدی عطا شد تا بپوشند و با عیسی بخرامند. رنگ سفید نشانه عدالت و پاکی است. **۵-۶** در هر یک از این هفت نامه، عیسی به کسی که **غالب آید** وعده‌ای می‌دهد. کسانی که غالب می‌آیند کسانی هستند که تا به آخر در ایمانشان استوار باقی می‌مانند. مطابق این نامه آنها به لباسهای سفید ملبس می‌شوند یعنی از نظر خدا آنها عادل محسوب می‌شوند. اسامی آنها هیچوقت از **دفتر حیات** محو نخواهد شد (آیه ۵). دفتر حیات مکانی است که در آن اسامی اشخاصی که وارث حیات جاودان خواهند شد، ثبت شده است (لوقا ۱۰:۲۰، مکاشفه ۱۲:۲۰، ۱۵، ۲۱، ۲۷ مشاهده شود). از این مطالب می‌توانیم نتیجه بگیریم که اسامی کسانی که در ایمان استوار نمانند از دفتر حیات پاک خواهد شد.

مسیح نام کسانی را که غالب شوند نزد پدر اقرار خواهد کرد (متی ۱۰:۳۲-۳۳ مشاهده شود). مسیح سخنگوی ما و مدافع مادر حضور خداست (رومیان ۸:۳۴، عبرانیان ۷:۲۵). پس بیایید بدون تردید و تزلزل به او ایمان داشته باشیم.

به کلیسای در فیلادلفیه (۳:۷-۱۳)
۷ مسیح **کلید دود** را دارد یعنی او این قدرت را دارد که انسانها را وارد ملکوت خدا (یعنی ملکوت روحانی داود پادشاه) بسازد. او همچنین این قدرت را دارد که انسانها را از آن بیرون نگاه دارد (اشعیا ۲۲:۲۲).

۸ مسیح در برابر کلیسای فیلادلفیه **دری**

گشاده قرار می‌دهد. در این آیه، واژه «در» می‌تواند به دو معنای درِ آسمان و نیز به معنای درِ فرصت خدمت کردن به مسیح باشد. هنگامی که ما به مسیح خدمت می‌کنیم، او برخی درها را در برابر ما می‌گشاید و برخی درها را در برابرمان می‌بندد. ما نباید سعی کنیم از درهایی بگذریم که مسیح آنها را بسته است؛ اما می‌توانیم از درهایی بگذریم که باز کرده است. و هیچ کس، و نه حتی خود شیطان نمی‌تواند آنها را بر ما ببندد. بیاید همیشه آماده باشیم تا از این درهای باز بگذریم (اعمال ۱۶: ۶-۱۰، اول قرنتیان ۱۶: ۸، دوم قرنتیان ۱۲: ۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۹ یهودیان همیشه سعی می‌کردند تا درها در برابر مسیحیان ببندند. یهودیان فکر می‌کردند که تنها آنها فرزندان حقیقی خدا محسوب می‌شوند. اما چون آنها پسر خدا عیسی را رد کرده بودند و به همه کسانی که به او ایمان داشتند افترا می‌زدند و با آنها مخالفت می‌ورزیدند، حق فرزند خدا بودن را از دست دادند. چنین اشخاصی یهودیان حقیقی نیستند، بلکه اشخاصی دروغگویند (رومیان ۲: ۲۸-۲۹) و پدر آنها شیطان یعنی **پدر دروغگویان** است (یوحنا ۸: ۴۴، مکاشفه ۹: ۲). در نهایت این یهودیان مجبور می‌شدند اعتراف کنند که این مسیحیانی که یهودیان از آنها تنفر داشتند، در واقع فرزندان حقیقی و محبوب خدا بودند.

ساعت امتحان که در این آیه ذکر شده دوران پر درد و رنجی است که درست پیش از بازگشت مسیح بر جهان خواهد آمد. این ساعت امتحان و آزمایشها هنوز آغاز نشده است (دانیال ۱۲: ۱، مکاشفه ۱۳: ۵-۱۰) این آزمایشها و مصیبت‌ها از آزمایشهایی که ما اکنون تجربه می‌کنیم بسیار متفاوت خواهد بود. آزمایشهایی که ما اکنون با آنها روبرو هستیم بدین منظور بر ما نازل می‌شود تا ایمان ما مورد آزمایش قرار گرفته، تقویت شود (اول پطرس ۱: ۶-۷، ۴: ۱۲-۱۳، مکاشفه ۲: ۱۰ و تفسیر آنها مشاهده شود). اما آزمایشها و مصیبت‌های نهایی در پایان جهان، به‌عنوان داوری بر انسانها نازل خواهد شد. این آزمایشها و مصیبت‌های نهایی همچنین بسیار وحشتناکتر خواهند بود (مرقس ۱۳: ۱۹). روحهای مسیحیان از این آزمایشها و مصیبت‌ها محفوظ خواهد ماند.^{۱۱}

۱۱ در این آیه عیسی به کلیسای فیلادلفیه همان چیزی را می‌گوید که به کلیسای اسمیرنا و طسیتیرا می‌گوید (مکاشفه ۲: ۱۰، ۲۵ و تفسیر آن مشاهده شود). اگر ما ایمانمان را حفظ نکنیم، نمی‌توانیم تاجمان را حفظ کنیم و شیطان آن را از دستمان خواهد ربود.

۱۲-۱۳ هر که بر شیطان غلبه کند در هیکل آسمانی خدا **ستونی** خواهد شد، در

۱۰ از آنجایی که مسیحیان فیلادلفیه **کلام صبر** مسیح را حفظ کردند، او به آنها این وعده را داد: **من نیز تو را محفوظ خواهم داشت از ساعت امتحان**. در اینجا درک معنای سخن عیسی مهم است. منظور مسیح این نیست که مسیحیان با زحمات و تجربیات روبرو نخواهند شد، بلکه معنای سخن او این است که او روح مسیحیان را حفظ خواهد کرد، یعنی او روح آنان را از دست شیطان نجات خواهد داد (یوحنا ۱۷: ۱۵ مشاهده شود).

۱۱- بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس براین باورند که این آیات تعلیم می‌دهند که نه تنها روح مسیحیان، بلکه بدنهای آنها نیز از این آزمایشها و مصیبت‌ها محفوظ خواهند ماند. اما به نظر می‌رسد که بسیاری دیگر از آیات می‌گویند که بسیاری از مسیحیان در طی این مصیبت‌ها شهید خواهند شد (مکاشفه ۹: ۶-۱۱، ۷: ۹-۱۴ مشاهده شود). به هر حال یک چیز قطعیت و آن اینکه آن قسمت از وجود ما که ابدی است محفوظ خواهد ماند و محکومیت الهی بر ایمانداران نازل نخواهد شد.

گرم هستیم دوست داریم چیزی سرد بنوشیم. اما هیچکس دوست ندارد که در هیچ شرایطی چیزی فاطر، یعنی ولرم بنوشد. کلیسای شهر لائودکیه شبیه یک نوشیدنی فاطر بود: خدمت کلیسا نه سرد و نه گرم، بلکه فاطر بود. به همین دلیل، نیاز اشخاص هرچه هم بود، کلیسا نمی‌توانست آن را ارضاء کند. بنابراین، این کلیسا تنها سزاوار آن بود که از دهان به بیرون «قی» شود.

در مورد شهر لائودکیه حقیقت تاریخی جالب توجهی وجود دارد. در نزدیکی شهر، چشمه‌های آب گرم مشهوری وجود داشت، که از آنها مقادیر عظیم آب گرم به شکل نهرهای بزرگ به بیرون جاری می‌شد. اگر چه آب این چشمه‌ها فاقد این خصوصیت بودند که انسانها را شفا دهند، بسیاری از اشخاص به امید اینکه شفا یابند از آن این چشمه‌ها می‌نوشیدند. اما هنگامی که آب گرم از چشمه‌ها خارج می‌شد، به تدریج فاطر شده و قدرت شفابخش خود را (که مردم فکر می‌کردند دارای چنین خصیصه‌ای است) از دست می‌داد. در این حالت این آب نه تنها کسی را شفا نمی‌داد، بلکه حتی نمی‌توانست تشنگی اشخاص را نیز فروبشاند. در واقع این آب بدرد هیچ کاری نمی‌خورد. بنابراین، هنگامی که عیسی مسیحیان لائودکیه را فاطر خطاب می‌کند آنها قطعاً منظور او را درک می‌کردند. آنها نیز همانند آب فاطر چشمه‌های مشهورشان بدرد هیچ چیز نمی‌خوردند.

اکنون معنای دیگر واژه «فاطر» را توضیح می‌دهیم. عیسی می‌گوید که کلیسای لائودکیه از نظر روحانی فاطر است. مسیحیان لائودکیه همانند مسیحیان ساردس مرده نبودند (آیه ۱). آنها همانند یک جسد سرد نبودند، اما از نظر روحانی، گرم نیز نبودند. در آنها هیچ اثری از «آتش» روح‌القدس نبود. آنها همچنین فاقد انرژی یا شور و شوق بودند. از نظر روحانی فقط می‌شد آنها را نیمه‌زنده یا نیمه‌جان دانست.

هیکلی که هرگز نابود نخواهد شد. خدا و مسیح خودشان این هیکل هستند (مکاشفه ۲۱:۲۲). بنابراین، کسانی که غالب شوند برای همیشه با خدا و مسیح ساکن خواهند بود. نام خدا بر آنها نوشته خواهد شد یعنی آنها قوم خود خدا خواهند بود (اول پطرس ۲:۹ مشاهده شود). نام شهر خدا اورشلیم جدید نیز بر ایشان نوشته خواهد شد (مکاشفه ۲۱:۲). یعنی آنها شهروندان ملکوت خدا خواهند بود و مسیح خودش نام جدید خود را بر آنها خواهد نوشت زیرا کسانی که غالب شوند متعلق به مسیح خواهند بود. آنها برادران او و هم‌ارث با وی هستند (رومیان ۸:۱۷ و ۱۹). بنابراین، این شایستگی را دارند که نام او را دریافت کنند.

کلیسای در لائودکیه (۳:۱۴-۲۲)

۱۴ کلیسای لائودکیه زمانی که پولس در افسس زندگی می‌کرد تأسیس شده بود (اعمال ۱۹:۱۰). بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس معتقدند که یکی از اهالی لائودکیه به نام اپفراس، در افسس پیام انجیل را از پولس شنید و سپس به لائودکیه بازگشت و کلیسای لائودکیه را بنیان نهاد (کولسیان ۴:۱۲). پولس رساله‌ای به کلیسای لائودکیه نوشت، اما این رساله گم شده است (کولسیان ۴:۱۶).

مسیح در این آیه خود را آمین می‌نامد. در عهدعتیق واژه «آمین» به معنای «بله، این موضوع حقیقت دارد» بود. در اینجا مسیح معنای جدیدی به واژه آمین می‌دهد: یعنی کسی که شاهد آمین و صدیق است.

۱۵-۱۶ در این دو آیه، مسیح به همه کلیساها هشدار می‌دهد: «فاطر نباشید وگرنه شما را از دهان خود قی خواهیم کرد.»

این آیات می‌توانند دو معنا داشته باشند که هر دو معنا نیز می‌توانند صحیح باشند. معنای نخست آن است که هنگامی که ما سرد هستیم، دوست داریم چیزی گرم بنوشیم و هنگامی که

مصفاى به آتش است. آنها باید از مسیح رخت سفید را می‌خریدند تا پوشانیده شوند (آیه ۴ مشاهده شود). آنها باید از مسیح بینایی را می‌یافتند تا بتوانند مسکنت و عریانی روحانی خود را ببینند. اگر شخصی نتواند شرایط خود را چنان که هست مشاهده کند، نمی‌تواند این شرایط را بهبود بخشد.

در مورد شهر لائودکیه واقعیت تاریخی دیگری نیز وجود دارد. در ایام زندگی یوحنا شهری لائودکیه بطور خاص برای سه ویژگی شهرت داشت که عبارت بودند از: تمول مالی آن، صنعت پارچه و لباس آن و نیز روغن مخصوصی که در این شهر ساخته می‌شد و در تمامی جهان آن زمان مورد استفاده بود. اما مسیحیان لائودکیه برعکس از نظر روحانی فقیر، برهنه و کور بودند.

۱۹ امثال ۱۱:۳-۱۲، عبرانیان ۱۲:۵-۱۱ و تفسیر آن مشاهده شود.

۲۰ مسیحیان مغرور و کور و فاتر لائودکیه مسیح را خارج از کلیسای خود نگه داشته بودند. اما مسیح هنوز آنها را دوست دارد و بر پشت در کلیسای آنها ایستاده و بر در کلیسایشان می‌کوبد و این امید را دارد که آنها در را باز کنند و از او دعوت نمایند که داخل شود.

اما مسیح نه تنها در هر کلیسا، بلکه در قلب هر مسیحی را نیز می‌زند. و او نه تنها در قلب مسیحیان، بلکه در قلب همه انسانها را می‌زند. این حقیقت عظیم و عالی انجیل مسیح است: خدای اعظم و قادر جهان کائنات به سراغ هر انسانی آمده و به او می‌گوید: «در قلبت را بگشا و من داخل خواهم شد.» هیچ یک از مذاهب دنیا در مورد خدایی تعلیم نمی‌دهد که به سراغ انسان می‌آید تا با آنها مشارکت داشته باشد.

بنابراین، ای دوستان، به صدای در کوبیدن عیسی گوش فرادهید و در قلبتان را به روی او بگشایید. در این کار تعلل نورزید زیرا ممکن است او از نزد شما برود. او صبور است اما تا به

وضعیت یک کلیسای «فاتر» خطرناک‌تر از کلیسای «سرد» است. دلیل این امر این است که مسیحیانی که از نظر روحانی سرد هستند، معمولاً می‌دانند که «سرد» هستند و می‌توانند توبه کنند. اما مسیحیانی که از نظر روحانی «فاتر» هستند معمولاً فکر می‌کنند گرمند و نیاز به توبه کردن را در خود نمی‌بینند. آنها نگران وضعیت روحانی خود نیستند. همانند آب گرمی که از چشمه‌ها جاری می‌شد، مسیحیان لائودکیه به تدریج فاتر شده بودند و حتی متوجه این شرایط خود نیز نمی‌شدند. بنابراین، معنای این آیه هر کدام از دو مورد توضیح داده شده هم باشد، ما باید مطمئن شویم که به مسیحیان فاتر تبدیل نشده‌ایم زیرا اگر چنین باشیم مسیح ما را از دهانش قی خواهد کرد (لوقا ۱۳:۲۴-۲۸ مشاهده شود).

۱۷ عیسی به مسیحیان فاتر لائودکیه می‌گوید: «شما فکر می‌کنید که از نظر روحانی غنی هستید اما خودتان را فریب ندهید زیرا واقعیت امر این است که از نظر روحانی فقیر هستید.» مسیحیان لائودکیه کور بودند زیرا قادر به دیدن وضعیت روحانی خود نبودند. آنها عریان بودند زیرا فاقد لباس عدالت و قدوسیت بودند.

اجازه دهیم نمونه مسیحیان لائودکیه هشدار برای ما باشد. آنچه که آنها در مورد خود فکر می‌کردند از آنچه که مسیح در مورد آنها فکر می‌کرد چقدر متفاوت بود! ما باید سعی کنیم به خودمان به همان شکلی نگاه کنیم که مسیح به ما می‌نگرد. در غیر این صورت همانطور که مسیحیان لائودکیه خودشان را فریب می‌دادند، ما نیز خودمان را فریب خواهیم داد. در حال حاضر اشخاص زیادی در جهنم هستند که در زندگی‌شان فکر می‌کردند در راه بهشت قدم برمی‌دارند!

۱۸ مسیحیان لائودکیه باید از مسیح ثروت حقیقی را می‌خریدند یعنی طلای روحانی را که

۳ سنگ گرانمایی که در این آیه به آنها اشاره می‌شود، نشان‌دهنده جلال و نور کسی است که بر تخت نشسته است. به جز نور درخشان، خود خدا را نمی‌توان مشاهده کرد. پولس می‌نویسد: **ساکن در نوری است که نزدیک آن نتوان شد و احدی از انسان او را ندیده و نمی‌تواند دید** (اول تیموتاؤس ۶: ۱۶).

قوس قزح نشانه‌ای از عهدی است که خدا پس از طوفان با نوح و تمامی مخلوقات بست (پیدایش ۹: ۱۲-۱۷، حزقیال ۱: ۲۶-۲۸).

۴ **بیست و چهار پیر** که پیرامون تخت نشسته‌اند، فرشتگان جلال یافته‌ای هستند که پیوسته خدا را می‌پرستند. برخی بر این باورند که این بیست و چهار پیر نمایانگر دوازده سبط اسرائیل و دوازده رسول مسیح هستند.

۵ **سپس یوحنا در مقابل تخت هفت چراغ** می‌بیند که **هفت روح خدا** هستند. این هفت روح می‌توانند فرشته باشند یا می‌توانند نمایانگر هفت بُعد یا ویژگی روح القدس باشند (مکاشفه ۱: ۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

صداها و وعده‌ها که از تخت خدا می‌آیند حاکی از قدرت هراس‌آور خدا هستند.

۶ **چهار حیوان** فرشتگان خاصی هستند که از تخت حفاظت می‌کنند. آنها با چشمانی که در همه قسمت‌های آنها وجود دارد، می‌توانند همه چیز را ببینند.

حزقیال نیز که از انبیای عهدعتیق بود، رؤیایی دید که در آن چیزی شبیه **دریایی از شیشه** مشاهده کرد (حزقیال ۱: ۲۲).

۷-۸ **اشکال مختلف این چهار حیوان** نشان‌دهنده چهار نوع قابلیت و توانایی است که خدا آنها را به کار می‌گیرد و برای او مفیدند. **شیر** نشانگر قدرت است، **گوساله** نشانگر ثابت قدمیست، **انسان** نشانگر حکمت است و **عقاب** نشانگر سرعت. وظیفه این چهار حیوان پرستیدن خدا به شکل مستمر است (حزقیال ۱: ۴-۱۰).

ابد صبر نخواهد کرد. امروزه دیگر اثری از کلیسای لائودکیه باقی نمانده است. چرا؟ زیرا مسیحیان لائودکیه در قلبشان را بر روی عیسی نگشودند. آنها به گناهانشان اعتراف نکردند، یعنی غرور، کوری و عریانی خود را تصدیق نمودند. عیسی به آن کلیسا گفت: **«غیور شو و توبه نما»** (آیه ۱۹). اما آنها به او گوش نسپردند. **هر که گوش دارد بشنود!** (آیه ۲۲).

۲۱-۲۲ آن کس که غالب آید، نه تنها در میراث و جلال مسیح شریک خواهد شد، بلکه همچنین با او سلطنت هم خواهد کرد. چنین شخصی به همراه مسیح بر تخت او خواهد نشست (متی ۱۹: ۲۸). پولس رسول به تیموتاؤس می‌نویسد: **زیرا اگر با وی مردیم با او زیست هم خواهیم کرد و اگر تحمل کنیم با او سلطنت هم خواهیم کرد** (دوم تیموتاؤس ۲: ۱۱-۱۲).

باب ۴

تختی در آسمان (۴: ۱-۱۱)

۱ هنگامی که یوحنا سخنان مسیح را خطاب به هفت کلیسا به پایان رساند، **آن آواز چون کرنا** (مکاشفه ۱: ۱۰) مجدداً با او سخن گفت: **«اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم»** ما باید این موضوع را درک کنیم که از این قسمت تا پایان کتاب مکاشفه، هر چه که نوشته شده در وهله نخست شرح رخدادهایی است که در پایان جهان به وقوع خواهند پیوست.

۲ هنگامی که یوحنا نامه‌های خطاب به هفت کلیسا را می‌نوشت، از نظر هشجاری در وضعیت عادی قرار داشت. اما در اینجا بار دیگر **او در روح** می‌شود (مکاشفه ۱: ۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود) و این آمادگی را می‌یابد که بقیه مکاشفه را دریافت کند.

نخستین چیزی که می‌بیند، تختی در آسمان است. تخت نمادی از قدرت و اقتدار خدا در امر حاکمیت و داوری است.

شیلو بیاید»، یعنی تا زمانی که مسیح به هنگام پایان جهان بیاید (پیدایش ۱۰:۴۹). مسیح از ذریت یهودا بود (متی ۱:۲، لوقا ۳:۳۳). بنابراین، مسیح عصای یهودا را دریافت خواهد کرد و ملکوت او پایانی نخواهد داشت.

مسیح همچنین از ذریت داود بود (متی ۱:۶، لوقا ۳:۳۱)، بنابراین، او **ریشه داود** خوانده شده است. اشعیاى نبی مسیح را ریشه یسی می خواند^{۱۴} (اشعیا ۱۱:۱، ۱۰:۱، رومیان ۱۵:۱۲). این مسیح یعنی ماشیح موعود است که مستحق است طومار را بگشاید و جهان را به پایان آن برساند. او بر جهان، شیطان و مرگ **غالب** شد (یوحنا ۱۶:۳۳ مشاهده شود). تنها مسیح مستحق انجام این کار است.

ع سپس یوحنا بره‌ای را می بیند. احتمالاً او در انتظار دیدن یک شیر بود، **شیری که از سبط یهودا باشد**. اما در مقابل او بره‌ای را می بیند! نجات دهنده جهان، پادشاهی که ملکوت او هرگز پایان نخواهد یافت، نه یک شیر، بلکه یک بره بود! و نه فقط این، بلکه او **بره‌ای چون ذبح شده** بود. مسیح ملکوت و اقتدار خود را نه با قدرت و زور، بلکه با رنج و مرگ خود و به عنوان قربانی‌یی که گناهان ما را برمی دارد، به دست آورد (اشعیا ۵۳:۳، یوحنا ۱:۲۹، عبرانیان ۹:۱۴-۲۸، اول پطرس ۱:۱۸-۱۹ و تفسیر آن مشاهده شود).

مطابق رؤیای یوحنا، این بره **هفت شاخ و هفت چشم** داشت. عدد «هفت» در کتاب مقدس معنای خاصی دارد. این عدد به معنای کاملیت یا

خدا شایسته دریافت حمد و پرستش است. او خداوند قادر مطلق و خالق همه چیز است که **هست و بود و می آید** (مکاشفه ۴:۱ مشاهده شود). خدا به موسی گفت: «**هستم آنکه هستم**» (خروج ۳:۱۴) که این سخن بدین معناست که خدا همیشه وجود دارد. او پیش از آغاز جهان وجود داشته است و برای همیشه وجود خواهد داشت.

۹-۱۱ اگر فرشتگان جلال یافته در آسمان بدین شکل خدا را حمد و پرستش می کنند، پس مطمئناً ما انسانهای خاکی نیز باید خدا را حمد گوئیم و پرستش کنیم.

باب ۵

طومار و بره (۵:۱-۱۴)

۱ سپس یوحنا در دست خدا کتاب یا **طوماری**^{۱۲} را می بیند که با هفت مهر مخصوص مختوم است. تمامی رخدادهای و داوریهایی که در پایان یافتن جهان اتفاق خواهند افتاد، در این طومار و در دو طرف آن ذکر شده بودند.

۲-۴ اما هیچکس پیدا نشد که مستحق باشد مهرهای طومار را بگشاید، یعنی هیچکس چه در آسمان و یا بر زمین یا **در زیر زمین**^{۱۳} یافت نشد که امکان تحقق همه رخدادهای داوریهایی را که در این طومار مکتوب بود، فراهم سازد. یوحنا تصور کرد که مقاصد نهایی خدا به تحقق خواهند پیوست؛ بنابراین، شروع به گریستن کرد.

۵ اما کسی بود که می توانست هفت مهر طومار را بگشاید. این شخص **شیری از سبط یهودا** است و **ریشه داود** خوانده می شود که همانا مسیح است. یهودا چهارمین پسر از دوازده پسر یعقوب بود. یعقوب او را **شیرپچه** می خواند (پیدایش ۴:۴۹). یعقوب هنگامی که پسرانش را برکت می دهد می گوید: «**عصا از یهودا دور نخواهد شد و نه فرمان فرمایی از پایهای وی تا**

۱۲- در ایام نوشته شدن عهد جدید، کتابها به شکل

طومار بودند.

۱۳- اصطلاح زیر زمین به عالم اموات اشاره دارد.

یعنی به مکانی که ارواح مردگان و فرشتگان سقوط کرده در آنجا در انتظار داورى نهایی هستند (فیلیپان ۲:۱۰، یهودا ۶، مکاشفه ۱:۱۸، ۵:۱۳).

۱۴- یسی پدر داود بود.

دارد که در پایان جهان تحقق خواهد یافت (مکاشفه ۴:۲۰-۶ و تفسیر آن مشاهده شود).
۱۱-۱۲ آنگاه یوحنا صدها میلیون فرشته می‌بیند که در حال پرستش بره هستند (دانیال ۱۰:۷). مسیح نه تنها سزاوار دریافت تمام چیزهایی است که در باب ۱۲ ذکر شده، بلکه او آنها را قبلاً دریافت کرده است. مسیح **قوت و حکمت** (اول قرن‌تیان ۱:۲۴) **دولتمندی** (دوم قرن‌تیان ۸:۹، افسسیان ۳:۸) **قدرت** (لوقا ۱۱:۲۲) **عزت** (فیلیپیان ۲:۱۱) **جلال** (یوحنا ۱:۱۴) و **برکت** (رومیان ۱۵:۲۹) را دریافت کرده است.

حقیقتاً که چه نجات دهنده‌ای داریم! پس هرگز از حمد و تسبیح او دست برداریم.
۱۳-۱۴ در مورد این مکاشفه خارق‌العاده که به یوحنا داده شد، لحظاتی بیندیشید. او **هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و دریاست** مشاهده کرد که خدا و بره را حمد می‌گویند. در حال حاضر، بر زمین همه مخلوقات مسیح را حمد نمی‌گویند؛ اما هنگامی که او در جلال آید، **هر مخلوقی** در برابر او به زانو آمده، او را پرستش خواهد نمود (فیلیپیان ۲:۹-۱۱ مشاهده شود).

باب ۶

گشوده شدن مهرها (۱:۶-۱۷)

۱-۲ در این باب شش مهر از هفت مهر طومار گشوده می‌شوند و بدین شکل داوری نهایی خدا بر جهان آغاز می‌شود. همه رخدادهایی که در این باب ذکر شده‌اند، پیش از بازگشت مسیح باید به‌وقوع بپیوندند. هنگامی که بره نخستین مهر را می‌گشاید، یکی از چهار حیوان به یوحنا می‌گوید: «بیا». آنگاه یوحنا سواری را بر اسبی سفید مشاهده می‌کند. اسب سفید و سوار آن نشان‌دهنده جنگهای وحشتناکی است که باید بر زمین واقع شوند. عیسی گفته بود: «**اینها ابتدای دردهای زه**

بی‌نقصی است. واژه «شاخ» در کتاب مقدس معمولاً برای قوت و اقتدار به‌کار می‌رود. بنابراین، هفت شاخ برای قدرت و اقتدار کامل به‌کار رفته است. به همین شکل، هفت چشم نیز برای دانش و حکمت کامل به‌کار رفته است. هفت چشم همچنین هفت روح هستند یا می‌توانند نمایانگر هفت بُعد یا ویژگی روح‌القدس باشند (مکاشفه ۴:۱، ۵:۴ و تفسیر آنها مشاهده شود). آن کسی که صاحب «هفت روح» است، روح‌القدس را به بیشترین حد امکان دریافت کرده است. بنابراین، می‌توانیم نتیجه بگیریم که این بره یعنی مسیح، روح‌القدس را به **میزان** دریافت نکرده است (یوحنا ۳:۳۴ مشاهده شود).

۷-۸ هنگامی که بره طومار را می‌گیرد، چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور او می‌افتند و او را می‌پرستند. هر یک از آنها **بربطی** داشتند که سازی بود که خصوصاً برای پرستش خدا به‌کار می‌رفت (مزمور ۲:۳۳). **بخوری** که در **کاسه‌های زربین** بود، نمایشگر دعا‌های ایمانداران است (مزمور ۱۴۱:۲). ما نباید تردید داشته باشیم که خدا دعا‌هایمان را می‌شنود. دعا‌های ما پیوسته مانند بخور به حضور او بالا می‌رود.

۹-۱۰ پس از آن چهار حیوان و بیست و چهار پیر **سرودی جدید** می‌سرایند (مزمور ۹۸:۱). این سرود عهد بره است که با خون خود **مردمان را... از هر قبیله و زبان و قوم و امت** برای خدا خریده است (مرقس ۱۰:۴۵، ۱۴:۲۴، اول قرن‌تیان ۶:۲۰، افسسیان ۱:۷ و تفسیر آنها مشاهده شود). خدا کسانی را که مسیح «خریده است» **پادشاهان و کهنه** ساخته است

(مکاشفه ۱:۶ و تفسیر آن مشاهده شود) و آنها **بر زمین سلطنت خواهند کرد** (آیه ۱۰). بعضی دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که این سلطنت به حاکمیت هزارساله مقدسان اشاره

مذبح آسمان ریخته شده باشد (دوم تیموتاؤس ۴:۶).

۱۰ این شهیدان فریاد برمی‌آوردند: «ای خداوند قدوس و حق... تا به کی انتقام ما را... نمی‌کشی؟» (مزمور ۹۴:۳، حبقوق ۱:۲). آنها خواستار انتقام شخصی نبودند، بلکه خواستار اجرای عدالت بودند.

۱۱ آنگاه به هر یک از شهیدان جامه‌ای سفید داده شد که نشانگر عدالت و قدوسیت است. آنها باید آنقدر صبر می‌کردند تا همه کسانی که مقرر بود شهید شوند، به شهادت برسند. پس از کامل شدن تعداد شهیدان، خدا داوری نهایی خود را بر کسانی که بر زمین باقی مانده‌اند، اجرا خواهد کرد.

۱۲-۱۴ هنگامی که مهر ششم گشوده می‌شود زلزله‌ای عظیم و وحشتناک به وقوع می‌پیوندد. آفتاب چون پلاس پشمی سیاه^{۱۷} شده و ماه چون خون می‌شود و ستارگان از آسمان فرو می‌ریزند (مرقس ۱۳:۲۴-۲۵، اعمال ۲:۲۰).

۱۵-۱۷ آنگاه ترس و وحشت آن گروه از ساکنان زمین را که توبه نکرده و به مسیح ایمان نیاورده‌اند فرو خواهد گرفت. آنها از کوهها التماس می‌کنند تا بر آنها بیفتند و آنها را بکشند تا غضب و وحشتناک خدا بر آنها نیاید (هوشع ۱۰:۸). آنها می‌گویند: «زیرا روز عظیم غضب او رسیده است و کیست که می‌تواند ایستاد؟» (آیه

۱۵- یک هشت یک گندم مقداری بود که برای سیر کردن یک نفر برای یک روز کافی بود اما نمی‌توانست خانواده او را نیز سیر کند. جو غله‌ای ارزاتر بود و مقدار سه هشت یک جو برای سیر کردن اعضای یک خانواده می‌توانست کافی باشد.

۱۶- زکریای نبی نیز که از انبیای عهدعتیق بود رؤیای مشابهی دید که در آن اسبهای سرخ، سیاه، سفید و ابلق چهار عرابه را می‌کشیدند (زکریا ۱۶-۶).

۱۷- پلاس از موی بزهای سیاه تهیه می‌شد.

می‌باشد. (مرقس ۷:۱۳-۸). سوار اسب سفید نمایانگر فرشته یا روحیست که مقرر شده تا بر زمین جنگ را نازل کند.

۳-۴ هنگامی که مهر دوم گشوده می‌شود حیوان دوم سواری دیگر را بر اسبی سرخ می‌خواند که نمایانگر فرشته یا روح کشتار یا خونریزی است.

۵-۶ سوار سوم که بر یوحنا پدیدار می‌شود، سوار اسب سیاه است که فرشته یا روح قحطی است و کارش نازل کردن قحطی بر زمین است. این سوار در دستان خود ترازویی برای وزن کردن گندم دارد. به خاطر کمبود گندم تقسیم گندم با ترازو ضرورت می‌یابد (لاویان ۲۶:۲۶). تنها یک هشت یک گندم یا سه هشت یک جو به یک دینار داده خواهد شد.^{۱۵} قیمتی که در این آیه برای این غلات ذکر می‌شود ده برابر قیمت معمولی این غلات است یعنی قیمتی است که در شرایط قحطی برای غلات تعیین می‌شد.

یکی از چهار حیوان به سوار اسب سیاه می‌گوید: «به روغن و شراب ضرر مرسان» این سخن بدین معناست که سوار سیاه نباید به درختان زیتون و تاکستانها که روغن و شراب از آنها گرفته می‌شود آسیب وارد سازد. این سوار وظیفه دارد تا نه قحطی کامل، بلکه قحطی محدود را به وجود آورد.

۷-۸ سوار اسب چهارم یعنی اسب زرد فرشته یا روح موت است که او را سوار دیگری که عالم اموات باشد همراهی می‌کند (مکاشفه ۱۸:۱ و تفسیر آن مشاهده شود). به این سواران قدرت داده شده است تا یک چهارم جمعیت زمین را بکشند.^{۱۶}

۹ هنگامی که مهر پنجم گشوده می‌شود یوحنا نفوس شهیدانی را که به خاطر مسیح کشته شده بودند، می‌بیند. آنها صلیبهای خود را برداشته و تا به موت از عیسی پیروی کرده‌اند (مرقس ۸:۳۴-۳۵ و تفسیر آن مشاهده شود). از نظر خدا مرگ آنها همانند قربانی‌یی بود که بر

۱۷). ملاکی نبی نیز می‌گوید: «اما کیست که روز آمدن او را متحمل تواند شد؟ و کیست که در حین ظهور وی تواند ایستاد؟» (ملاکی ۲:۳). در آن روز برای بی‌ایمانانی که توبه نکرده‌اند، مردن آسانتر از ایستادن در برابر خداست.

این موضوع را هیچگاه از یاد نبریم که خدا نه تنها خدای محبت است، بلکه خدای غضب علیه گناه نیز هست. روز آخر، یعنی روز داوری، روزی مهیب خواهد بود (یوئیل ۱۱:۲). **پیش خشم وی که تواند ایستاد؟ و در حدت غضب او که تواند برخاست؟** (ناحوم ۱:۶) تنها کسانی که به مسیح وفادار مانده‌اند می‌توانند در آن روز نجات یابند (مرقس ۱۳:۱۳). بنابراین، تأخیر نکنیم، بلکه توبه کنیم؛ و ایمانمان به مسیح باشد.

باب ۷

۱۴۴۰۰۰ نفر مهر شده (۷:۱-۸)

۱ پیش از گشوده شدن مهر هفتم (باب ۸) یوحنا دو رؤیای دیگر نیز می‌بیند که در این باب ذکر شده‌اند. ابتدا او مهر شدن ۱۴۴۰۰۰ نفر (آیات ۱-۸) و سپس رؤیای گروهی عظیم را می‌بیند (آیات ۹-۱۷).

چهار باد زمین که در آیه ۱ به آنها اشاره می‌شود بادهای مخرب هستند. از آنجایی که ۱۴۴۰۰۰ نفر بندگان خدا مهر شده‌اند (آیه ۳) چهار فرشته مقرر می‌شوند تا مانع وزیدن این بادهای شوند.

۲-۳ آنگاه یوحنا فرشته دیگری را می‌بیند که از مشرق می‌آید و مهر خدا را با خود می‌آورد. بر این مهر نامهای خدا و بره او یعنی مسیح ذکر شده (مکاشفه ۱:۱۴ مشاهده شود). همه کسانی که این مهر بر آنها زده می‌شود، پس از مهر خوردن به خدا و بره تعلق می‌یابند. هدف از این مهر خوردن حفاظت **بندگان** خدا از قدرت شیطان است. تعداد کسانی که مهر شدند

۱۴۴۰۰۰ نفر بود (آیه ۴).

این ۱۴۴۰۰۰ بندگان خدا نمایانگر ایماندارانی هستند که در پایان جهان زنده خواهند بود، یعنی آنها آخرین نسل مسیحیان هستند. این مهر خوردن آنها را از رنج و مرگ نجات نخواهد داد، اما به آنها حق ورود به آسمان را خواهد داد. آنها در این جهان متحمل درد و رنج خواهند شد. در واقع آخرین نسل مسیحیان همگی کشته خواهند شد (مکاشفه ۱۵:۱۳ مشاهده شود).

۴ عدد ۱۴۴۰۰۰ در کتاب مقدس معنای خاصی دارد. معنای آن کاملیت است.^{۱۸} به عبارت دیگر ما می‌توانیم چنین برداشت کنیم که در اینجا به تمامی آخرین نسل مسیحیان اشاره می‌شود و نه ضرورتاً به تعداد دقیق ۱۴۴۰۰۰ نفر.

در این قسمت نوشته شده که این ۱۴۴۰۰۰ نفر از **جمیع اسباط اسرائیل** خواهند بود. در این آیه **اسرائیل** به معنای عادی خود یعنی قوم یهود نیست، بلکه به معنای اسرائیل روحانی حقیقی یعنی کلیساست (متی ۲۸:۱۹، رومیان ۲۸:۲-۲۹، غلاطیان ۲۹:۳، ۱۶:۶، فیلیپیان ۳:۳، اول پطرس ۹:۲).

۵-۸ در این فهرستی که از دوازده پسر یعقوب و اسباط آنها ذکر می‌شود، چیزی غیرعادی مشاهده می‌شود و آن این است که اسم دان یکی از پسران یعقوب حذف شده است (پیدایش ۲۳:۳۵-۲۶) و به جای نام او نام **منسی**، نوه یعقوب (پسر یوسف) ذکر شده است (آیه ۶). برخی دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که اسم دان به این دلیل حذف شده چون از دیرباز قبیله دان به پرستش بتها مشغول بودند. بنابراین، برای کامل کردن فهرست این دوازده قبیله نام منسی اضافه شده است.

۱۸- عدد «هفت» نیز همین معنای خاص را دارد

(مکاشفه ۶:۵ مشاهده شود).

۱۴:۹، اول یوحنا ۱:۷).

۱۵ چون گروهی عظیم از ایمانداران با لباس عدالت مسیح ملبس هستند، به آنها اجازه داده می‌شود تا در برابر تخت خدا بایستند. آنها خدا را **شبانه روز** خدمت می‌کنند،^{۲۰} یعنی پیوسته در حال خدمت به خدا هستند. آنها خدا را **در هیکل او** خدمت می‌کنند. در اینجا **هیکل** خدا به معنای یک ساختمان نیست، بلکه معنای حضور خداست. آسمان «هیکل» خداست. خدا بر ایمانداران **خیمه خود را برپا خواهد داشت**. یعنی او از آنها محافظت و مراقبت خواهد کرد. بنابراین، در این رؤیا وعده مکتوب در عهدعتیق که خدادر میان قومش ساکن خواهد شد، تحقق می‌یابد (حزقیال ۲۷:۳۷، زکریا ۲:۱۰).

۱۶-۱۷ در آسمان، ایمانداران گرسنه و تشنه نمی‌شوند. (اشعیا ۴۹:۱۰). عیسی گفت: «**خوشابه حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند شد** (متی ۵:۶). «کسی که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آرد، هرگز تشنه نگردد.» (یوحنا ۳۵:۶). بره خدا به شبان گله تبدیل می‌شود! (یوحنا ۱۰:۱۱). «**خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود... نزد آبهای راحت مرا رهبری می‌کند**» (مزمور ۲۳:۱-۲). او آنها را نزد چشمه‌های آب حیات هدایت می‌کند (یوحنا ۴:۴؛ ۳۷:۷-۳۸ مشاهده شود) و **هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد**.

در اینجا یوحنا به ما رؤیایی در مورد منزل ابدی ما یعنی آسمان نشان می‌دهد. زیستن با خدا و با مسیح در آسمان، پاداش ماست. آیا در بین ما کسی هست که به خاطر مسیح متحمل رنج و سختی شده باشد؟ آیا کسی هست که

۱۹- رنگ «سفید» نشانه پاکی و عدالت است (مکاشفه ۴:۳ مشاهده شود).

۲۰- در آسمان دیگر شب نخواهد بود (مکاشفه ۵:۲۲).

گروه عظیم (۷:۹-۱۷)

۹-۱۰ دومین رؤیای یوحنا که در این باب ذکر شده با رؤیای قبلی او کاملاً متفاوت است. یوحنا پس از رؤیای نخستین به جای ۱۴۴۰۰۰ نفر، جمعیت عظیمی را می‌بیند که آنها را نمی‌توان شمرد. این گروه اشخاصی هستند که از **عذاب سخت بیرون می‌آیند** (آیه ۱) به عبارت دیگر، این گروه تازه به آسمان رسیده‌اند. داوریه‌ها و فجایع وحشتناک که بر زمین نازل شده بودند، اکنون پایان یافته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت یوحنا در اینجا رؤیایی در مورد آسمان پس از پایان یافتن جهان می‌بیند. همه نسل‌های ایمانداران به مسیح در برابر تخت بره می‌ایستند. آنها به لباس سفید عدالت مسیح ملبس می‌شوند. آنها **شاخه‌های نخل** در دست دارند که نشانه خوشی و پیروزی است (یوحنا ۱۳:۱۲).

۱۱-۱۲ جمیع فرشتگان نیز در اطراف تخت ایستاده‌اند یعنی **کرورها کرور و هزاران هزار** فرشته (مکاشفه ۱۱:۵). همانگونه که آنها در مکاشفه ۵:۱۲ بره را می‌پرستند، در این رؤیا نیز تقریباً با استفاده از همان کلمات او را می‌پرستند.

۱۳-۱۴ یکی از پیران از یوحنا می‌پرسد: «می‌دانی این اشخاصی که لباس سفید به تن دارند از کجا آمدند، اینطور نیست؟» یوحنا پاسخ می‌دهد: «تو می‌دانی، لطفاً به من بگو.» بنابراین، آن پیر به او می‌گوید که آنها از **عذاب سخت** بیرون آمده‌اند، یعنی از سختیها و مصیبت‌های بزرگ که همزمان با پایان یافتن جهان به وقوع می‌پیوندند (دانیال ۱۲:۱-۳). آنها کسانی هستند که در هر نسل تا به آخر به ایمانشان وفادار باقی مانده‌اند (مرقس ۱۳:۱۳، اعمال ۱۴:۲۲). لباسهای آنان با شسته شدن به خون مسیح اکنون به عدالت مسیح **سفید**^{۱۹} گشته است یعنی خون مسیح گناهان آنها را شسته است (عبرانیان

به خاطر مسیح تحت جفا باشد؟ اگر چنین کسی هست، پس او این سخنان عیسی را به یاد داشته باشد: «خوش باشید و شادی عظیم نمایید زیرا اجر شما در آسمان عظیم است» (متی ۵: ۱۲).

باب ۸

هفت مهر و هفت کرنا (۱:۸-۱۳)

۲-۱ در باب پنجم طوماری که داوریهای مقرر برای زمین در آن مکتوب بود، به هفت مهر مختوم بود (مکاشفه ۵: ۱). در باب ششم می خوانیم که بره خدا شش مهر از این هفت مهر را می گشاید. اکنون لحظه ای می رسد که بره باید مهر هفتم را بگشاید.

هنگامی که مهر هفتم گشوده می شود، یوحنا هفت فرشته را می بیند که هفت کرنا به آنها داده شده است. این هفت فرشته مقرر شده اند تا بلایایی را که باید بر انسانهای بی ایمان دنیا نازل شود، اعلام کنند.

۳-۵ به فرشته ای دیگر بخور داده می شود تا آن را به **دعاهای جمیع مقدسین** اضافه کند (آیه ۳). در مکاشفه ۵: ۸ می خوانیم که خود دعاهای مقدسین همانند بخور است. همچنین دعاهای شهیدان امین همانند بخوری به حضور خدا می رسد (مکاشفه ۶: ۹-۱۰). اکنون زمان تحقق همه این دعاها می رسد. فرشته مجمر را از آتش مذبح پر می سازد و آن را بر زمین می اندازد. سپس بلاهای مرتبط با هفت کرنا آغاز می شوند.

۶ مطابق با مکاشفه یوحنا، خدا این هفت بلا را بر زمین می فرستد تا انسانها را به سوی توبه سوق دهد. هدف از نزول این بلاها نه نابودی تمامی زمین، بلکه صرفاً نابودی بخشی از آن است. اما انسانها با نازل شدن این بلاها توبه نمی کنند، بلکه برعکس بیشتر سختدل می شوند. همانطور که در زمان موسی، هنگامی که خدا بر مصریان بلاها فرستاد قلب فرعون سخت شد، در پایان جهان نیز به همین شکل خواهد بود. در آن زمان، هنگامی که

عذابهای نهایی نازل شوند، سختدلی انسانها بیشتر شده، آنها شروع به دشنام دادن به خدا می کنند؛ و همانطور که خدا قوم خود یعنی یهودیان را از مصر خارج ساخت و وارد سرزمینی کرد که به آنها وعده داده بود، در پایان جهان نیز خدا همه ایمانداران را از عذاب نهایی رها کرده، به حضور خود در آسمان، وارد خواهد ساخت.

۷ نخستین بلا بارش **تگرگ و آتش و خون** است که منجر به سوخته شدن یک سوم زمین می شود (خروج ۹: ۲۳-۲۴).

۸-۹ بلای دوم یک سوم اقیانوسها و دریاهای زمین را نابود می سازد (خروج ۷: ۲۰-۲۱).

۱۰-۱۱ بلای سوم یک سوم آبهای نهرها و چشمه های زمین را تلخ می سازد (ارمیا ۹: ۱۵). ستاره ای که در آب می افتد افسستین نامیده می شود. افسستین نام گیاهی است که مزه بسیار تلخی دارد.

۱۲-۱۳ چهارمین بلا، بلای تاریکی است (خروج ۱۰: ۲۱-۲۳، مرقس ۱۳: ۲۴). پس از نازل شدن این بلا، عقابی هشدار می دهد که سه بلای باقیمانده هولناکتر خواهند بود.

باب ۹

سه بلا یا وای آخر (۹: ۱-۲۱)

۱ هنگامی که کرنای پنجم به صدا در می آید، یوحنا می گوید **ستاره ای را دیدم که بر زمین افتاده بود**. این ستاره را می توان فرشته ای دانست که مقرر شده بود تا پنجمین بلا یعنی بلای **ملخها** را پدید آورد.

۲-۳ این ملخها یا دیوها از **هاویه** بیرون آمده بودند (لوقا ۸: ۳۱). در عهدعتیق، ملخها نشانه داوری خدا بر انسانها بودند (خروج ۱۰: ۱۳-۱۵، یوئیل ۱: ۲-۷؛ ۲: ۱-۱۱). حتی امروزه نیز در شمال آفریقا دسته های بزرگ ملخ گهگاهی دیده می شوند. هنگامی که

اسبان و سوارانشان می‌پردازد. این اسبها هستند و نه سوارانشان که کشتار انسانها را انجام می‌دهند. آنها انسانها را با دهان و دمشان می‌کشند.

۲۰-۲۱ علی‌رغم این هلاکت عظیم، انسانها باز توبه نمی‌کنند، بلکه در برابر خدا سختدل می‌شوند. آنها به پرستیدن **دیوها** و **بتها**^{۲۳} ادامه می‌دهند که اکنون در حال نابود ساختن آنها هستند. حقیقتاً که شیطان آنها را فریب داده است! (مزمور ۱۱۵: ۴-۸، دانیال ۵: ۲۲-۲۳).

باب ۱۰

فرشته و کتابچه (۱:۱۰-۱۱)

۴-۱ تا این لحظه هفت کرنا به صدا درآمده است. اما پیش از آنکه کرنا ی هفتم به صدا درآید، یوحنا دو رؤیای دیگر می‌بیند. نخست رؤیای یک فرشته و کتابچه (آیات ۱-۱۱) و سپس رؤیای دو شاهد را (مکاشفه ۱۱: ۱-۳).

در رؤیای نخست یوحنا یک **فرشته زورآور** می‌بیند که از آسمان نازل می‌شود. یوحنا نمی‌گوید این فرشته کیست. هنگامی که این فرشته صدا می‌کند، یوحنا صدای **هفت رعد** را می‌شنود (آیه ۳). اما به یوحنا گفته می‌شود که آنچه را که هفت رعد می‌گویند، ننویسد.

۲۱- ملخهای معمولی فقط حدود پنج ماه عمر می‌کنند.

۲۲- رود فرات امروزه در کشور عراق جاری است و ۱۶۰۰ مایل طول دارد. در زمان نوشته شدن عهدجدید این رود مرز شرقی امپراطوری روم بود. این رود همچنین حد شرقی سرزمینی بود که خدا به ذریت ابراهیم وعده داده بود (پیدایش ۱۵: ۱۸).

۲۳- پرستش بت همان پرستش دیو یا روح شریر است. هنگامی که شخصی بتی را می‌پرستد در عمل دیو یا دیوهای را که با آن بت مرتبطند، می‌پرستد (تشبه ۱۷: ۳۲ و اول قرنتیان ۱۰: ۱۴، ۱۹-۲۰ مشاهده شود).

آنها به این سرزمینها هجوم می‌آورند، هر چه را که می‌بینند می‌خورند و زمین را تهی و عریان می‌سازند. گاهی تعداد این دسته‌های ملخ آنقدر زیاد است که ستونهای مهاجم آنها شش کیلومتر عرض و سه متر ارتفاع دارند!

۴ ملخهایی که یوحنا در این رؤیا می‌بیند، همانند **عقربها** هستند. به آنها قدرت داده شده بود تا آن مردمانی که **مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند** یعنی بی‌ایمانان را شکنجه کنند (مکاشفه ۳: ۷-۲). با وجود این، آنها به هیچ چیز دیگری آسیب نمی‌رسانند. در اینجا به این موضوع توجه داشته باشید که حتی سپاهیان شیطان نیز در نهایت تحت کنترل خدا هستند.

۵-۶ به ملخها این قدرت داده نشده است که انسانها را بکشند، بلکه فقط قدرت داشتند تا پنج ماه آنها را شکنجه کنند.^{۲۱} بدین وسیله خدا به بی‌ایمانان فرصتی دیگر می‌دهد تا توبه کنند و به سوی مسیح بازگردند.

۷-۱۱ یوحنا در این آیات این ملخها را توصیف می‌کند. این ملخها به بزرگی اسب هستند. پادشاه آنان فرشته شریری است که **ابدون** نام دارد که به معنای نابود کننده است.

۱۲ یوحنا پنجمین بلا را نخستین **وای** می‌نامد. ششمین و هفتمین بلاها نیز دومین و سومین وای خوانده می‌شوند.

۱۳-۱۴ سپس در آیات ۱۳-۱۹، یوحنا ششمین بلا (یا دومین وای) را توصیف می‌کند. خدا به ششمین فرشته حکم می‌کند: **«آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند، خلاص کن.»**^{۲۲}

۱۵-۱۶ این **چهار فرشته** سرداران سپاهی هستند که از دویست میلیون سوار تشکیل شده است. به این سپاه فرمان داده شده تا یک سوم بی‌ایمانان را بکشند. این سپاه آماده نگه داشته شده است تا زمان موعود برای اجرا شدن داوری نهایی خدا بر جهان فرا برسد.

۱۷-۱۹ در این آیات یوحنا به توصیف

کتابچه نوشته شده است. برخی دانشمندان کتاب مقدس معتقدند در این کتابچه رؤیای بعدی یعنی رؤیای دو شاهد نوشته شده است (مکاشفه ۱:۱۱-۱۳). این کتابچه در دهان یوحنا مثل **عسل شیرین** بود زیرا کلام خدا بود (مزمور ۱۱۹:۱۰۳). اما هنگامی که یوحنا آن را خورد، در معده او **تلخ** شد زیرا مربوط به عذاب وحشتناکی بود که باید بر زمین واقع می شد.

باب ۱۱ دو شاهد (۱:۱۱-۱۴)

۱ بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که نبوتی که در این قسمت ذکر شده (آیات ۱-۱۴) بر کتابچه‌ای نوشته شده بود که یوحنا آن را می خورد (مکاشفه ۱:۱۰). **قدس خدا و آنانی که در آن عبادت می کنند** اشاره به کلیسا می کند که در زمان داوری نهایی خدا بر جهان، بر زمین وجود دارد.

به یوحنا گفته می شود که **قدس را پیمایش** نماید. پیمایش کردن قدس به معنای حفاظت کردن از آن است. بنابراین، هنگامی که یوحنا **قدس** (کلیسا) را می پیماید و تعداد عبادت کنندگان را در آن می شمارد، آنها توسط خدا محافظت می شوند (حزقیال باب‌های ۴۰-۴۲).

۲ براساس رؤیای یوحنا، **امتها** یعنی بی‌ایمانان، **قدس** (کلیسا) را به مدت **چهل و دو ماه** پایمال خواهند کرد. اما آنها نمی توانند وارد **صحن خارج قدس** شوند یعنی وارد قسمتی که خدا به یوحنا گفت که آن را پیماید. خدا از همه کسانی که داخل قدس هستند یعنی از ایمانداران حقیقی، در برابر حملات بی‌ایمانان حفاظت خواهد کرد.

دوره زمانی ۴۲ ماه یا ۱۲۶۰ روز (آیه ۳) دوره زمانی بی است که خدا به بی‌ایمانان اجازه می دهد تا به کلیسا ظلم و ستم روا دارند. دانیال نبی نبوت کرده بود که پادشاهی شریر قدس را به

۵-۶ سپس فرشته زورآور می گوید: «**بعد از این زمانی نخواهد بود**» (آیه ۶). اکنون دیگر زمان نازل شدن داوری نهایی خدا فرا می رسد. شهادای امسین نزد خدا فریاد برمی آورند: «**ای خداوند قدوس و حق تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کنی؟**» (مکاشفه ۶:۱۰). در اینجا فرشته پاسخ آنها را می دهد: «دیگر لازم نیست بیشتر از این صبر کنید. شکست شیطان و مجازات نهایی شریران در حال وقوع است» (دانیال ۷:۱۲-۱۵).

۷ سپس فرشته اعلام می کند: «**هنگامی که کرنای هفتم به صدا در آید سر خدا به اتمام خواهد رسید. سر خدا** استقرار ملکوت خدا و شکست تمامی شرارت است. یا به عبارت دیگر **سر خدا** این است: **سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد**» (مکاشفه ۱۱:۱۵).

بنابراین، هدف غایی خدا دیگر به شکل یک **سر** نمی ماند. این **سر** به **انسیا** آشکار شد (دانیال ۱:۱۲-۳) و در اینجا در حال آشکار شدن به یوحناست.

۸-۱۱ سپس به یوحنا گفته می شود «از دست فرشته زورآور **کتابچه گشاده را... بگیر**». هنگامی که یوحنا آن را از فرشته می طلبد فرشته به او می گوید که آن را بخورد (حزقیال ۲:۹-۱۰؛ ۳:۱-۴). هنگامی که یوحنا کتابچه را می خورد، به او گفته می شود که باید مجدداً نبوت کند. معنای این رؤیا در واقع این است: برای اینکه برای خدا نبوت کنیم ضروری است که کلامش را به شکل کامل وارد وجود خویش سازیم، درست مثل اینکه غذایی را می خوریم. با توجه به این نکته می توانیم دریابیم مطالبی که یوحنا در کتاب مکاشفه ثبت کرده است واقعاً حقیقت دارند. او کلام خدا را وارد وجود خویش کرده است. بنابراین، آنچه می نویسد کلام حقیقی خداست.

دقیقاً مشخص نیست که چه چیزی بر این

DO NOT COUNT THIS PAGE

۷-۱۰ هنگامی که دو شاهد (یا اعضای کلیسا)، وظیفه شهادت دادن و نبوت کردن را به انجام می‌رسانند، بدنهای آنها دیگر در برابر آسیب محافظت نمی‌شود. در این زمان آن **وحش که از هاویه برمی‌آید** به آنها حمله می‌کند. به این **وحش** همچنین در باب سیزدهم مکاشفه نیز اشاره می‌شود. وحش نماد امپراطوری روم و تمامی نیروهای شریر جهان است (دانیال ۷:۷، مکاشفه ۱:۱۳).

بدنهای این دو شاهد **در شارع عام شهر عظیم** باقی می‌ماند. در کتاب مکاشفه اصطلاح «شهر عظیم» معمولاً به جای شهر روم (پایتخت امپراطوری روم) به کار می‌رود. همچنین در این آیه **شهر عظیم** به شهر اورشلیم نیز اشاره دارد زیرا یوحنا می‌نویسد که این شهر جایی است که **خداوند ایشان نیز مصلوب گشت**. در نظر یوحنا خواه شهر روم مدنظر باشد خواه شهر اورشلیم، همانطور که در عهدعتیق **سوم و مصر** نماد و سمبول قدرت و شرارت دنیوی بودند، این **شهر عظیم** نیز نماد و سمبول قدرت و شرارت دنیوی محسوب می‌شود.

۱۱ اما پس از سه روز و نیم خدا این دو شاهد (یا این کلیسا) را زنده می‌کند. اشخاص شریری که آنها را کشتند بسیار وحشت می‌کنند زیرا بر کسانی که زنده شده‌اند، قدرتی ندارند.

۱۲-۱۳ هنگامی که دشمنان این دو شاهد (یا کلیسا-کل ایمانداران) به آنها می‌نگرند، آنها به آسمان صعود می‌کنند (دوم پادشاهان ۱۱:۲، اول تسالونیکیان ۴:۱۶-۱۷). آنگاه زلزله‌ای عظیم به وقوع می‌پیوندد که یک دهم آن **شهر عظیم** را نابود می‌سازد. کسانی که از این زلزله جان سالم بدر می‌برند، **خدای آسمان را تمجید** می‌کنند. دقیقاً مشخص نیست که

مدت چهل و دو ماه تصرف خواهد نمود (دانیال ۹:۸-۱۴). و در سال ۱۶۷ پیش از میلاد، هنگامی که پادشاه سوریه اورشلیم را به مدت سه سال و نیم (۴۲ ماه) به تصرف خود درآورد، این نبوت تحقق یافت.

بنابراین، در پایان جهان، شرایط مشابهی به وجود خواهد آمد که در آن امتهای بی‌ایمان کلیسا را مورد حمله قرار خواهند داد. این دوران **زمانهای امتها** نامیده شده است. (لوقا ۲۱:۲۴).

۳ براساس رؤیای یوحنا در طی این دوره زمانی ۴۲ ماهه (یا ۱۲۶۰ روزه) **دو شاهد** نبوت خواهند کرد. بعضی دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که این دو شاهد، ایلای نبی (ملاکی ۵:۴) و موسی (تثنیه ۱۵:۱۸) خواهند بود. اما گروهی دیگر معتقدند این دو شاهد دو شخص واقعی نیستند، بلکه آنها نمایانگر کل کلیسا در زمان پایان یافتن جهان هستند. به عبارت دیگر آنها می‌گویند که این دو شاهد نماد کلیسایی هستند که شهادت می‌دهد. کلام شهادت آنان این است که انسانها باید توبه کنند. آنها همچنین پلاس دربرکرده‌اند که نشانه توبه است.

۴-۶ همانند ایلای و موسی، این دو شاهد (یا کلیسا) قدرت عظیمی دارند تا دشمنانشان را **با آتش** (دوم پادشاهان ۱۰:۱) نابود کنند، **قدرت به بستن آسمانها دارند**^{۲۴} (اول پادشاهان ۱:۱۷)، **قدرت بر آبها دارند که آنها را به خون تبدیل نمایند** (خروج ۱۴:۷-۱۸) و نیز قدرت دارند تا هرگاه بخواهند **جهان را... به انواع بلاها مبتلا سازند** (خروج ۱۲:۸).

این دو شاهد **دو درخت زیتون و دو چراغدان** نامیده شده‌اند (آیه ۴) که نشانه روح القدس هستند (زکریا ۴:۱-۱۱، ۶-۱۴). چراغدانها بوسیله روغنی که از زیتونهاست می‌سوزند. روغن نشانگر خود روح القدس است. به همین شکل قدرت و نور این دو شاهد از روح القدس که در درون آنهاست ناشی می‌شود.

۲۴- ایلای برای سه سال و نیم (۴۲ ماه) آسمان را

بست و در طی این مدت باران بر زمین نبارید (لوقا ۲۵:۴، یعقوب ۵:۱۷).

آسمان می‌شوند که این پاداش آنهاست (آیه ۱۸). اما در زمین داوری خدا به شکل **رعدها** و **زلزله** و **تگرگ عظیم** آشکار می‌شود.

باب ۱۲

زن و اژدها (۱۷:۱-۱۲)

۲-۱ در رؤیای یوحنا، کرنای هفتم تازه به صدا درآمده است (مکاشفه ۱۱:۱۵). کرنای هفتم وقوع همه اتفاقاتی را که از این لحظه تا پایان کتاب مکاشفه اتفاق می‌افتد، اعلام می‌کند. اکنون داوری نهایی و وحشتناک خدا بر جهان و شیطان نازل می‌شود. در دو باب بعدی مکاشفه، یعنی باب‌های ۱۲ و ۱۳، نبرد بزرگی که بین کلیسای مسیح و شیطان درمی‌گیرد توصیف می‌شود. در این نبرد، ایمانداران دردهای بدنی و مرگ را تجربه می‌کنند. اما آنها باید تا به انتها مقاومت کنند و این موضوع را بدانند که شکست نهایی شیطان قطعی است.

پس از شنیدن کرنای هفتم، یوحنا در آسمان زنی پر جلال را می‌بیند که می‌خواهد فرزندی بدنی بیاورد. این زن نمایانگر اسرائیل حقیقی یعنی کلیساست که قوم برگزیده خدا هستند (اول پطرس ۲:۹). **دوازده ستاره** تاج او نشانه‌ای از دوازده سبط اسرائیل هستند. آنها همچنین می‌توانند نشانه دوازده رسول مسیح باشند.

۳-۴ سپس یوحنا **اژدهای بزرگ آتشگون** را می‌بیند که همان شیطان است (آیه ۹). بر هفت سر او هفت تاج قرار دارند که این تاجها نشانه اقتدار اژدها هستند. اما اقتدار اژدها از آن خودش نیست، بلکه از خدا دزدیده شده و همانطور که هیرودیس پادشاه سعی کرد عیسای طفل را بکشد (متی ۲:۱۳، ۱۶) به همین شکل نیز این اژدها سعی می‌کند تا طفل نوزاد این زن را بکشد (اول پطرس ۵:۸).

۵-۶ طفل بدنی آمده از این زن، مسیح است که همه امتهای زمین را به **عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد** (مزمور ۲:۶-۹). اژدها یا

منظور یوحنا از این سخن این است که آیا این اشخاص حقیقتاً توبه کردند یا صرفاً به خاطر ترس از خدا او را تمجید نمودند. این زلزله **وای دوم** است (آیه ۱۴).

۱۴ در این آیه یوحنا می‌گوید که **وای دوم** (یا بلای ششم) در گذشته است و **وای سوم** (یا بلای هفتم) به زودی واقع خواهد شد.

کرنای هفتم (۱۱:۱۵-۱۹)

۱۵ کرنای هفتم، داوری نهایی خدا را بر جهان و استقرار ملکوت مسیح را اعلام می‌کند. در این قسمت (آیات ۱۵-۱۹)، یوحنا خلاصه‌ای از همه وقایعی که پس از به صدا درآمدن کرنای هفتم اتفاق می‌افتند، ذکر می‌کند یعنی این قسمت کوتاه خلاصه باب‌های بعدی کتاب مکاشفه است. بنابراین، یوحنا در این قسمت بگونه‌ای مطالب خود را می‌نویسد که گویی این وقایع مربوط به آینده قبلاً رخ داده‌اند. مهم‌ترین واقعه در میان همه وقایع در آیه پانزدهم ذکر شده است: **«سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابد الابد حکمرانی خواهد کرد»** (دانیال ۲:۴۴، ۷:۱۳-۱۴، ۲۷).

۱۶-۱۸ **آن بیست و چهار پیر** (مکاشفه ۴:۴) خدا را برای مجازات ملل شریر و پاداش دادن به همه انبیاء و همه مقدسین، شکر می‌کنند. پاداش انبیاء و مقدسین زندگی کردن در ملکوت مسیح تا ابد الابد است.

ملت‌ها در خشم خود علیه خدا برخاستند. آنها زمین را نابود ساختند (آیه ۱۸) اما اکنون خدا آنها را نابود می‌سازد (مزمور ۲:۵، ۲:۵-۶).

۱۹ سپس بر اساس رؤیای یوحنا **قدس خدا در آسمان مفتوح گشت** و در درون **قدس تابوت عهدنامه** او ظاهر می‌شود (خروج ۲۵:۱۰-۲۲). **تابوت عهد** نشانه حضور خدا با قومش است و بدین طریق، ایمانداران وارد حضور خدا در

شکست داده است. او دیگر نمی‌تواند بشکلی موفقیت‌آمیز در حضور خدا ایمانداران را متهم سازد زیرا آنها توسط مسیح در نظر خدا بی‌گناه و عادل اعلام شده‌اند (رومیان ۸: ۳۳-۳۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

۱۱ نه تنها فرشتگان در آسمان، بلکه ایمانداران بر زمین نیز **بوساطت خون بره** می‌توانند بر شیطان غالب شوند یعنی به‌خاطر مرگ مسیح برای گناهان ایمانداران، آنها دیگر در اسارت نیستند. چون روح مقدس مسیح در آنهاست، ایمانداران قدرتمندتر از شیطان هستند (اول یوحنا ۴: ۴ و تفسیر آن مشاهده شود). ایمانداران توسط **کلام شهادت خود** برای مسیح و توسط استواری‌شان در ایمان که تا سرحد مرگ است، بر قدرت شریانه شیطان غالب می‌شوند. کسی که زندگی خود را دوست نداشته باشد، بلکه آن را به مسیح تقدیم کند یقیناً در پایان پیروزمند خواهد بود (متی ۱۰: ۳۲، مرقس ۱۳: ۱۳).

۱۲ چون شیطان از آسمان به زمین افکنده شده، خشمناک است. زمان اندکی برای او باقی مانده است. او همانند حیوانی که توسط شکارچیان محاصره شده، خود را به این سو و آن سو می‌زند.

۱۳ اژدها یا شیطان چون موفق نمی‌شود کودک را بکشد شروع به تعقیب کردن آن زن (یعنی کلیسا) می‌کند. چون شیطان نسبت به مسیح غضبناک است، نسبت به کلیسای مسیح نیز غضبناک می‌شود. عیسی به شاگردانش گفت: «اگر جهان شما را دشمن دارد، بدانید که پیشتر از شما مرا دشمن داشته است... اگر مرا زحمت دادند شما را نیز زحمت خواهند داد... به جهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهند کرد» (یوحنا ۱۵: ۱۸، ۲۰-۲۱). بنابراین، مسیحیان باید این

شیطان با دانستن این موضوع که این طفل مقرر شده تا بر همه امتهای حکمرانی کند غضبناک می‌شود، زیرا او همه امتهای زمین را متعلق به خودش می‌داند (متی ۴: ۸-۹). دلیل اینکه با جدیت تمام سعی می‌کند این طفل را بکشد، همین است.

اما اژدها نمی‌تواند کودک را ببلعد. کودک یعنی مسیح به نزد خدا و تخت او رفته می‌شود یعنی مسیح از مردگان برمی‌خیزد و به آسمان صعود می‌کند، یعنی جایی که بر دست راست خدا می‌نشیند.

۶ زن یعنی کلیسا به مکان امنی که خدا برای او مهیا کرده، می‌گریزد که در آنجا شیطان نمی‌تواند او را ببلعد. این زن در طی ۱۲۶۰ روز مصیبت و سختی، در آنجا محفوظ باقی می‌ماند (مکاشفه ۱۱: ۳-۱ و تفسیر آن مشاهده شود).

۷-۹ یوحنا جنگ عظیمی را بین اژدها و فرشته ارشد خدا یعنی میکائیل مشاهده می‌کند (دانیال ۱۲: ۳-۱). سپس اژدها یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مسمی است^{۲۵} (پیدایش ۳: ۱۴-۱۵) و تمامی فرشتگان شریرش به زمین افکنده می‌شوند (لوقا ۱۰: ۱۸ مشاهده شود).

۱۰ شکست شیطان باعث شادی عظیم می‌شود. شیطان در این آیه مدعی برادران ما خوانده می‌شود. یکی از اعمال اصلی و شریانه شیطان متهم ساختن ایمانداران در حضور خدا و در حضور یکدیگر است (ایوب ۱: ۸-۱۱). شیطان همچنین تمام ربع مسکون را می‌فریبد (آیه ۹). فریب دادن یکی دیگر از روشهای اصلی شیطان برای آسیب زدن به قوم خداست (مرقس ۱۳: ۲۲، دوم قرتیان ۱۱: ۱۳).

اگر چه در رؤیای یوحنا فروافتادن شیطان به زمین در پایان جهان به‌وقوع می‌پیوندد، به معنایی دیگر نیز شیطان قبلاً بر زمین انداخته شده است (آیه ۹). او قبلاً جایگاه خود را در آسمان از دست داده است و قبلاً مسیح او را

۲۵- در زبان یونانی واژه ابلیس به معنای

«مدعی» یا «افترا زننده» است.

او تا به ابد باقی مانده است، شدیداً به کلیسای مسیح آزار خواهد رساند.

باب ۱۳ وحشی که از دریا برمی آید (۱۳:۱-۱۰)

۲-۱ از این قسمت تا پایان کتاب مکاشفه، رؤیاهایی که یوحنا می بیند در وهله نخست به رخدادهایی اشاره می کنند که بین زمان حال و پایان جهان رخ خواهند داد. با وجود این، چون یوحنا بر این باور بود که پایان یافتن جهان در زمانی که او در قید حیات است، به وقوع خواهد پیوست، پس طبیعتاً این رؤیاها را در مورد وقایعی که در روزهای زندگی او اتفاق می افتند می داند، خصوصاً آنها را در ارتباط با امپراطوری روم می بیند. بنابراین، در مطالعه قسمت های دیگر کتاب مکاشفه ضروری است که این موضوع را در ذهن داشته باشیم.

در این باب، یوحنا در مورد دو وحش سخن می گوید که یکی از آنها از دریا (آیات ۱-۱۰) و دیگری از زمین برمی آید (آیات ۱۱-۱۸) که شیطان توسط آنها علیه آخرین نسل ایمانداران جنگ می کند.

همانند ازدهای رؤیای قبلی یوحنا (مکاشفه ۳:۱۲)، وحشی نیز که از دریا خارج می شود، ده شاخ و هفت سر دارد. در ذهن یوحنا وحشی که از دریا خارج می شود نمایانگر امپراطوری روم است. هر کدام از آن هفت سری که وحش دارد نشانگر امپراطوری متفاوتی است. بر هر یک از این سرها **نامهای کفر**^{۲۷} نوشته شده است

۲۶- در این آیه، «زمانی» به معنای یک سال «دو زمان» به معنای دو سال و «نصف زمان» به معنای نصف سال است. مجموع این ارقام سه سال و نیم می شود که معادل ۴۲ ماه یا ۱۲۶۰ روز است.

۲۷- در زمان یوحنا امپراطوران روم نامهای

موضوع را مد نظر داشته باشند که هر رنج و سختی که بر آنها می آید، به سبب نبرد عظیمی است که بین مسیح و شیطان جریان دارد. چون ما شاگردان و برادران مسیح هستیم، شیطان به ما نیز حمله می کند.

۱۴ پیش از آنکه ازدها بتواند این زن را به چنگ آورد، به این زن **دوبال عقاب بزرگ** داده شد که نشانه عمل رهایی بخش خداست (اشعیا ۳۱:۴۰). سپس این زن به مکان امنی که برای او مهیا شده بود پرواز می کند (آیه ۶). او در این مکان **زمانی و دو زمان و نصف زمان**^{۲۶} می ماند. یعنی او به مدت ۴۲ ماه یا ۱۲۶۰ روز در آنجا می ماند.

۱۵-۱۷ بنابراین، شیطان نمی تواند به این زن آسیبی بزند. از اینرو، او می رود تا با **باقی ماندگان ذریت او** (آیه ۱۷) یعنی با ایمانداران دیگر جنگ کند. مسیح بزرگترین فرزند این زن است، بنابراین، تمامی دیگر فرزندان این زن یعنی ایمانداران، برادران و خواهران مسیح محسوب می شوند (رومیان ۲۹:۸). لذا شیطان شروع به اذیت آنها می کند.

در این رؤیای زن و ازدها که یوحنا در باب دوازدهم مکاشفه آن را بیان می کند، به این موضوع توجه داشته باشید که چگونه وقایعی که در این باب توصیف می شوند، هم می توانند به وقایعی که قبلاً اتفاق افتاده اند اشاره داشته باشند و هم به وقایعی که در پایان جهان اتفاق خواهند افتاد. در حالت اول این رؤیا را می توان تعبیر وقایع گذشته دانست به این معنا که مسیح بدنیآ آمد و شیطان را بر صلیب شکست داد و از آن زمان به بعد شیطان در حال جفا رساندن به کلیسای مسیح است. در حالت دوم این رؤیا را می توان تعبیر وقایع آینده دانست. در پایان جهان، بین شیطان و خدا نبرد نهایی به وقوع خواهد پیوست و در آن زمان شیطان مجدداً از آسمان به زمین افکنده خواهد شد که در آنجا وی در مدت زمان کوتاهی که به نابودی نهایی

۶-۷ براساس توصیفی که در این آیات از وحش می‌شود، او از بسیاری جهات به امپراطوری روم در زمان یوحنا شباهت دارد (دوم تسالونیکیان ۴:۲ مشاهده شود). رومیها به خدای واحد حقیقی ایمان نداشتند، آنها امپراطور خود را می‌پرستیدند و به مسیحیان آزار می‌رساندند. تمام ملل اروپای غربی، شمال آفریقا و میانه تحت حاکمیت امپراطوری روم قرار داشتند. به همین دلیل در ذهن یوحنا وحش نمایانگر امپراطوری روم بود.

شیطان یکبار تلاش کرد تا به عیسی بر تمامی ملت‌های دنیا اقتدار بخشد اما عیسی از پذیرش پیشنهاد او سر باز زد (متی ۴:۸-۱۰). اکنون ما می‌بینیم که شیطان در مقابل، اقتدار خود را به وحش می‌بخشد.

۸ تنها ایمانداران به مسیح از پرستش این وحش خودداری می‌کنند. نامهای آنها در دفتر **حیات بره‌ای که از بنای عالم ذبح شده بود مکتوب است**. (فیلیپیان ۴:۳، مکاشفه ۵:۳). این سخن به این معناست که پیش از آفرینش جهان خدا نقشه کشیده بود که انسانها را توسط قربانی شدن بدن عیسی بر صلیب نجات بخشد. پیش از آفریده شدن جهان نامهای ما در این کتاب نوشته شده بود! (افسیسیان ۴:۱). اما براساس مکاشفه ۵:۳ ما چنین می‌فهمیم که اگر در این زندگی ایمان خود را از دست دهیم ممکن است نامهایمان از این دفتر پاک شود.

۹-۱۰ در این آیات یوحنا برای ایماندارانی که با رنج و مصیبت روبرو هستند سخنان تشویق‌آمیز و دلگرم‌کننده می‌نویسد. اگر خدا ایماندار را مقرر کرده باشد که به اسیری برود، خدایان را بر خود می‌گذاشتند و خود را جزو خدایان می‌دانستند. در واقع خود را خدا خواندن کفرگفتن علیه خدای حقیقیست.

۲۸- معلوم نیست منظور یوحنا از سر زخم خورده‌ای که شفا می‌یابد چیست.

(مکاشفه ۳:۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود). اژدها تمامی قوت و اقتدار خود را به این وحش نخست می‌بخشد (یعنی به امپراطوری روم). بنابراین، وحش در نام شیطان به یکباره شروع به جفا رساندن به کلیسای مسیح می‌کند. برای یوحنا، این وحش همانند امپراطوری روم است. اما ما باید این موضوع را مدنظر داشته باشیم که معنای واقعی وحش بسیار وسیع‌تر از این است. در واقع وحش نشانه هر قدرت شریر زمینی است که در هر دوره‌ای با مسیح و کلیسای او مخالفت می‌کند.

دانیال نبی رؤیایی در مورد چهار وحش مشاهده کرد که از دریا برآمدند (دانیال ۷:۳-۷). به نظر می‌رسد که وحشی که یوحنا در این رؤیا می‌بیند ترکیبی از چهار وحش رؤیای دانیال است.

۳ از هفت سر وحش یکی (یا یکی از امپراطوری‌ها) زخمی کشنده و مهلک دارد اما پس از مدتی شفا می‌یابد^{۲۸}. با توجه به این واقع ما می‌توانیم به قدرت عظیم وحش پی ببریم. کشتن این وحش غیرممکن به نظر می‌رسد زیرا او از زخمهایی که می‌تواند برای هر کس دیگری کشنده باشند، شفا می‌یابد.

۴ انسانهای بی‌ایمان در سرتاسر جهان از این وحش پیروی می‌کنند (آیه ۳). به خاطر این وحش ترسناک و قدرتمند که قدرت خود را از شیطان یافته است، انسانها شروع به پرستش شیطان می‌کنند. آنها همچنین خود وحش را نیز می‌پرستند. در زمان زندگی یوحنا، انسانها مجبور می‌شدند تا امپراطوری روم را چون خدا بپرستند. بنابراین، ما از این آیه می‌توانیم حقیقتی مهم بیاموزیم: هرگاه ما پادشاه یا رهبری را به عنوان خدا بپرستیم در واقع در حال پرستش شیطان هستیم.

۵ خدا به این وحش تنها سه سال و نیم فرصت داد تا قدرت خود را اعمال کند (مکاشفه ۲:۱۱؛ ۶:۱۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

که خادمان امین خدا با نام خدا مهر می‌شوند (مکاشفه ۷:۲-۳)، به همین شکل نیز پیروان وحش با نام یا عدد او مهر می‌شوند. کسانی که نشان وحش را نداشته باشند، نمی‌توانند چیزی بخرند یا بفروشند بنابراین، درگذران امورشان دچار مشکلات جدی می‌شوند. مسیحیان حقیقی‌ای نیز که در ایام حکمروایی امپراطوری روم زندگی می‌کردند با شرایط مشابهی روبرو بودند.

۱۸ عدد وحش نخست ۶۶۶ است. بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس معتقدند که این عدد نام شخصی خاص است، اما هیچکس مطمئن نیست این شخص کیست. برخی تصورشان بر آن است که عدد ۶۶۶ عدد نام امپراطور روم نرون است که از سال ۵۴ تا ۶۸ پس از میلاد بر امپراطوری روم حکمرانی کرد (اعمال ۱۸:۱۴-۱۶؛ ۲۵:۱۰-۱۱ و تفسیر آنها مشاهده شود).

باب ۱۴

بره و ۱۴۴۰۰۰ نفر (۱:۱۴-۵)

۱ یوحنا، بره یعنی مسیح را می‌بیند که بر **کوه صهیون** ایستاده است. در این آیه کوه صهیون همان صهیون سماوی یا اورشلیم سماوی است. (عبرانیان ۱۲:۲۲؛ مکاشفه ۲۱:۲، ۱۰ مشاهده شود). ۱۴۴۰۰۰ نفر^{۳۱} که نام خدا و

۲۹- در زمان حاکمیت امپراطوری روم، اشخاص تمثالهای متعددی از امپراطوران مختلف روم می‌ساختند.

۳۰- در زبانهای یونانی و عبری قدیم، نشانه‌های خاصی برای اعداد وجود نداشت و حروف معمولی الفبا به جای اعداد به کار می‌رفتند بنابراین، نام هر انسان نیز «عدد» خاص خودش را داشت، که از مجموع حروف تشکیل دهنده نام او به وجود می‌آمد.

۳۱- هم در این قسمت و هم در مکاشفه ۷:۳-۴، عدد ۱۴۴۰۰۰ نشانه کاملیت یا پری است و لزوماً به

باید او این امر را بپذیرد. او نباید با شمشیر بجنگد و گرنه با شمشیر کشته خواهد شد (متی ۲۶:۵۰-۵۲ مشاهده شود). در مقابل، چنین ایماندارانی باید دشمنانشان را دوست بدارند و همه چیز را با **صبر و ایمان** تحمل کنند (آیه ۱۰).

وحشی که از زمین بالا می‌آید (۱۱:۱۳-۱۸)

۱۱ وحش دوم که در این قسمت توصیف می‌شود، دومین مددکننده شیطان است که وظیفه اصلی او فریب دادن انسانها و گمراه کردن آنهاست. چون یک بره است اما همانند یک ارژدها تکلم می‌کند (متی ۷:۱۵ مشاهده شود). در مکاشفه ۱۶:۱۳ این وحش دوم **نبی کاذب** نامیده می‌شود.

۱۲ وظیفه خاص این وحش دوم واداشتن انسانها به پرستیدن نخستین وحش است. بنابراین، می‌توانیم چنین برداشت کنیم که این وحش دوم نماد مذهب کاذب و نیز روحانیت و کهنات کاذب است.

۱۳-۱۴ وحش دوم یعنی نبی کاذب، توسط نشانه‌ها و معجزات انسانها را گمراه می‌کند (تثنیه ۱۳:۱-۴؛ مرقس ۱۳:۲۲؛ دوم تسالونیکیان ۲:۹-۱۰ مشاهده شود). وحش دوم انسانها را به ساختن تصویری از وحش نخست می‌گمارد.^{۲۹}

۱۵ در زمان یوحنا بسیاری از انسانها ایمان داشتند که تمثالها می‌توانند سخن بگویند. مطابق رؤیای یوحنا، این وحش دوم به تمثال یا صورت وحش دوم این قدرت را می‌بخشد تا سخن بگوید و سخن این صورت نیز این است که همه کسانی که او را نمی‌پرستند، باید کشته شوند.

۱۶-۱۷ وحش دوم همچنین همه انسانها را مجبور می‌سازد تا بر دست و پیشانی‌شان **نشانی** بگذارند. این **نشان** اسم وحش نخست یا **عدد اسم** اوست^{۳۰} (آیه ۱۷). همانطور

مرتکب زنا نشده‌اند.

نکته دومی که یوحنا در مورد این ۱۴۴۰۰۰ نفر می‌گوید این است که آنها **بره را هر کجا می‌رود متابعت می‌کنند** یعنی آنها شاگردان امین و مطیع مسیح هستند.

نکته سوم این که آنها توسط مسیح خریده شده‌اند (مکاشفه ۵:۹ و تفسیر آن) **تائوبر برای خدا و بره باشند**^{۳۳} یعنی قربانیها برای خدا باشند.

این ۱۴۴۰۰۰ نفر **بی‌عیب** هستند. توسط ایمانشان به مسیح آنها در برابر خدا عادل اعلام شده‌اند (رومیان ۳:۲۲، ۵:۲). لباسهای آنها با خون بره شسته شده و سفید گشته است (مکاشفه ۷:۱۴ و تفسیر آن).

سه فرشته (۱۴:۶-۱۳)

۶-۷ آنگاه فرشته نخست انسانهای دنیا را می‌خواند تا توبه کنند و به سوی خدای زنده باز گردند: «از خدا بترسید و او را تمجید نماید زیرا که **زمان داوری او رسیده است**» (آیه ۷). این آخرین هشدار است که به نژاد بشری داده می‌شود و این آخرین فرصتی است که برای نجات به آنها

معنای دقیق ۱۴۴۰۰۰ نیست.

۳۲- بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس معتقدند که ۱۴۴۰۰۰ نفری که در باب هفتم مکاشفه به آنها اشاره شده، صرفاً نشانگر آخرین نسل مسیحیان هستند که به هنگام پایان یافتن جهان هنوز زنده‌اند (مکاشفه ۷:۲-۴ و تفسیر آن مشاهده شود). با وجود این سایر دانشمندان کتاب مقدس نظر دیگری دارند و معتقدند این دو گروه ۱۴۴۰۰۰ که در دو جا به آنها اشاره شده، هر دو یک هستند و دو گروه مجزا نیستند، یعنی هر دو نشان‌دهنده همه مسیحیان همه دورانها هستند.

۳۳- در این آیه واژه «نوبر» به معنای قربانی است اما در آیات دیگر «نوبر» معنای متفاوتی دارد (رومیان ۸:۲۳، یعقوب ۱:۱۸ مشاهده شود).

بره را بر پیشانی خود دارند نمایانگر همه ایمانداران همه دورانها هستند و تعداد آنها صرفاً به ۱۴۴۰۰۰ نفر محدود نمی‌شود. آنها کسانی هستند که غالب شده‌اند و نیز کسانی هستند که بر آنها نامی جدید نوشته شده است (مکاشفه ۳:۱۲ و تفسیر آن مشاهده شود).

بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس معتقدند رقم ۱۴۴۰۰۰ که در این قسمت ذکر شده با آن عدد ۱۴۴۰۰۰ که در مکاشفه ۷:۳-۴ ذکر شده به دو گروه متفاوت اشاره می‌کنند^{۳۲}. در این آیه عدد ۱۴۴۰۰۰ به جای مسیحیان همه دورانها به کار رفته است. هیچکدام از کسانی که خدا آنها را مهر کرده است گم نخواهند شد. بنابراین، ۱۴۴۰۰۰ نفری که در اینجا ذکر شده‌اند همان گروه عظیمی هستند که در مکاشفه ۷:۹ به آنها اشاره می‌شود.

۲-۳ تنها کسانی که توسط مسیح خریده و مهر شده‌اند می‌توانند **سرود جدید** پیروزی و نجات را در آسمان بسرایند.

۴ در این آیه یوحنا سه نکته در مورد گروه ۱۴۴۰۰۰ نفری می‌گوید. نکته اول این که آنها کسانی هستند که **با زنان آلوده نشده‌اند**. این جمله همچنین می‌تواند به این معنی باشد که آنان با پرستش خدایان دیگر یا پادشاهان و امپراطورها خود را آلوده نکرده‌اند. براساس تعلیم عهدعتیق، پرستش چیزی جز خدای واحد حقیقی در حکم زناکردن است. هر گاه که قوم یهود به پرستش بتها می‌پرداختند، انبیای یهود آنها را متهم به زناکاری می‌کردند (ارمیا ۳:۶، ۲۰). دلیل این اتهام این بود که آنها «شوهر» حقیقی خود یعنی خدا را ترک کرده و به دنبال بتها رفته بودند. در مکاشفه ۱۷:۱-۲، شهر روم **فاحشه بزرگ** خوانده می‌شود که مردان زمین با آن مرتکب زنا شده‌اند. اما این ۱۴۴۰۰۰ نفر **با کره هستند**. آنها واقعاً شایسته هستند که عروس باکره مسیح باشند. (دوم قرنتیان ۱۱:۲؛ مکاشفه ۲۱:۹ مشاهده شود). آنها با بتها

آسمان شنیده می‌شود: «**خوشحالند مردگانی که در خداوند می‌میرند**» در ایام زندگی یوحنا بسیاری از مسیحیانی که از ایمانشان دست نمی‌کشیدند و امپراطور یا خدایان دیگر را نمی‌پرستیدند، محکوم به مرگ می‌شدند. اما آنها صاحب پاداشی جاودانی یعنی صاحب آرامی ابدی می‌شدند (عبرانیان ۱:۴). یوحنا می‌نویسد که **اعمال ایشان** یعنی اعمال مبتنی بر ایمان و محبت آنها **از عقب ایشان می‌رسد** که این سخن به این معناست که خبر اعمال نیکوی آنها به آسمان نیز می‌رسد.

زمان درو کردن زمین (۲۰-۱۴:۱۴)

۱۴-۱۵ یوحنا کسی را که مثل پسر انسان است می‌بیند (دانیال ۷:۱۳-۱۴) که در دستش **داسی تیز** دارد (آیه ۱۴). البته این شخص مسیح است. در کتاب مقدس داس نشانه داوری است. عادلان در ملکوت خدا جمع شده و شریران به آتش جهنم افکنده خواهند شد (ارمیاء ۵۱:۳۳؛ متی ۱۳:۳۰، ۳۶-۴۳؛ مرقس ۴:۲۶-۲۹).

۱۶ سپس مسیح، که مثل «پسر انسان» است، داس خود را به زمین به حرکت درمی‌آورد. هنگامی که این کار را انجام می‌دهد، کرنای هفتم به صدا در می‌آید و آغاز داوری نهایی را اعلام می‌کند (مکاشفه ۱۱:۱۵؛ ۱:۱۵ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱۷-۱۸ آنگاه یوحنا فرشته‌ای را می‌بیند که او نیز داسی تیز در دست دارد. سپس فرشته دیگری که **بر آتش مسلط است** (مکاشفه ۸:۳-۵) به فرشته داس در دست می‌گوید که **خوشه‌های موزمین را بچین زیرا انگورهایش رسیده است. انگورها نمایانگر کسانی است که نشان وحش را بر خود دارند یعنی کسانی که توبه نکرده و به سوی خدا بازگشت نکرده‌اند.**

۱۹-۲۰ در این آیات ما در مورد این که چه اتفاقی برای شریران می‌افتد، توصیف

ارائه می‌شود. برخی دانشمندان کتاب مقدس معتقدند که این آخرین دعوت از انسانها، تحقق سخنانی است که عیسی بر زبان آورد: «**و لازم است که انجیل اول بر تمامی امتها موعظه شود**» (مرقس ۱۰:۱۳).

۸ آنگاه فرشته دوم می‌گوید: «منهدم شد بابل عظیم» (اشعیاء ۹:۲۱). در ایام عهدعتیق، بابل به جهت ثروت و شرارتش، شهری مشهور بود (دانیال ۴:۲۸-۳۰، اول پطرس ۵:۱۳ و تفسیر آن مشاهده شود). بنابراین، ما می‌توانیم چنین برداشت کنیم که نام «بابل» می‌تواند به هر شهر، پادشاهی یا قدرت شریری اشاره داشته باشد. زمانی که یوحنا در قید حیات بود، شهر روم «بابل» خوانده می‌شد. **بابل از خمر غضب زناي خود جميع امتها را نوشانید** یعنی همه امتها در فساد و بت‌پرستی او سهیم شدند و بدین سبب غضب خدا را بر خود آوردند (ارمیاء ۷:۵۱، مکاشفه ۱۷:۱-۲ مشاهده شود).

۹-۱۱ آنگاه فرشته سوم داوری‌یی را که باید بر تمام کسانی که نشان وحش را بر خود دارند نازل شود، توصیف می‌کند یعنی بر همه کسانی که توبه نکرده و به سوی مسیح بازنگشته‌اند (مکاشفه ۱۳:۱۶-۱۷).

کسانی که نشان وحش را دارند از **خمر غضب خدا** خواهند نوشید (مزمو ۷۵:۸؛ ارمیاء ۲۵:۱۵-۱۷). «**خمر غضب خدا**» **پیاله خشم وی بیغش آمیخته شده است** یعنی با آب یعنی رحمت خدا آمیخته نیست. در داوری نهایی خدا، بر کسانی که نشان وحش را بر خود دارند، به هیچ وجه اثری از رحمت الهی دیده نمی‌شود. این اشخاص **به آتش و کبریت** برای همشیه معذب خواهند شد (پیدایش ۲۴:۱۹، مرقس ۹:۴۴؛ لوقا ۱۷:۲۹).

۱۲ پس باشد همه کسانی که مسیحی هستند تا به انتها قوی و نیرومند باقی بمانند تا مبادا داوری الهی بر آنها نیز نازل شود.

۱۳ سپس در رؤیای یوحنا صدایی از

شکل نیز خدا توسط بره که همان مسیح است، ایمانداران را از اسارت شیطان رهایی و نجات می‌بخشد. به جهت اعمال رهایی‌بخش خدا، همه امتها آمده، در حضور او وی را پرستش خواهند کرد (آیه ۴). این گفته به این معنا نیست که تمامی ملت‌ها نجات را دریافت خواهند کرد، بلکه معنای این گفته آن است که پس از این که داوری نهایی خدا اجرا شد، تمامی کسانی نیز که به جهنم رفته‌اند، خدای واحد حقیقی را تصدیق خواهند کرد (مزمور ۸۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ مشاهده شود).

۵-۶ سپس یوحنا می‌بیند که قدس خدا گشوده می‌شود و هفت فرشته که هفت بلای نهایی را باید نازل کنند بیرون می‌آیند. یوحنا در اینجا قدس آسمانی را **خیمه شهادت** می‌خواند (آیه ۵). این نام خیمه یهودیان به هنگام خارج شدنشان از مصر بود. این خیمه در واقع یک چادر بود بنابراین، **مسکن شهادت** نیز نامیده شده است (اعداد ۹: ۱۵). **شهادت** نامی بود که بر دو لوح سنگی اطلاق می‌شد که خدا بر آنها ده فرمان شریعت یهود را نوشته بود (خروج ۳۲: ۱۵، تثنیه ۱۰: ۴، اعمال ۷: ۴۴ و تفسیر آن مشاهده شود). پیروان وحش از این فرمان ناطاعتی کرده‌اند بنابراین، به جاست که از **خیمه شهادت** غضب و داوری عادلانه خدا بر کسانی که از این احکام اطاعت نکرده‌اند، نازل شود.

۷-۸ یکی از **چهار حیوان** (مکاشفه ۴: ۶-۸) به هفت فرشته **هفت پیاله زرین** می‌دهد

۳۴- در دوران نوشته شدن کتاب مقدس برای درست کردن شراب، اشخاص انگورها را در چرخشت می‌ریختند و سپس با پایهایشان آنها را پیمال می‌کردند. شیر انگورها سپس از سوراخ کوچکی خارج شده، در محفظه‌ای بزرگ جمع می‌شد.

۳۵- این هفت بلای آخر را می‌توان یک بلای عظیم یعنی همان بلای هفتم دانست که کرنای هفتم شروع آن را اعلام می‌کند.

دیگری می‌بینم. آنها نه تنها بریده شده و درون آتش ریخته می‌شوند، بلکه همچنین همانند انگور زیر پای خدا پیمال می‌شوند^{۳۴} (اشعیا ۶۳: ۱-۶؛ یوئیل ۳: ۱۲-۱۳؛ مکاشفه ۱۵: ۱۹). خون کسانی که نشان وحش را بر خود دارند جاری شده، دریاچه‌ای را به وجود می‌آورد که دو متر عمق و سیصد کیلومتر طول دارد!

باب ۱۵ هفت فرشته همراه با هفت بلا (۱: ۱۵-۸)

۱ هفت بلای آخر که در این بخش ذکر می‌شوند آخرین تلاش خدا برای هدایت انسانها به سوی توبه و بازگشت به سوی اوست. این بلاها آخرین هشدارهای خدا به انسانهاست. هنگامی که این بلاها پایان یابند آنگاه داوری نهایی خدا آغاز می‌شود.

در مکاشفه یوحنا، این هفت بلای آخر، پس از این که هفتمین کرنا به صدا درمی‌آید شروع می‌شوند^{۳۵}. این هفت بلای آخر بسیار شدیدتر از شش بلای قبلی هستند که شش کرنای قبلی وقوع آنها را اعلام کردند (مکاشفه باب‌های ۸-۹).

۲ سپس در این رؤیا، یوحنا همه کسانی را می‌بیند که **بر وحش... غلبه می‌یابند** یعنی همه کسانی که صورت وحش را نپرستیده‌اند (مکاشفه ۱۳: ۱۴-۱۵) و نشان وحش بر آنها قرار نگرفته است (مکاشفه ۱۳: ۱۶). غلبه یافتن بر وحش به معنای امتناع از پرستش او و نیز خدمت به اوست. اشخاصی که غلبه یافته‌اند و یوحنا آنها را می‌بیند کسانی هستند که نجات یافته‌اند و وارد ملکوت خدا شده‌اند (مکاشفه ۷: ۲، ۱۱، ۱۷، ۲۶، ۳: ۵، ۱۲، ۲۱).

۳-۴ این غلبه کنندگان **سرود موسی** (خروج ۱: ۱۵-۱۸) و **سرود بره** یعنی مسیح را می‌خوانند. همانگونه که خدا توسط موسی یهودیان را از اسارت مصر رهایی داد، به همین

که پر از غضب خداست. سپس مذبح پر از دود می‌شود که این امر نشانگر حضور، قدرت و جلال خداست (خروج ۱۸:۱۹، ۳۴:۴۰-۳۵، اول پادشاهان ۸:۱۰-۱۱).

باب ۱۶

هفت پیاله غضب خدا

۱ هفت بلای نهایی که در باب پانزدهم مکاشفه ذکر شده‌اند همان **هفت پیاله غضب خدا** هستند که در باب شانزدهم ذکر می‌شوند. این هفت بلای نهایی (یا پیاله‌ها) همراه با یکدیگر بلای نهایی را تشکیل می‌دهند که کرنای هفتم نازل شدن آن را اعلام کرد. این هفت «پیاله-بلا»ی نهایی، از شش بلایی که در مکاشفه باب‌های ۸-۹ توصیف شده‌اند و با به صدا در آمدن کرناها آغاز می‌شوند، از یک جهت متفاوتند. آن شش بلا باعث نابودی کامل زمین نمی‌شوند اما این هفت بلای مرتبط با پیاله‌ها باعث نابودی کامل زمین و ساکنان آن می‌شوند.

۲ نخستین پیاله بلای **دملها** را نازل می‌کند (خروج ۹:۹-۱۱؛ ایوب ۲:۷).

۳ بلای مربوط به پیاله دوم آب دریا را به خون تبدیل می‌کند (مکاشفه ۸:۸-۹).

۴-۷ بلای مرتبط به سومین پیاله آب نهرها و چشمه‌ها را تبدیل به خون می‌کند (خروج ۷:۱۷-۲۱، مکاشفه ۸:۱۰-۱۱). خدا عادل است و داوریه‌های او عادلانه هستند، اشخاصی که از شیطان و وحش پیروی کرده، خون **مقدسین و انبیای** خدا یعنی ایمانداران را ریختند سزاوار دریافت چنین مجازاتی هستند. بنابراین، کاملاً عادلانه است که خدا این قاتلان را مجبور سازد که خون بنوشند. زیرا خون هیچوقت نمی‌تواند تشنگی انسان را رفع کند.

۸-۹ بلای مرتبط با چهارمین پیاله باعث می‌شود تا خورشید آنقدر گرم شود که انسانها را بسوزاند (مکاشفه ۸:۱۲ مشاهده شود). با وجود این در آسمان آفتاب کسانی را که نجات یافته‌اند

نخواهد سوزانید (مکاشفه ۷:۱۶).

۱۰-۱۱ بلای مرتبط با پیاله پنجم بلای تاریکی است (خروج ۱۰:۲۱-۲۳). این تاریکی بر **تخت وحش** ریخته می‌شود. در ذهنیت یوحنا تخت وحش نمایانگر شهر روم بود زیرا در آن زمان چنین به نظر می‌رسید که گویا شهر روم پایتخت پادشاهی شیطان است. اما ما باید این موضوع را درک کنیم که «تخت وحش» می‌تواند در مورد هر حکومت یا قدرت شریر صدق کند.

۱۲ بلای مرتبط با پیاله هفتم بر **نهر عظیم فرات** نازل می‌شود (مکاشفه ۹:۱۳-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود). رود فرات مرز شرقی امپراطوری روم را تشکیل می‌داد. بنابراین، با خشک شدن آب نهر، دیگر هیچ مانعی در برابر **پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند** باقی نمی‌ماند. معلوم نیست که در اینجا یوحنا به کدام پادشاهان اشاره می‌کند. ممکن است این پادشاهان همان ده پادشاهی باشند که در مکاشفه ۱۷:۱۲ به آنها اشاره می‌شود.

۱۳ سپس یوحنا سه روح خبیث را که شبیه وزغ هستند می‌بیند. یکی از این روحها از دهان **اژدها** (مکاشفه ۱۲:۳، ۹) دومی از دهان وحش (مکاشفه ۱۳:۱) و سومی از دهان نبی کاذب خارج می‌شود.^{۳۶}

۱۴ براساس رؤیای یوحنا، این ارواح شریر توسط **معجزات** مردم جهان را فریب می‌دهند (مرقس ۱۳:۲۲، مکاشفه ۱۳:۱۳-۱۴). این سه روح شریر تمامی حکمرانان و پادشاهان جهان را گرد هم جمع می‌کنند تا در نبرد نهایی علیه خدا بجنگند (مکاشفه ۱۹:۱۹). این نبرد در **آن روز عظیم خدای قادر مطلق** به وقوع خواهد پیوست یعنی در روزی که مسیح بالاخره وحش و نبی کاذب و پیروانش را نابود خواهد کرد (مکاشفه ۱۹:۱۱-۲۱ مشاهده شود). در آن روز

۳۶- این نبی کاذب، همان وحش دوم است که در

مکاشفه ۱۳:۱۱-۱۷ به او اشاره می‌شود.

نمی‌کنند (خروج ۲۲:۹-۲۶؛ یوشع ۱۱:۱۰)، بلکه خدا را نفرین می‌کنند. اکنون دیگر داوری نهایی آنها فرا رسیده است.

باب ۱۷

زن سوار بر وحش

۱ در رؤیای یوحنا، فاحشه بزرگ روم است. بر آبهای بسیار نشسته است یعنی او بر قومها و جماعتها و امتهای و زبانها حاکمیت دارد (آیه ۱۵). اما فاحشه نه صرفاً نمایانگر روم، بلکه همچنین نمایانگر تمامی نیروها و قدرتهای شریر در هر عصر و دوران می‌باشد (اشعیاء ۱۷:۲۳؛ ناحوم ۱:۳-۷).

۲ همه پادشاهان و قومهایی که در شرارت و فساد حکومتی همانند امپراطوری روم شریک هستند، شبیه کسانی‌اند که با یک فاحشه مرتکب زنا شده‌اند.

۳ در این آیه می‌خوانیم که یوحنا در روح (مکاشفه ۱۰:۱)، به بیابانی برده می‌شود و می‌بیند که فاحشه بزرگ بر وحش قرمزی سوار شده. وحش قرمز همان وحش نخست است که در باب سیزدهم مکاشفه به او اشاره می‌شود (مکاشفه ۱۳:۱-۲، ۷ و تفسیر آن مشاهده شود).

۴-۶ از این قسمت ما می‌توانیم دریابیم که این فاحشه بابل بزرگ یعنی روم است (مکاشفه ۱۹:۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود). مطابق اسمی که بر پیشانی‌اش مرقوم است، وی مادر فواحش دیگر و همه انواع خبائث است و او این خبائثها را در سرتاسر جهان می‌پراکند (آیه ۵). او مست از خون مقدسین است یعنی قاتل مسیحیان یا شهدای عیسی است (آیه ۶).

۷-۸ آنگاه فرشته‌ای برای یوحنا، معنای وحش قرمز را توضیح می‌دهد. «آن وحش که دیدی، بود و نیست». یعنی یکی از سرهای وحش زخم مهلک برداشته است (مکاشفه ۱۳:۳ و تفسیر آن مشاهده شود). اما وحش نمی‌میرد،

مسیح سلطنت خود را بر زمین آغاز خواهد کرد. (مکاشفه ۱۷:۱۱).

۱۵ در اینجا مسیح به پیروانش هشدار می‌دهد که آماده باشند. «اینک چون دزد می‌آیم» (متی ۲۴:۴۲-۴۴، اول تسالونیکیان ۲:۵). «خوشابه حال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد». مسیحیان باید به عدالت مسیح ملیس شوند و باید اسلحه تام خدا را بردارند (افسیسیان ۱۳:۶-۱۷).

۱۶ حارمجدون مکانی است که مسیح با شیطان و دو وحش او در آنجا نبرد نهایی را انجام خواهد داد. معنای واژه حارمجدون معلوم نیست. محل آن نیز معلوم نیست.

۱۷-۱۸ هنگامی که بلای مرتبط با پیاله هفتم نازل می‌شود، خدا می‌گوید: «تمام شده» اکنون بلاها دیگر به پایان می‌رسند و شکست نهایی شیطان و پایان یافتن جهان به وقوع می‌پیوندد. سپس یوحنا زلزله‌ای عظیم و مهیب را می‌بیند (مکاشفه ۱۱:۱۵، ۱۹ مشاهده شود).

۱۹ سپس یوحنا شهر بزرگ یعنی بابل بزرگ را می‌بیند (مکاشفه ۸:۱۴) که به سه قسمت تقسیم شده یا به عبارت دیگر به شکل کامل نابود گشته. یوحنا این شهر بزرگ را روم می‌داند. اما شهر روم (یعنی شهر روم در زمان حیات یوحنا) حدود ۱۵۰۰ سال است که نابود شده است و هنوز پایان جهان فرا نرسیده است. بنابراین، ما می‌توانیم چنین برداشت کنیم که شهر بزرگ یعنی بابل بزرگ نمایانگر همه قدرتها، پادشاهان و کشورهایی است که از خدا اطاعت نمی‌کنند. همه کسانی که از خدا اطاعت نکنند در نهایت از خمر غضب خدا که در پیاله خشم وی بیغش آمیخته شده است، خواهند نوشید (مکاشفه ۱۴:۹-۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود).

۲۰-۲۱ اما انسانها علیرغم روبرو شدن با چنین زلزله هولناکی و دانه‌های تگرگی که هر یک به وزن یک من هستند، باز هم توبه

۱۲-۱۳ ده شاخ وحش نمایانگر ده پادشاه است. ممکن است این ده پادشاه همان پادشاهانی که از مشرق آفتاب می آیند باشند که در مکاشفه ۱۲:۱۶ به آنها اشاره شده. یا ممکن است پادشاهانی باشند که قوت و قدرتشان را به وحش داده‌اند یعنی کسانی که خادمان وحش شده‌اند (آیه ۱۳). مدت حاکمیت این پادشاهان بسیار کوتاه خواهد بود، یعنی فقط یک ساعت! ۱۴ این پادشاهان که قدرت خود را به وحش داده‌اند، علیه مسیح بره خدا جنگ خواهند کرد. اما مسیح و پیروانش بر آنها غالب خواهند شد (مکاشفه ۲: ۲۶-۲۷).

۱۵-۱۶ آن فاحشه یعنی روم، بر آبهای بسیار نشسته است (آیه ۱)، یعنی او بر قومها و ملت‌های بسیار حکومت می‌کند. اما وحش با ده شاخش (یا با ده پادشاه) با فاحشه دشمنی کرده، سرانجام او را نابود خواهند کرد. این امر تعجب‌آور به نظر می‌رسد چون در ابتدا آنها شریک و همدست یکدیگر بودند (آیه ۳ مشاهده شود). از این قسمت می‌توانیم این موضوع را دریابیم که اشخاص شریر و حکومت‌های شریر علیه یکدیگر برخاسته، در نهایت همدیگر را نابود خواهند کرد. این امر بارها در تاریخ جهان به وقوع پیوسته است.

۱۷ این خداست که ترتیبی می‌دهد تا پادشاه قوت و قدرت خود را به وحش بدهند (آیه ۱۳). خدا همچنین ترتیبی می‌دهد تا وحش و ده پادشاه علیه فاحشه برخیزند و او را نابود کنند. تمامی قوت و قدرت در نهایت متعلق به خداست. خدا حتی از ارواح شریر استفاده می‌کند تا مقاصدش را به جا آورند.

بلکه شفا می‌یابد و از هاویه برمی‌آید (مکاشفه ۱:۹؛ ۷:۱۱ و تفسیر آنها). آن اشخاصی که نامشان در دفتر حیات مکتوب نیست (مکاشفه ۵:۳) از وحش خواهند ترسید، زیرا اگرچه او زخم مهلکی دریافت کرده اما مجدداً زنده می‌شود. وحش نشانه تمامی امپراطوریهای شریر جهان است یعنی امپراطوریهایی چون بابل، روم، آلمان دوران هیتلر و غیره. با سقوط هر یک از این امپراطوریهای شریر، امپراطوری دیگری جانشین آن می‌شود. وحش نیز وضعیتی مشابه با آنچه گفتیم دارد.

۹-۱۱ همانطور که فاحشه نماد شهر روم است در ذهن یوحنا وحش نیز نماد امپراطوری روم است. هفت سر وحش نمایانگر هفت کوه می‌باشد که زن بر آنها نشسته است^{۳۷}. (آیه ۹). سرهای آن همچنین نمایانگر هفت پادشاه است. این هفت پادشاه می‌توانند به هفت امپراطور رومی یا به هفت حکومت اشاره داشته باشند. وحش خودش هشتمین پادشاه است (آیه ۱۱). وحش به شکلی از آن هفت است یعنی به شکلی متعلق به آن هفت پادشاه است. بسیاری از دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که این «هشتمین» پادشاه آن مرد شرور یا دجال است که پولس و یوحنا در رسالتشان به او اشاره کرده‌اند (دوم تسالونیکیان ۲: ۷-۱۰، اول یوحنا ۲: ۱۸، ۳: ۴ و تفسیر آنها مشاهده شود).

بنابراین، می‌توانیم مشاهده کنیم که این وحش نمایانگر دو چیز متفاوت است. نخست او نمایانگر تمامی امپراطوریه‌ها و قدرتهای شریر در جهان است و دوم او نمایانگر «هشتمین» پادشاه یا دجال است. در واقع این دو جنبه یک چیز واحد هستند زیرا هر امپراطور یا قدرت شریری به یک معنی ضد مسیح است. دجال اصلی یک روح شریر قدرتمند است، که مددکار اصلی شیطان محسوب می‌شود. اما دجالهای کوچکتر دیگری نیز وجود دارند که به شیطان کمک می‌کنند^{۳۸} (اول یوحنا ۲: ۱۸).

۳۷- شهر روم بر هفت تپه بنا شده بود. شهر روم

امروزی نیز بر همان هفت تپه قرار گرفته است.

۳۸- تفسیر آیات ۷-۱۱ بسیار مشکل است.

دانشمندان کتاب مقدس در مورد معنای این آیات نظرات کاملاً متفاوتی با هم دارند.

۱۸ آیه اول و تفسیر آن مشاهده شود.

باب ۱۸ سقوط بابل (۱:۱۸-۲۴)

۲-۱ سپس یوحنا رؤیایی در مورد سقوط شهر بزرگ می‌بیند که آن را در این باب تشریح می‌کند. در ذهن یوحنا این شهر عظیم، روم یعنی پایتخت امپراطوری روم است که در رؤیای یوحنا **بابل بزرگ** خوانده می‌شود (مکاشفه ۸:۱۴، ۵:۱۷ و تفسیر آن مشاهده شود). اما شهر بزرگی که در این قسمت توصیف می‌شود نه فقط نمایانگر شهر روم، بلکه همچنین نمایانگر هر تمدن شریر و نیز انسانهای دنیوی است که تاکنون وجود داشته‌اند. همانطور که خدا در قرن پنجم میلادی موجبات نابودی شهر باستانی روم را فراهم ساخت، به همین شکل نیز در زمان مقرر جهان را نابود خواهد ساخت.

بنابراین، یوحنا در این باب برای ما دو موضوع را توصیف می‌کند. نخست او سقوط شهر تاریخی روم را توصیف می‌کند و دوم آن که سقوط همه شهرها و حکومتها و قدرتهای شریر را در آینده توصیف می‌نماید^{۳۹}. روزی خدا همه آنها را نابود خواهد کرد.

سپس یوحنا در رؤیای خود می‌شنود که فرشته‌ای فریاد می‌زند: «**منهدم شد، منهدم شد**» **بابل عظیم** (اشعیا ۹:۲۱، مکاشفه ۸:۱۴). این شهر، که عالیترین و بزرگترین دستاورد انسانهای دنیوی است **مسکن دیوها** است (اشعیا ۱۳:۱۹-۲۲).

۳ همه پادشاهان ملت‌های اطراف بابل با این شهر متحد شده، در شرارت‌های آن شریک می‌شوند. ملت‌ها از **خمر غضب‌آلود زنای او** نوشیده‌اند. پادشاهان نیز **با وی زنا کرده‌اند** یعنی از خدای حقیقی روبرگردانده و به بابل فاحشه بزرگ ملحق شده‌اند (مکاشفه ۱:۱۷-۲ و تفسیر آن). تجار زمین با شهر معامله کرده و از این

معامله ثروتمند شده‌اند.

۴-۵ سپس صدایی از آسمان می‌گوید: «**ای قوم من از میان او بیرون آید**». باشد که همه کسانی که متعلق به خدا هستند از شریک شدن در اعمال بابل خودداری کنند و از این شهر خارج شوند (اشعیا ۱۱:۵۲، ارمیاء ۴۵:۵). دوم قرن‌تین ۶:۱۴-۱۸ و تفسیر آن مشاهده شود). کسانی که در گناهان بابل شریک شوند بلاهای مقرر شده برای آن نیز بر ایشان خواهد آمد.

۶-۸ سپس صدایی که از آسمان می‌آید، می‌گوید: «**بدو رد کنید آنچه را که او داده است**» (آیه ۶). این احتمال وجود دارد که این صدا با وحش و ده پادشاه او در حال سخن گفتن باشد که مقرر شده‌اند تا فاحشه بزرگ یعنی بابل را نابود سازند (مکاشفه ۲:۱۷، ۱۶). خدا انسانهای شریر را مطابق آنچه انجام داده‌اند، مجازات خواهد کرد (مزمور ۱۲:۶۲، ارمیاء ۵۰:۲۹، رومیان ۵:۲-۶). بابل خود را برافراشته و بسیار مغرور و متکبر است. او در قلب خود فخر می‌کند: «**به مقام ملکه نشسته‌ام**» (اشعیا ۴۷:۸-۹). اما او پست خواهد شد (امثال ۲۳:۲۹، متی ۱۲:۲۳). بلاهای او یعنی **مرگ و ماتم و قحط** بر او خواهد آمد (آیه ۸). او به آتش نابود خواهد شد (لوقا ۱۷:۲۸-۳۰).

۹-۱۰ پادشاهان زمین که در حاکمیت بابل شریک بودند، در نابودی او ماتم خواهند کرد زیرا می‌دانند که اکنون حاکمیت آنها نیز به پایان

۳۹- بعضی مسیحیان معتقدند در پایان جهان یک

امپراطوری واحد و شریر به وجود خواهد آمد که شبیه امپراطوری روم خواهد بود. وقوع چنین چیزی محتمل است اما هیچکس در این مورد نمی‌تواند مطمئن باشد. اما تنها چیزی که ما می‌توانیم بدانیم این است که هر امپراطوری یا امپراطوریایی در آن زمان به وجود بیاید، همانطور که امپراطوری روم نابود شد، همه آنها نیز نابود خواهند شد.

بابل شدند. آنها ایمان داشتند که بابل هرگز سقوط نخواهد کرد.

همانطور که بابل (یا روم) بدنهای انبیاء و مقدسین مسیح را نابود کرد، خدا نیز بابل را نابود خواهد کرد.

باب ۱۹

عروسی بره (۱:۱۹-۱۰)

۵-۱ یوحنا می‌شنود که گروهی عظیم در آسمان فریاد می‌زنند: «هللویاه!» این گروه عظیم شامل همه کسانی می‌شود که تا به آخر با ایستادگی و ثابت قدمی در ایمانشان، نجات یافته‌اند و به آسمان رفته‌اند (مکاشفه ۷:۹-۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود). آنها به جهت داوری عادلانه و منصفانه خدا شادی می‌کنند (مکاشفه ۱۸:۲۰).

۸-۶ در رؤیای یوحنا جمعی عظیم فریاد برمی‌آورند: «... نکاح بره رسیده است» (آیه ۷). یعنی این نکاح در حال انجام شدن است. بره در واقع همان مسیح است و عروس بره، کلیساست یعنی جمع کثیر ایمانداران که در آسمانند (آیه ۱).

عروس (یا کلیسا) خود را آماده کرده است یعنی او خود را پاک ساخته است. او لباسهای خود را در خون بره شسته است (مکاشفه ۷:۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود). او عروسی شده است که لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن ندارد (افسیان ۵:۲۵-۲۷). او خود را به کتان پاک و

رسیده است (حزقیال ۱۵:۲۶-۱۸).
۱۱-۱۳ تجار جهان نیز برای نابودی بابل ماتم خواهند کرد. تجارت آنها با بابل گسترده و پرسود بود. اهالی ثروتمند و قدرتمند بابل در اشتیاق انواع و اقسام تجملات هستند^{۴۰}. بنابراین، تأمین این تجملات برای شهر بابل بسیار پرسود بود.

در میان تمام کالاهایی که تاجران به بابل می‌آوردند، آخرین موردی که ذکر می‌شود اجساد و نفوس مردم ذکر شده است که منظور همان بردگان هستند^{۴۱} (آیه ۱۳). تجارت برده نه فقط شامل فروش اجساد انسانها، بلکه همچنین شامل فروش نفوس آنها نیز می‌شد.

۱۴-۱۶ و تاجران ماتم خواهند کرد زیرا آنها این فرصت را از دست دادند که بواسطه تجارت با بابل ثروتمند شوند. در واقع با نابودی ثروت بابل، ثروت و دارایی آنها نیز از بین خواهد رفت (حزقیال ۱:۲۷-۴، ۱۲-۲۴).

۱۷-۱۹ تمامی کسانی نیز که توسط دریانوردی و کشتیرانی معاش خود را تأمین می‌کنند، ماتم خواهند کرد زیرا آنها توسط حمل کالا به بابل درآمد زیادی کسب می‌کردند. (حزقیال ۲۷:۲۵-۲۶).

۲۰ تمام اشخاص بی‌ایمان دنیا به خاطر نابودی بابل ماتم خواهند کرد اما ایمانداران به مسیح، یعنی مقدسان و رسولان و انبیاء شادی خواهند کرد. شهیدانی نیز که در مکاشفه ۶:۹-۱۰ به آنها اشاره می‌شود، شادی خواهند کرد زیرا اکنون انتقام خون آنها گرفته می‌شود.

۲۱-۲۴ آنگاه یوحنا فرشته زورآوری را می‌بیند که سنگی چون سنگ آسیای بزرگ گرفته و آن را به دریا می‌اندازد (آیه ۲۱). به همین شکلی که سنگ در دریا ناپدید می‌شود به همین شکل نیز ثروت، قدرت و حشمت بابل نیز ناپدید خواهد شد (ارمیا ۵۱:۶۳-۶۴).

از جادوگری (بابل) جمیع امتهامراه شدند (آیه ۲۳). آنها مسحور قدرت و ثروت عظیم

۴۰- برای مثال یکی از امپراتوران روم یکبار برای

یک جشن ساده سفارش داد تا معادل صد هزار دلار گل رز از مصر بیاورند. امپراطوری دیگر نیز برای تأمین خوراک خانواده‌اش در عرض یک سال معادل بیست میلیون دلار خرج کرد.

۴۱- در دوران زندگی یوحنا تجارت برده از رونق

بسیار برخوردار بود. تخمین زده می‌شود که حدود شصت میلیون برده در امپراطوری روم زندگی می‌کردند.

تنها یگانه تجسم حقیقی یعنی عیسی مسیح، شایسته پرستش است.

مسیح پیروزمند (۱۱:۱۹-۱۶)

۱۱ آنگاه یوحنا آسمان را گشوده می‌بیند و شخصی را می‌بیند که بر اسبی سفید سوار است که وی همانا مسیح است. (دوم تسالونیکیان ۱:۷-۱۰). مسیح در اینجا **امین و حق** خوانده می‌شود (مزمو ۱۳:۹۶، مکاشفه ۱۴:۳).

۱۲ مسیح نامی مخفی دارد که بر بدنش نوشته شده است (مکاشفه ۱۲:۳) و هیچکس نمی‌داند که این نام چیست.

۱۳ در رؤیای یوحنا مسیح **جامه‌ای خون‌آلود** برتن دارد. این خون، خون دشمنان وی است (اشعیا ۶۳:۱-۶). مسیح در اینجا **کلمه خدا** خوانده می‌شود. (یوحنا ۱:۱-۱۴، مشاهده شود). این کلمه صرفاً آوایی معمولی نیست، بلکه **زنده و مقتدر** (و برنده‌تر است) از **هر شمشیر دودم** (عبرانیان ۱۲:۴). این کلمه **شمشیر روح** است (افسیان ۱۷:۶) و این کلمه اسلحه‌ای است که مسیح برای نابودی دشمنانش از آن استفاده می‌کند.

۱۴ **لشکرهایی که در آسمانند** از مسیح پیروی می‌کنند. این لشکرها هم از فرشتگان (متی ۲۶:۵۳) و هم از ایمانداران رستخیز کرده تشکیل شده است (مکاشفه ۲۶:۲-۲۷، ۱۴:۱۷). لشکریانی که یوحنا آنها را در رؤیا می‌بیند **به کتان سفید و پاک** ملبسند (مکاشفه ۹:۷، ۱۴، ۸:۱۹ و تفسیر آنها مشاهده شود). این لشکرها خودشان نمی‌جنگند و اثری از خون بر لباسهایشان دیده نمی‌شود.

۱۵-۱۶ این تنها مسیح است که ملت‌ها یعنی دشمنانش را می‌زند. شمشیری که از دهانش بیرون می‌آید، شمشیر داوری است (اشعیا ۴:۱۱)، دوم تسالونیکیان ۸:۲، مکاشفه ۱۶:۱ و تفسیر آنها مشاهده شود) مسیح بر ملت‌ها **به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود**

روشن پوشانده است (آیه ۸) یعنی او به **عدالت‌های مقدسین** یعنی ایمانداران ملبس است. همه ایمانداران توسط خدا آفریده شده‌اند تا این اعمال نیکو و عدالت‌مندانه را انجام دهند (افسیان ۱۰:۲).

۹ ایماندارانی که در آیات ۶-۸ به آنها اشاره شده، به یک معنی عروس مسیح هستند. اما در آیه ۹، یوحنا می‌گوید که ایمانداران به معنایی دیگر مهمانانی هستند که به جشن نکاح مسیح دعوت شده‌اند. عروس بودن و مهمان بودن البته بسیار با همدیگر متفاوتند، اما در هر دو حالت معنای دو تشبیه یکی است. عروس برای این که با مسیح عروسی کند باید آمادگی و شایستگی لازم را داشته باشد، به همین شکل نیز مهمانان برای این که در جشن عروسی شرکت کنند، باید آمادگی و شایستگی لازم را داشته باشند (متی ۱۴:۲۲-۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود). بنابراین، ایمانداران چه به‌عنوان عروس و چه به‌عنوان مهمان عروسی بره، باید به هر حال از آمادگی و شایستگی لازم برخوردار باشند.

۱۰ یوحنا بر زمین می‌افتد و شروع به سجده نمودن فرشته زورآور می‌کند (مکاشفه ۲۱:۱۸) و به اشتباه چنین می‌پندارد که آن فرشته مسیح است. اما فرشته بلافاصله به او می‌گوید: «مرا سجده نکن، بلکه **خدا را سجده کن**. من هم‌خدمت و همانند تو هستم» (اعمال ۱۰:۲۵-۲۶، عبرانیان ۱۴:۱ مشاهده شود). از این قسمت چنین می‌فهمیم که ما نباید هیچ پادشاه، کاهن، فرشته یا روحی را بپرستیم، بلکه فقط باید خدای واحد حقیقی را که در ذات او تثلیث مشاهده می‌کنیم یعنی پدر، پسر و روح‌القدس را بپرستیم.

زیرا که شهادت عیسی روح نبوت است. معنای این گفته آن است که منبع مکاشفه و شهادت نه فرشتگان و انبیاء، بلکه خود عیساست که فرشتگان و انبیاء در مورد او سخن می‌گویند.

دریاچه آتش افروخته شده به کبریت انداخته می‌شوند. **وحش** که با نام دجال نیز شناخته می‌شود نمایانگر قوت و قدرتهای دنیوی است. همکار وحش یعنی **نبی کاذب** نمایانگر همه مذاهب دروغین است. کار نبی کاذب این است که انسانها را فریب دهد و آنها را به طریق پیروی از وحش و دریافت نشان او بکشاند^{۴۲} (مکاشفه ۱۱:۱۳-۱۶ و تفسیر آن مشاهده شود).

دریاچه آتش افروخته شده به کبریت نمایانگر آتش جهنم است که ارواح انسانهای شریر تا به ابد در آنجا می‌مانند (متی ۲۲:۵، مرقس ۹:۴۳).
۲۱ در رؤیای یوحنا همه کسانی که از وحش و نبی کاذب پیروی می‌کنند با شمشیری که از دهان مسیح بیرون می‌آید، کشته می‌شوند. بنابراین، مسیح بدین شکل داوری نهایی را در مورد آنها اعمال می‌کند (مکاشفه ۱۴:۱۴-۱۶ مشاهده شود). شمشیری که از دهان مسیح در می‌آید نمایانگر کلام داوری است. کسانی که از وحش پیروی می‌کنند، با این داوری روبرو می‌شوند: بدنهای آنها نابود شده، روحهای آنها به جهنم افکنده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تعالیم کتاب مکاشفه این است که مسیح بر شیطان و دو امداد کننده اصلی او یعنی وحش و نبی کاذب پیروز می‌شود. این جنگ هنوز عملاً به وقوع نپیوسته است اما خدا از پیش پیروزی را برای مسیح مقرر کرده است. پیروزی مسیح در نبرد نهایی کاملاً قطعی است. در این جهان ما ایمانداران تحت فشاریم و شیطان با حملاتش ما را می‌آزماید. ما شاهد هستیم که اشخاص شریر به قدرت رسیده، به کلیسا آزار می‌رسانند. اما ما هرگز نباید رؤیای یوحنا را در مورد **جنگ آن روز عظیم خدای**

۴۲- ما در اینجا شاهد این هستیم که هنگامی که رهبران کلیسا با رهبران سیاسی کاملاً متحد می‌شوند، چه اتفاقی می‌افتد. در این حالت کلیسا به اصول خود وفادار نمانده، خادم حکومت می‌شود.

یعنی او با عصای آهنین دشمنانش را زده، آنها را نابود خواهد کرد (مزمور ۹:۲). مسیح **چرخش خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشرد** (مکاشفه ۱۹:۱۴-۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود). این است نجات‌دهنده پیروزمند ما مسیح که **پادشاه پادشاهان و رب الارباب** است (تثنیه ۱۰:۱۷، اول تیموتاؤس ۱۵:۶، مکاشفه ۱۴:۱۷).

نابودی دشمنان مسیح (۱۷:۱۹-۲۱)

۱۷-۱۸ کسانی که امروز مسیح بره خدا را نمی‌پذیرند، در روز نبرد نهایی باید با مسیح پادشاه روبرو شوند. کسانی که امروز مسیح را به عنوان نجات‌دهنده نمی‌پذیرند در روز آخر باید با مسیح داور روبرو شوند. در آن روز او در دهانش شمشیر داوری و در دستش عصای آهنین خواهد داشت (آیه ۱۵). در آن روز کسانی که به مسیح ایمان نیاورده‌اند خوراک لاشخوران و پرندگان دیگر خواهند شد (حزقیال ۳۹:۱۷-۲۱). و آنها هیچکس جز خودشان را نباید سرزنش کنند. خدا آمرزش گناهان و نجات را به آنها ارزانی داشته اما آن را رد کرده‌اند. کسانی که رحمت و فیض خدا را رد کنند، یقیناً با داوری او روبرو خواهند شد.

۱۹ سپس یوحنا گویی دشمنان **اسب سوار** یعنی مسیح را می‌بیند که **برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق** جمع شده‌اند (مکاشفه ۱۴:۱۶). دشمنان اصلی مسیح در این نبرد **وحش** و ده پادشاه هستند (مکاشفه ۱۳:۱-۲، ۱۷:۷-۸، ۱۲-۱۴ و تفسیر آنها مشاهده شود). جنگی که یوحنا در رؤیایش می‌بیند روزی در مکانی که **حارمجدون** خوانده می‌شود رخ خواهد داد (مکاشفه ۱۶:۱۶).

۲۰ در این نبرد مسیح بر دشمنانش پیروز می‌شود. **وحش** به همراه **نبی کاذب** (مکاشفه ۱۱:۱۳، ۱۳:۱۶) هر دو گرفتار شده و هر دو به

۱۳:۱۵-۱۷). این اشخاص نه تنها شامل کسانی می‌شوند که در مکاشفه ۹:۶ به آنها اشاره شده، بلکه همچنین شامل کسانی نیز می‌شوند که پس از مرگ این اشخاص به خاطر مسیح جان داده‌اند (مکاشفه ۱۱:۶). در رؤیای یوحنا از این شهیدان با استفاده از کلمه نفوس یاد می‌شود زیرا هنوز رستخیز بدن‌ها به وقوع نپیوسته است.

سپس یوحنا می‌بیند که این نفوس زنده می‌شوند یعنی او واقعه قیامت یا رستخیز بدن‌های آنها را مشاهده می‌کند. آنگاه ایشان همراه با مسیح یک هزار سال سلطنت می‌کنند. این دوره، سلطنت هزار ساله مسیح و مقدسین شهید او خوانده می‌شود. ما می‌دانیم که این سلطنت، هنگامی که عملاً مستقر شد بر روی زمین خواهد بود زیرا مطابق آیات ۷-۹ پس از این دوره هزار ساله شیطان مجدداً ملت‌های زمین را جمع کرده، برای آخرین بار به مسیح و مقدسانش حمله می‌کند. اما هنگامی که سلطنت هزار ساله برقرار است شیطان در هاویه در بند نگاه داشته خواهد شد^{۴۳}.

۴۳- برخی دانشمندان کتاب مقدس آیه چهارم را به شکل‌های مختلف تفسیر می‌کنند. این گروه معتقدند که نه تنها در این دوره هزار ساله شهیدان با مسیح سلطنت خواهند کرد، بلکه همه ایماندارانی نیز که وحش را نپرستیده‌اند و نشان او را دریافت نکرده‌اند، در این دوران با مسیح سلطنت خواهند کرد. این دانشمندان می‌گویند که در آیه چهارم به دو گروه اشاره می‌شود: شهیدان یا کسانی که سرشان بریده شده و نیز ایمانداران دیگر که محکوم به مرگ نشده‌اند اما در ایمانشان استوار ایستاده‌اند. به عبارت دیگر این دانشمندان می‌گویند که همه مسیحیان حقیقی در سلطنت هزار ساله سهمی خواهند داشت (مکاشفه ۲۶:۲-۲۷، ۹:۵-۱۰).

اما براساس مکاشفه ۱۵:۱۳ همه ایماندارانی که وحش را نمی‌پرستند، کشته می‌شوند بنابراین، ایماندارانی که در زمان وحش زنده هستند شهید خواهند شد. بنابراین، در این قسمت چه ما بگوییم

قادر مطلق فراموش کنیم. عیسی پیروز است! او گفت: «در جهان برای شما زحمت خواهد شد، و لکن خاطر جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام» (یوحنا ۱۶:۳۳).

باب ۲۰ هزار سال (۱:۲۰-۶)

۱ پس از آن که دو مددکننده شیطان یعنی وحش و نبی کاذب به دریاچه آتش افکنده می‌شوند (مکاشفه ۱۹:۲۰) یوحنا فرشته‌ای را می‌بیند که **کلید هاویه** را در دست دارد (مکاشفه ۱:۹، ۷:۱۱) **هاویه** چاهی عظیم و عمیق در زمین است که ارواح سقوط کرده و ارواح اشخاص نامطیع تاروز داوری در آن زندانی هستند (یهودا ۶).

۲-۳ آنگاه این فرشته شیطان را در بند کرده، او را به هاویه می‌افکند که او به مدت هزار سال در آنجا می‌ماند. هنگامی که هزار سال به پایان می‌رسد، او برای مدت کوتاهی آزاد می‌شود (آیات ۷-۱۰ مشاهده شود).

۴ سپس یوحنا تخته‌هایی را می‌بیند که بر آنها اشخاصی نشسته بودند که به آنها اقتدار داده شده بود تا داوری کنند. در اینجا معلوم نیست که یوحنا به چه کسانی اشاره می‌کند. برخی معتقدند کسانی که بر این تخته‌ها نشسته‌اند دوازده رسول هستند (متی ۱۹:۲۸). برخی دیگر معتقدند این اشخاص مقدسین یا ایماندارانی هستند که بر ایمانشان استوار ایستاده و بر وسوسه‌های شیطان غالب شده‌اند (اول قرن‌تین ۲:۶-۳؛ مکاشفه ۲۱:۳). آنها هر که باشند به شکلی به مسیح در کار داوری کردن یاری می‌کنند.

یوحنا علاوه بر کسانی که بر تخته‌ها نشسته‌اند، نفوس شهیدانی را می‌بیند که **سربریده** شده‌اند. آنها به خاطر ایمانشان به مسیح کشته شده‌اند. آنها وحش را نپرستیده‌اند و نیز نشان او را دریافت نکرده‌اند (مکاشفه

در رؤیای یوحنا، سپاهیان ملت‌ها شهر (یا لشکرگاه) مقدسین را محاصره می‌کنند، اما پیش از آن که بتوانند به آن حمله کنند، آتشی که از آسمان نازل می‌شود، آنها را نابود می‌سازد (دوم پادشاهان ۱: ۱۰؛ حزقیال ۲۱: ۳۸-۲۲؛ ۳۹: ۶).
۱۰ آنگاه شیطان محکومیت نهایی‌اش را دریافت می‌کند: او به **دریاچه آتش و کسبریت** افکنده می‌شود که تا به ابد در آن عذاب خواهد کشید (مکاشفه ۱۹: ۲۰ و تفسیر آن مشاهده شود).

و در این قسمت ما نقطه اوج را در مکاشفه یوحنا می‌بینیم: یعنی شکست شیطان و پیروزی نهایی بر کل شرارت در جهان کائنات. اما هنوز دو نقطه اوج دیگر هم در مکاشفه یوحنا باقی مانده است که اتفاق نیفتاده‌اند که اولین آنها رؤیای یوحنا در مورد داوری نهایی (آیات ۱۱-۱۵) و دومین آنها رؤیای خود بهشت آسمانی است (مکاشفه باب‌های ۲۱-۲۲).

قیامت و داوری نهایی (۱۵: ۱۱-۱۵)

۱۱ در این قسمت یوحنا برای ما رؤیای

«ایمانداران» و چه بگوییم «شهیدان» هر دو به یک گروه اشاره دارند. بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که در آیه ۴ یوحنا فقط در مورد یک گروه سخن می‌گوید یعنی ایماندارانی که محکوم به مرگ شده‌اند و شهید گشته‌اند. برای شهیدان این سلطنت هزار ساله پاداشی عظیم و پربرکت خواهد بود.

بنابراین، چنین مشخص می‌شود که برای همه ایمانداران دیگر که پیش از ظهور وحش به علل طبیعی درگذشته‌اند، رستخیز آنها پس از این که سلطنت هزار ساله به پایان رسید، به وقوع می‌پیوندد.

۴۴- ایماندارانی که در «قیامت دوم» (یا قیامت همگان) سهم دارند نیز، موت ثانی بر آنها تسلطی ندارد و تنها بی‌ایمانان محکومیت موت ثانی را دریافت خواهند کرد.

۵ سپس براساس رؤیای یوحنا، پس از این که سلطنت هزار ساله مسیح و شهیدانش به پایان رسید **سایر مردگان** یعنی کسانی که به خاطر مسیح کشته نشده‌اند، زنده خواهند شد. در این آیه **سایر مردگان** شامل دو گروه می‌شود: گروه نخست ایمانداران به مسیح که متعلق به نسلهای گذشته هستند و به خاطر مسیح کشته نشده‌اند و گروه دوم همه اشخاصی که به مسیح ایمان نداشته‌اند.

قیامت اول رستخیز شهیدان در شروع سلطنت هزار ساله است (آیه ۴). «قیامت دوم» قیامت یا رستخیز **سایر مردگان** است که در اینجا در آیه ۵ به آنها اشاره می‌شود.

۶ کسی که از قیامت اول قسمتی دارد یعنی شهیدان خوشحال و مقدس هستند. آنها به‌عنوان کاهنان خدا، به مدت یک هزار سال با مسیح سلطنت خواهند کرد و موت ثانی بر آنها تسلطی نخواهد داشت^{۴۴} (آیه ۱۴ و تفسیر آن مشاهده شود).

رها شدن شیطان و نابودی غایی او (۷: ۲۰-۱۰)

۱-۷ حتی پس از این که شیطان هزار سال در هاویه در بند می‌ماند، تغییری در شخصیتش به وجود نمی‌آید! برای آخرین بار شیطان آن گروه از ملت‌های زمین را که مسیح قبلاً آنها را نابود نکرده، (مکاشفه ۱۹: ۱۹-۲۱) گرد هم می‌آورد. **جوج و ماجوج** اسامی سمبولیکی است که برای این ملت‌ها به کار می‌رود (حزقیال ۱۶: ۳۸).

۹ در این آیه جمع شهیدان که به مدت هزار سال سلطنت می‌کنند، **لشکرگاه مقدسین** خوانده می‌شوند. محل استقرار این جمع از این جهت لشکرگاه خوانده می‌شود چون آنها برای همیشه در آنجا نمی‌مانند و مدت اقامتشان در این مکان هزار سال است. این لشکرگاه همچنین به عنوان شهر محبوب خدا نیز شناخته می‌شود.

دفترهایی که اعمال هر فرد بر زمین در آنها ثبت شده است، باز می‌شوند. یوحنا در آیه ۱۲ می‌نویسد که مردگان **برحسب اعمال ایشان از آنچه در دفترها مکتوب است** داوری شدند (مزمور ۱۲:۶۲؛ ارمیاء ۱۰:۱۷؛ رومیان ۲:۶؛ اول پطرس ۱:۱۷). در این میان به دفتر دیگری نیز اشاره می‌شود که **دفتر حیات** نام دارد. در این دفتر نام همه کسانی که باید نجات می‌یافتند مکتوب است (دانیال ۱۲:۱؛ مکاشفه ۵:۳؛ ۸:۱۷). همه کسانی که براساس اعمالشان که در «دفتر اعمال» مکتوب است و ایمانداران حقیقی محسوب می‌شوند، نامشان در **دفتر حیات** یافت می‌شود. بنابراین، نامهایی که در دفتر حیات وجود دارند دقیقاً با اطلاعاتی که در دفتر اعمال وجود دارند یکی هستند. کسانی که توبه نکرده و به مسیح ایمان نیاورده‌اند، اما اعمال ایمان را انجام داده‌اند نامشان در دفتر حیات موجود نیست. انسانها نه توسط اعمال نیکویشان، بلکه تنها توسط ایمان نجات می‌یابند. اما اعمال نیکو نشاندهنده ایمان حقیقی هستند. کسانی که فاقد اعمال نیکو هستند فاقد ایمان حقیقی هستند. بنابراین، ایمان هر کس توسط آنچه که او بر زمین انجام می‌دهد و در **دفترها مکتوب است** مشخص می‌شود (افسیان ۲:۸-۱۰؛ یعقوب ۲:۱۷، ۲۰-۲۴، ۲۶ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱۴-۱۵ موت و عالم اموات به دریاچه آتش افکنده می‌شوند (مکاشفه ۲۰:۱۹ مشاهده شود). به یک معنی، موت و عالم اموات با هم شریکند. عالم اموات مکانی است که موت قربانیانش را به آنجا می‌فرستد. عالم اموات شبیه «معدن» مرگ است و مکانی است که در

خودش را در مورد داوری نهایی توصیف می‌کند. یوحنا **تختی بزرگ سفید** مشاهده می‌کند که بر آن خدا یا مسیح نشسته‌اند که یوحنا دقیقاً نمی‌گوید که کدامیک بر این تخت نشسته‌اند. عهدجدید تعلیم می‌دهد که خدا تمامی داوری را به مسیح سپرده است (یوحنا ۵:۲۲، دوم قرنتیان ۵:۱۰، دوم تیموتاؤس ۴:۱). در عین حال پولس رسول نیز می‌گوید که همه ما در برابر تخت داوری خدا خواهیم ایستاد (رومیان ۱۴:۱۰). در کتاب مکاشفه کسی که معمولاً بر تخت نشسته است، خود خدا است (مکاشفه ۵:۱۳، ۷:۱۰، ۱۹:۴). اما در این قسمت چه خدا بر تخت نشسته باشد و چه مسیح فرقی نمی‌کند، چون خدا و مسیح یک هستند (یوحنا ۱۰:۳۰).

آنگاه یوحنا می‌بیند که زمین و آسمان از حضور خدا می‌گریزند. تنها چیزی که باقی می‌ماند تخت بزرگ سفید و کسی است که بر آن نشسته است. تمامی چیزهای دیگر ناپدید می‌شوند. **آسمان جدید و زمین جدید** در آستانه ظاهر شدن هستند (مکاشفه ۲۱:۱) اما پیش از آن که جدید بیاید قدیمی باید زائل شود (اشعیاء ۵۱:۶؛ متی ۲۴:۳۵؛ اول یوحنا ۲:۱۷).

۱۲-۱۳ سپس یوحنا می‌بیند که همه مردگان همه نسلها در برابر تخت ایستاده‌اند. مردگانی هم که در دریا بودند، در برابر تخت حاضر می‌شوند. کسانی نیز که به مسیح ایمان نداشته‌اند و روحشان به هاویه رفته بود، در آنجا حاضر هستند (مکاشفه ۱۸:۱ و تفسیر آن مشاهده شود) و به استثنای شهیدان مسیحی^{۴۵} همه مسیحیان دیگر نیز در آنجا حاضرند (آیه ۴). بنابراین، آنچه یوحنا می‌بیند، رؤیایی در مورد «قیامت دوم» است، که همه مردگان (چه ایماندار باشند و چه بی‌ایمان) در آن سهم خواهند داشت (آیه ۵ مشاهده شود). به محض این که قیامت یا رستاخیز دوم به وقوع می‌پیوندد، داوری نهایی خدا آغاز می‌شود.

۴۵- شهیدان مسیحی در قیامت اول قبلاً قیام کرده بودند (آیات ۴-۵ و تفسیر آنها مشاهده شود). بنابراین، در داوری نهایی آنها در میان مردگان حاضر نخواهند بود.

خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود (رومیان ۸: ۲۰-۲۱). در رؤیای یوحنا خلقت کهنه درگذشته (مکاشفه ۱۱: ۲۰) و به جای آن خلقتی جدید ظاهر می شود که هیچگاه دچار فساد نشده و نابود نخواهد شد. یوحنا همچنین اضافه می کند که در خلقت جدید دریایی نخواهد بود.

۲ یوحنا در رؤیای خود، نه تنها آسمان جدید و زمین جدید، بلکه **شهر مقدس** را نیز مشاهده می کند که **اورشلیم جدید** خوانده می شود (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۳: ۱۴؛ مکاشفه ۳: ۱۲). یوحنا در رؤیای خود می بیند که شهر مقدس از آسمان نازل می شود. این شهر نه توسط انسان، بلکه توسط خدا آفریده شده و به عنوان هدیه ای به همه ایمانداران در مسیح داده می شود.

در پایان جهان، **شهر مقدس** رؤیای یوحنا، فی الواقع توسط خدا آفریده خواهد شد. این شهر مقدس نه تنها نمایانگر مسکن آسمانی ماست، بلکه همچنین نمایانگر کلیسای مسیح است. همه کسانی که نامشان در دفتر حیات مکتوب است در این کلیسا خواهند بود (عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۳). این کلیسا همچنین **عروس مسیح** است که برای شوهر خود آراسته شده است (دوم قرتیان ۱۱: ۲؛ افسسیان ۵: ۲۷-۲۵؛ مکاشفه ۱۹: ۶-۸ و تفسیر آنها مشاهده شود). چقدر عروس مقدس مسیح و فاحشه بزرگ با هم متفاوتند! (مکاشفه ۱۷: ۱). چقدر اورشلیم آسمانی و بابل دنیوی با هم متفاوتند! (مکاشفه ۱۷: ۵).

۳ سپس یوحنا صدایی می شنود که می گوید: **اینک خیمه خدا با آدمیان است. و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قومهای او**

آنجا کسانی که مرگ آنها را «خورده» کارشان تمام می شود. اما در داوری نهایی هم مرگ و هم معده مرگ نابود خواهند شد (اشعیا ۸: ۲۵، اول قرتیان ۵۴: ۱۵-۵۵ و تفسیر آن مشاهده شود). و بدینسان در رؤیای یوحنا **موت و عالم اموات** به **دریاچه آتش**^{۴۶} افکنده می شوند. یعنی آنها هم دچار همان سرنوشتی می شوند که شیطان، وحش و نبی کاذب دچار آن شدند (مکاشفه ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۱۰). علاوه بر این همه کسانی هم که نامشان در دفتر حیات مکتوب نیست به دریاچه آتش افکنده می شوند. دریاچه آتش **موت ثانی خوانده می شود** که ابدی است.

آنچه که یوحنا در رؤیایش می بیند، در پایان جهان به وقوع خواهد پیوست. یوحنا در مورد این که داوری نهایی خدا شبیه چه خواهد بود، پیش زمینه ای به ما می دهد. پس از داوری نهایی، دیگر فرصتی برای فرجام خواهی نخواهد بود. همه کسانی که نامشان در دفتر حیات مکتوب نیست مجازات ابدی را دریافت خواهند کرد. بنابراین، در این زندگی مهم ترین سؤالی که یک شخص می تواند مطرح کند این است: آیا نام من در کتاب حیات مکتوب است یا خیر؟

باب ۲۱

آسمان جدید و زمین جدید (۱: ۲۱-۸)

۱ خدا توسط اشعیا نبی به یهودیان وعده داده بود که **آسمانی جدید و زمینی جدید** خواهد آفرید که تا به ابد باقی خواهد ماند (اشعیا ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲). اکنون در رؤیای یوحنا این وعده به تحقق می پیوندد. پطرس می نویسد که این آسمان و زمین فعلی نابود خواهد شد اما او منتظر **آسمانهای جدید و زمین جدید** است که در آنها **عدالت ساکن خواهد بود** (دوم پطرس ۳: ۱۲-۱۳). پطرس رسول نیز می نویسد که **خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی**

۴۶- «دریاچه آتش» همان «دریاچه آتش و کبریت»

است که در مکاشفه ۱۹: ۲۰ و ۱۰: ۲۰ بدان اشاره شده است.

کسانی که غالب شوند فرزندان خدا خواهند شد و چون آنها فرزندان هستند میراثی را که برای آنها در آسمان نگاه داشته شده است، خواهند یافت (رومیان ۸: ۱۶-۱۷؛ اول پطرس ۱: ۳-۴ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱ در این آیه خدا به توصیف کسانی می‌پردازد که در آسمان میراثی دریافت نمی‌کنند (اول قرنیتیان ۶: ۹-۱۰؛ غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱ و تفسیر آنها مشاهده شود). نام **توسندگان** در ابتدا ذکر می‌شود که کسانی هستند که تاب مقاومت در برابر تجارب و آزمایشها را ندارند. ترس آنها از وحش بیشتر از محبتشان به مسیح است (مرقس ۴: ۵-۶، ۱۶-۱۷). آنها این حقیقت را فراموش کرده‌اند که هر که خواهد جان خود را نجات دهد آن را هلاک سازد (مرقس ۸: ۳۵).

واژه **بی‌ایمانان** فقط به غیرمسیحیان اشاره نمی‌کند، بلکه همچنین به کسانی اشاره دارد که ابتدا به سوی مسیح آمده‌اند اما بعدها از او روی گردانده و او را رد کرده‌اند. آنها نیز به همراه گناهکاران دیگر که نامشان در این آیه ذکر شده، به دریاچه آتش افکنده خواهند شد که همان موت ثانی است (مکاشفه ۱۴: ۲۰).

اورشلیم آسمانی (۲۱: ۹-۲۷)

۹-۱۴ آنگاه در رؤیای یوحنا، فرشته‌ای خود را در شهر مقدس یعنی اورشلیم آسمانی ظاهر می‌کند و پس از آن توضیحاتی در مورد این شهر داده می‌شود.

این شهر **دوازده دروازه** دارد (آیه ۱۲) که بر آنها نام دوازده سبط اسرائیل نوشته شده است (حزقیال ۴۸: ۳۰-۳۵؛ مکاشفه ۷: ۴-۸). خدا قوم باستانی اسرائیل یعنی قوم یهود را برگزیده بود تا قوم خاص او باشند. وعده‌های خدا ابتدا به ابراهیم که نخستین نفر از قوم یهود و پدر این قوم بود، داده شد. ما نیز اکنون توسط ایمان به مسیح، همین وعده‌ها را می‌یابیم. بنابراین، برای ما امتهای غیریهودیان، دوازده سبط اسرائیل

خواهند بود. شهر مقدس مکانی نیست که فقط ایمانداران باید در آنجا ساکن باشند، بلکه همچنین مکانی است که خدا نیز باید در آنجا ساکن باشد! خدا خودش در آنجا ساکن خواهد بود و ما را قوم خود یعنی کلیسایش خواهد گردانید (لاویان ۲۶: ۱۱-۱۲؛ حزقیال ۳۷: ۲۷؛ اول پطرس ۲: ۹).

۴ اما ایمانداران در شهر مقدس فقط با خدا ساکن نخواهند بود، بلکه این سکونت با خوشی عظیم نیز همراه خواهد بود. خود خدا **هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد** و هیچ اثری از ماتم و ناله و درد در اورشلیم آسمانی نخواهد بود (اشعیاء ۳۵: ۱۰؛ مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷). و مهم‌تر از همه اینکه دیگر اثری از موت نخواهد بود (اشعیاء ۲۵: ۸؛ اول قرنیتیان ۱۵: ۵۴؛ مکاشفه ۲۰: ۱۴). مرگ در ابتدا به خاطر گناه وارد جهان شد (رومیان ۵: ۱۲). اما در شهر مقدس اثری از گناه نخواهد بود، بنابراین مرگ نیز نخواهد بود.

۵ سپس یوحنا می‌شنود که خدا می‌گوید: **«الحال همه چیز را نو می‌سازم»** یعنی خدا آسمان جدید، زمین جدید، شهر جدید و قوم جدید می‌آفریند. تنها قومی جدید شایسته زیستن در شهری جدید است. در ما ایمانداران، بواسطه ایمان به مسیح فرآیند نو شدن از قبل شروع شده است (یوحنا ۳: ۳؛ دوم قرنیتیان ۳: ۱۸-۱۶؛ ۴: ۱۸؛ ۵: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۱۳-۱۴ و تفسیر آنها مشاهده شود). و هنگامی که بدنهای ما رستخیز کرد، آنگاه تمامیت وجود ما کاملاً نو خواهد بود و آنگاه ما آماده خواهیم بود تا وارد شهر آسمانی شویم.

۶ خدا که **الف و یا و ابتدا و انتهاست** (مکاشفه ۸: ۱)، **از چشمه آب حیات** به ما مفت خواهد داد تا بنوشیم. این چشمه خود مسیح است (مزمو ۳۶: ۷-۹، یوحنا ۴: ۱۴).

۷ **هر که غالب آید**، یعنی کسی که تا به آخر امین و وفادار باقی بماند، **وارث همه چیز خواهد شد** (مکاشفه ۲: ۷، ۱۱، ۱۷، ۲۶، ۳: ۵، ۱۲، ۲۱).

همانند دروازه‌هایی هستند که به ما فرصت وارد

شدن به شهر آسمانی را می‌دهند (غلاطیان ۳: ۷-۹، ۱۴، ۲۹ و تفسیر آنها مشاهده شود).

توسط ایمان، ما اکنون شهروندان شهر آسمانی شده‌ایم و به اسرائیل جدید تبدیل گشته‌ایم.

شهری که یوحنا در رؤیایش می‌بیند همچنین دارای **دوازده اساس** است (آیه ۱۴) که

بر آنها نام دوازده رسول مسیح نوشته شده است. پولس رسول به مسیحیان افسس که غیریهودی

بودند می‌نویسد: «پس... **هموطن مقدسین هستید** (یعنی یهودیان) **و از اهل خانه خدا** و این

خانه **بر بنیاد رسولان و انبیاء بنا شده است** (افسیان ۲: ۱۹-۲۰).

۱۵-۲۱ یوحنا در اینجا توضیحات بیشتری در مورد شهری که در رؤیایش می‌بیند

می‌دهد. خود شهر شکل مربع دارد پس طول و عرضش برابرند (آیه ۱۶) و طول هر ضلع آن

۱۲۰۰۰ **تیریزتاب** (۲۲۰۰ کیلومتر) است. ارتفاع آن نیز به همین میزان است. پس برای همه

ایمانداران به اندازه کافی اطاق وجود دارد! (یوحنا ۲: ۱۴). پس شهر شکل یک مکعب

کامل را دارد که هر بعد آن ۲۲۰۰ کیلومتر است. شکل شهر همانند محراب داخلی هیکل قدیمی

یهودیان در اورشلیم است (اول پادشاهان ۶: ۲۰).

و ضخامت^{۴۷} دیوارهای شهر ۱۴۴ ذراع (۶۵ متر) موافق ذراع اندازه‌گیری انسانها است. برای

شهری که دیوارهای آن ۲۲۰۰ کیلومتر ارتفاع دارند، دیوارهایی با چنین ضخامتی نازک

محسوب می‌شوند! هنگامی که توصیف یوحنا را در مورد این شهر بررسی می‌کنیم، باید این

موضوع را به یاد داشته باشیم که یوحنا سعی می‌کند چیزی را توصیف کند که در ورای درک و

تجربه انسانی قرار دارد. این شهر از **زر خالص چون شیشه مصفی** ساخته شده (آیه ۱۸).

دروازه‌های دوازده‌گانه آن نیز از **مروارید** ساخته شده‌اند (آیه ۲۱). حقیقتاً منزلگاه ابدی ما چه

شهر حیرت‌انگیزی است!

۲۲ یوحنا در این شهر هیچ قدسی نمی‌بیند **زیرا خداوند خدای قادر مطلق و بره قدس آن**

است. خدا هر کجا باشد، قدس ما نیز در آنجاست. خدا در هیچ قدسی که به دست ساخته

شده باشد، ساکن نیست (اعمال ۷: ۴۸-۴۹؛ ۱۷: ۲۴). به تعبیری دیگر ما ایمانداران «قدس»

یا «هیکل» خدا هستیم زیرا محلی برای سکونت روح مقدس خدا هستیم (دوم قرن‌تین ۶: ۱۶؛

افسیان ۲: ۲۱-۲۲ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۲۳-۲۷ شهر مملو از نور است که این نورها از خدا و مسیح ساطع می‌شوند (اشعیاء ۶۰: ۱۹).

چون هیچوقت در این شهر شب نمی‌شود پس هیچوقت لازم نیست دروازه‌هایش بسته شوند (اشعیاء ۶۰: ۱۱). **امتها**

در نورش سالک خواهند بود (آیه ۲۴). یوحنا مسیح را **نور حقیقی**... که هر انسان را **منور**

می‌گرداند می‌خواند (یوحنا ۱: ۹). عیسی خود فرمود: «**من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت**

کند در ظلمت ساکن نشود، بلکه نور حیات را یابد» (یوحنا ۸: ۱۲).

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که **امتها** و **پادشاهان** که در آیات ۲۴ و ۲۶ به آنها اشاره

شده چه کسانی هستند؟ (و نیز **سگها** که در مکاشفه ۲۲: ۱۵ مطرح شده چه کسانی هستند؟)

چرا این **امتها** و **پادشاهان** خارج از شهر آسمانی هستند؟ اگر آنها ایماندارند پس چرا داخل شهر

نیستند؟ اگر بی‌ایمانند چرا درون دریاچه آتش افکنده نشده‌اند؟ (مکاشفه ۲۰: ۱۵). دانشمندان

کتاب مقدس به این سؤال پاسخی متفاوتی داده‌اند، اما هیچکس مطمئن نیست که منظور

یوحنا در اینجا چیست. اما به هر حال در مورد یک چیز می‌توان اطمینان داشت و آن این است

۴۷- در متن یونانی دقیقاً مشخص نیست که آیا

یوحنا در مورد ضخامت دیوار سخن می‌گوید یا ارتفاع آن.

که هیچ چیز ناپاکی وارد شهر مقدس خدا

نخواهد شد (آیه ۲۷). تنها کسانی می‌توانند وارد این شهر شوند که لباسهایشان را با خون مسیح شسته باشند (مکاشفه ۱۴:۷) و اسامی آنها در دفتر حیات بره (مسیح) مکتوبند.

باب ۲۲

نهر حیات (۱:۲۲-۶)

۱ سپس به یوحنا نهری از آب حیات نشان داده می‌شود که از تخت خدا و بره جاری می‌شود. تختی که در مکاشفه ۱۵:۷ و ۵:۱۲ به آن اشاره می‌شود تخت خداست اما در این آیه و نیز آیه ۳، تخت مورد اشاره تخت مسیح، بره خداست. مسیح کاملاً سزاوار است که بر تخت خدا بنشیند. عیسی فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است» (متی ۱۸:۲۸) در واقع مسیح و خدا یک هستند (یوحنا ۱۰:۳۰).

نهر آب حیات از چشمه آب حیات (مکاشفه ۶:۲۱) جاری می‌شود که خود مسیح است. در باغ عدن هم نهری وجود داشت (پیدایش ۲:۱۰). از بعضی جنبه‌ها، باغ عدن اولیه و شهر آسمانی شباهتهایی با هم دارند. در آغاز پیدایش نیز در باغ عدن اثری از گناه، بیماری، ماتم و موت نبود. خدا خودش در این باغ می‌خرامید (پیدایش ۳:۸). اما دو انسان نخستین یعنی آدم و حوا علیه خدا مرتکب گناه شدند و پس از آن خدا آنان را از باغ عدن اخراج کرد (پیدایش ۳:۲۳-۲۴).

۲ در کنار نهر حیات در شهر آسمانی یک درخت حیات نیز وجود دارد. در باغ عدن نیز درخت حیاتی وجود داشت که به کسانی که از میوه‌های آن می‌خوردند حیات جاودان می‌بخشید (پیدایش ۲:۹؛ ۳:۲۲). درخت حیات در شهر آسمانی خدا نشانه‌ای از وفور نعمت و سلامتی است. همه اهالی شهر می‌توانند از میوه روحانی آن بهره‌گیرند و با خوردن از آن، از

سلامتی روحانی برخوردار شوند. ۳-۴ و دیگر هیچ لعنت نخواهد بود. به‌خاطر گناه آدم و حوا، خدا برای انسان و زمین لعنتی مقرر کرد (پیدایش ۳:۱۴-۱۹). اما در شهر آسمانی اثری از گناه نخواهد بود بنابراین، اثری از لعنت هم وجود نخواهد داشت.

در شهر آسمانی، بندگان خدا چهره او را خواهند دید (آیه ۴). در عهدعتیق به بزرگترین بنده خدا یعنی موسی، هیچگاه اجازه داده نشد که صورت خدا را ببیند (خروج ۳۳:۱۸-۲۳). عیسی گفت که تنها پاکدلان خواهند توانست خدا را ببینند (متی ۵:۸). اما ما نیز که توسط خون بره پاک شده‌ایم، چهره خدا را خواهیم دید و مانند او خواهیم بود زیرا او را چنان که هست خواهیم دید (اول یوحنا ۳:۲). از میان برکاتی که در آسمان وجود دارند، بزرگترین آنها دیدن چهره خدا و بودن با او برای همیشه است.

نام خدا بر پیشانی ما نوشته خواهد شد (مکاشفه ۳:۱۲؛ ۷:۳). نام او بر پیشانی ما نشانه این است که او ما را قوم خودش ساخته است و ویژگیها و شخصیت خودش را به ما داده است. ۵ مکاشفه ۲:۲۶؛ ۳:۲۱؛ ۲۳:۲۱ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۶ در اینجا یوحنا ما را مطمئن می‌سازد که آنچه که در کتاب مکاشفه نوشته شده امین و راست است. این مکاشفه از خداست و خدا فرشته خود را فرستاده است تا این امور را به یوحنا مکشوف سازد. او خدای ارواح انبیاء است. خدا توسط روح القدس به ارواح تمامی انبیای حقیقی الهام بخشیده و آنها را هدایت می‌کند. همانگونه که انبیاء با الهام یافتن از روح القدس سخن گفته‌اند (دوم پطرس ۱:۲۱)، به همین شکل نیز یوحنا همه این مطالب را با الهام یافتن از همان روح القدس به نگارش درآورده است. او این مکاشفه را به نگارش درآورده است تا ما را برای آنچه... که زود می‌باید واقع شود آماده سازد. زمان کوتاهی باقی مانده

است (اول قرن‌تین ۲۹:۷-۳۱). پولس رسول می‌نویسد: «... زیرا که الان نجات ما نزدیکتر است از آن وقتی که ایمان آوردیم. شب منقضی شد و روز نزدیک آمد (رومیان ۱۱:۱۳-۱۲). ستاره درخشنده صبح (آیه ۱۶) بزودی در آغاز روز جدید ظاهر خواهد شد.

عیسی می‌آید (۲۲:۷-۲۱)

۷ عیسی می‌فرماید: «ایسنگ بزودی می‌آیم». (متی ۲۴:۴۲، ۴۴؛ مرقس ۱۳:۳۲-۳۷). «خوشابه حال کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد» یعنی خوشابه حال کسی که تا به انتها در ایمانش استوار بایستد و نشان وحش را دریافت نکند.

۸-۹ مکاشفه ۱۹:۱۰ و تفسیر آن مشاهده شود.

۱۰ به دانیال نبی گفته شد که کتاب نبوتی‌ای را که نوشته بود، مهر کند، زیرا مدت زمان زیادی به تحقق نبوت او مانده بود (دانیال ۲:۶، ۱۲:۴). اما به یوحنا رسول گفته می‌شود که کتاب مکاشفه را مهر نکند زیرا زمان تحقق مطالب نوشته شده در آن نزدیک است.

۱۱ یوحنا در اینجا می‌گوید که هنگامی که سختیها و مصیبت‌های نهایی در پایان جهان رخ دهند، کسانی که بدی و ظلم می‌کنند به این اعمال بد خود ادامه داده، توبه نخواهند کرد. در این زمان قلبهای آنها حتی سختتر هم خواهد شد. سختیها و مصیبت‌های نهایی، شرارت‌های آنها را آشکار خواهد ساخت. اما کسی که به مسیح ایمان دارد تا به انتها باز عدالت کند و باز مقدس بشود (دانیال ۱۰:۱۲).

۱۲ ارمیاء ۱۷:۱۰؛ رومیان ۲:۶؛ مکاشفه ۱۲:۲۰ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۱۳ یوحنا در اینجا آنچه را که در مکاشفه ۱:۸، ۱۷ و ۸:۲ نوشته شده تکرار می‌کند. در مکاشفه ۸:۱ و ۶:۲۱ خدا الف و یما خوانده می‌شود. در اینجا نیز عیسی به خودش همین نام

را می‌دهد.

۱۴ کسانی که رختهای خود را شسته‌اند، کسانی هستند که توسط خون مسیح از گناه پاک شده‌اند. تنها این اشخاص اجازه می‌یابند تا وارد شهر آسمانی شوند (مکاشفه ۷:۱۴؛ ۲۱:۲۷).

۱۵ مکاشفه ۲۱:۸، ۲۴-۲۶ و تفسیر آنها مشاهده شود.

۱۶ عیسی در اینجا خود را ریشه و نسل داود می‌نامد (مکاشفه ۵:۵ و تفسیر آن مشاهده شود). سپس او خود را ستاره درخشنده صبح می‌خواند. این ستاره صبح نشانه طلوع روزی جدید پس از شب طولانی سختی و مصیبت است یعنی نشانه روز جدید ملکوت عیسی مسیح (رومیان ۱۳:۱۲؛ مکاشفه ۲:۲۸؛ ۲۲:۵ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱۷ روح (یعنی روح القدس) و عروس (یعنی کلیسا) به همه انسانها می‌گویند: «بیا» و هر که تشنه باشد، بیاید (اشعیاء ۵۵:۱؛ یوحنا ۷:۳۷-۳۸؛ مکاشفه ۲۱:۶ و تفسیر آنها مشاهده شود).

۱۸-۱۹ در اینجا یوحنا به همه کسانی که کلام نبوت این کتاب را بشنوند هشدار می‌دهد: هیچکس نباید تغییری در مطالب این نبوت بدهد، یا چیزی به آن اضافه یا کم کند. اگر شخصی چنین کند، مجازاتی شدید در انتظارش خواهد بود. حتی ممکن است نصیب او از شهر آسمانی منقطع شود (تثنیه ۴:۲، غلاطیان ۱:۶-۹ مشاهده شود).

۲۰-۲۱ یوحنا در اینجا کلمات او که بر این امور شاهد است یعنی کلمات عیسی را تکرار می‌کند: «بلی، به زودی می‌آیم».

بیا ای خداوند عیسی. ما منتظر تو هستیم. انسانها جد و جهد می‌کنند؛ شهرها و کشورها می‌سازند. اما تمام آنچه آنها انجام می‌دهند باطل است. انسانها خودشان به تنهایی نمی‌توانند جهان بهتری بسازند. ما بارها و بارها در انجام این کار شکست خورده‌ایم. ما تنها یک

امید داریم و این امید نیز در بازگشت توست. **بیا ای خداوند عیسی، آمین.**

